

پاسخ به سوالات زائران حرمین

تهیه کننده:

بخش اطلاع رسانی اداره ارشاد

ریاست عمومی مسجد النبی ﷺ

1436-1435 هـ ق

مترجم:

سعود عباسی

تصحیح و مراجعه:

عبدالله عبدالرحمن بلوچی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.sadaiislam.com

www.mowahedin.com

www.videofarsi.com

www.zekr.tv

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

3 فهرست مطالب
5 مقدمه
9 پیشگفتار: فضیلت حج و عمره
19 روش حج رسول الله ﷺ
31 فصل اول: احرام و مواقیت
39 فصل دوم: سوال‌های عمومی در حج و عمره
79 فصل سوم: سوال‌های مربوط به زنان
89 فصل چهارم: سوال‌های مربوط به نماز و روزه
103 فصل پنجم: زیارت مدینه و احکام آن
109 مآخذ

مقدمه

حمد و سپاس شایسته کسی است علما را میراث بران پیامبران قرار داده است، خداوند فرموده: ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: 43]. و درود و سلام بر بهترین کسی که در مورد حکم دین الله از او سوال شد به آن جواب داد، و فرمود: «درمان انسان سرگردان سوال کردن است»⁽¹⁾ و فرموده: «سخنان من را به دیگران برسانید اگرچه یک آیه باشد»⁽²⁾. صلی الله علیه وعلی آله و صحبه أجمعین.

اما بعد: مدینه منوره از همان زمانی که رسول الله ﷺ بر آن قدم گذاشت و مسجد مبارکش را بنا کرد تبدیل به مرکز انتشار نور و هدایت مردم شد، از همان زمان و تا زمان حال، مسجد النبی ﷺ، آن مسئولیت دینی که بر عهده اش گذاشته شده را بجا می آورد، یکی از مهمترین این مسئولیت ها پاسخ دادن به سوال های شرعی مردم می باشد، هنوز نیز فتوایی که از مسجد النبی صادر می شود، نزد مسلمان های سراسر دنیا از جایگاه ویژه ای برخوردار است، کاملاً به آن فتواها اعتماد دارند، و علمای حرم مکی و مدنی

1- رواه ابو داود (337) و منذری گفته است: ابو داود آن را منقطع روایت کرده و ابن ماجه آن را متصل روایت کرده... نگا «مختصر السنة» 209/1 و آلبانی گفته: حدیث حسن است، و ابن خزیمه و ابن حبان آن را در «کتاب صحیح» خود آورده اند و حاکم گفته است: حدیث صحیح است، امام ذهبی با او موافق هست. ه «صحیح ابو داود» (365).

2- بخاری 361/6 در کتاب الأنبياء روایت کرده، باب ما ذکر عن بنی اسرائیل و ترمذی حدیث شماره (2671) فی کتاب العلم، باب ماجاء فی الحدیث عن بنی اسرائیل، و رجوع به شرح حدیث در «الفتح» 180/1-181.

مورد احترام و تقدیر همه مسلمین هستند، هیچ کسی نتوانسته است جایگاه آنها -علما- را کم اهمیت قرار دهد، اگر به تمام دوره‌ها و حکومت‌هایی که سر کار می‌آمدند، بنگریم می‌بینیم جایگاه علمای حرم ویژه و خاص بوده.

زمانی که حکومت سعودی بر سرکار آمد علما را بیشتر از گذشته تکریم کرد، و «هیئت کبار علما و (لجنة الدائمة للإفتاء) گروه دائمی فتوا» را تاسیس نمود.

و از طریق امواج رادیویی برنامه‌ای به عنوان «نور علی الدرب» (چراغی بر سر راه) را به گوش شنوندگان رساند، که در این برنامه سوال‌های شنوندگان را از سراسر دنیا دریافت می‌کند و علمای بزرگ که متخصص هستند به آن پاسخ می‌دهد، در تمامی مناطق سعودی نماینده‌گی از هیئت فتوا را افتتاح نمود و چندین مراکز اسلامی را در سراسر دنیا بازگشایی نمود که بوسیله این مراکز پاسخ شرعی را به مردم هر منطقه‌ای می‌رسانند، حکم خداوند را به مردم می‌رسانند، و به مردم کمک می‌کنند تا به نحو احسن و به بهترین شکل عبادات را انجام دهند، و در داخل خود کشور سعودی علما هنوز این رسالت پاسخ دادن به سوال‌های شرعی را بر عهده دارند، و در میان سوال‌های شرعی که پرسیده می‌شود جزء زیادی از آن در مورد حج و عمره و زیارت هست که توسط حاجیان و عمره‌گزاران از کشورها و مذاهب‌های مختلف پرسیده می‌شود، بر همین مبنا، قسم توجیه و ارشاد ریاست عمومی حرم نبوی تصمیم گرفته این سوال‌ها که همیشه تکرار می‌شود و همه حاجیان و عمره‌گزاران چه زن و چه مرد، سالم و بیمار، باید جواب‌های آن را بدانند را جمع‌آوری کند چون این سوال‌ها در تمامی موسم‌های حج و عمره در هر روز و هر ساعت پرسیده می‌شود، و علمای محقق و گروه دائمی فتوا به آن پاسخ داده‌اند، این سوال‌ها را در این کتاب جمع‌آوری نموده و به شما تقدیم می‌کنیم، محتویات این کتاب به اینصورت است.

پیشگفتار و پنج فصل:

اما در پیشگفتار: در مورد فضایل حج و عمره و روش آن صحبت می‌شود.

فصل اول: سوال‌های در مورد احرام و میقات‌ها می‌باشد

فصل دوم: سوال‌های مربوط به حج و عمره.

فصل سوم: در مورد سوال‌های خاص زنان

فصل چهارم: سوال‌های مربوط به نماز و روزه.

فصل پنجم: زیارت شهر مدینه و آداب آن.

ریاست عمومی امور مسجد الحرام و مسجد النبوی این کتاب را در اختیار تمامی

زائرین بیت الله الحرام و مسجد رسول الله ﷺ قرار می‌دهد، از همه حجاج و عمره‌گزار

و زائرین در خواست می‌کند که امور عبادی خود را خوب یاد بگیرند و بفهمند تا اینکه

با حج و عمره‌ای مقبول و پذیرفته شده به کشورهای خود بازگردند.

والله ولي التوفيق والهادي إلى سواء السبيل

پیشگفتار:

فضلیت حج و عمره

واجب بودن یک بار حج در طول عمر انسان از طریق قرآن و احادیث پیامبر و اجماع مسلمین به اثبات رسیده است. و به اجماع، یکی از ستون‌های پنجگانه اسلام حج می‌باشد.

اما در قرآن این آیه بر واجب بودن حج دلالت می‌کند: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ ﴿٩٧﴾ آل عمران: [97].

یعنی «حج این خانه برای الله بر کسی که توانایی رفتن به آنجا را دارد، واجب است. و هر کس انکار ورزد، بداند که الله از جهانیان بی‌نیاز است».

اما دلیل واجب بودن حج که از زبان رسول الله که در حدیث ذکر شده زیاد می‌باشد به عنوان نمونه حدیثی را که امام مسلم در کتاب صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده را می‌آوریم: حَظَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا». فَقَالَ رَجُلٌ: أَكُلَّ عَامٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ قُلْتَ: نَعَمْ، لَوَجِبَتْ وَلَمَّا اسْتَطَعْتُمْ، ثُمَّ قَالَ: ذَرُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِكَثْرَةِ سؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، وَإِذَا نَهَيْتُكُمْ

عَنْ شَيْءٍ فَدَعُوهُ»⁽¹⁾. «رسول الله ﷺ برای ما موعظه کرد فرمود: «ای مردم، خداوند بر شما حج را فرض قرار داده است پس حج را انجام دهید» شخصی پرسید: یا رسول الله ﷺ آیا هر سال حج انجام دهیم؟ رسول الله جواب نداد و آن مرد سه بار سوال خود را تکرار نمود، بعد از آن رسول الله ﷺ فرمود: «اگر می‌گفتم بله فرض می‌شد و شما توان هر سال انجام دادن آن را نداشتید و فرمود: در حکمی که بر شما قرار نداده‌ام مرا رها کنید، چون چیزی که باعث شد ملت‌های قبل از شما هلاک شوند سوال‌های زیادی آنها و مخالفت با پیامبرانشان بود، وقتی که شما را به کاری امر کردم تا جای توان آن را انجام دهید و اگر شما را از انجام کاری منع کردم، از آن دوری کنید».

اما در مورد فضیلت حج و تشویق بر انجام آن نیز احادیث فراوانی آمده از جمله حدیثی که ابوه‌ریره رضی الله عنه روایت کرده است: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ «إِيمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»، قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «حَجٌّ مَبْرُورٌ»⁽²⁾ «از رسول الله ﷺ سوال شد کدام یک از اعمال بیشتر از همه فضیلت دارد؟ رسول الله فرمود: ایمان به خدا و رسولش، پرسیده شد بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه خدا، پرسیده شد بعد از آن؟ فرمود: حج مقبول».

1- بخاری آن را در «الاعتصام» - در باب اقتداء به سنت‌های رسول الله، ص 182، مسلم در «الفضائل» - باب توفیر النبی، ص 262، بخاری آورده: دعونی، و مسند احمد: ص 508-ج 2.

2- به روایت بخاری 73 / 1 در کتاب الإیمان، باب کسی گفت: «إن الإیمان هو العمل»، و در کتاب الحج، باب فضل الحج المبرور، و مسلم حدیث شماره (83) در کتاب الإیمان، باب بیان کون الإیمان بالله تعالی أفضل الأعمال، و الترمذی حدیث شماره (1658) در فضائل الجهاد، باب ما جاء في أي الأعمال أفضل، و النسائی 113 / 5 در الحج، باب فضل الحج.

ابوهریره حدیث یگری را روایت کرده است که: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»⁽¹⁾.

«ابوهریره می گوید: شنیدم رسول الله ﷺ می فرماید: کسی که حج انجام دهد و در حج آمیزش جنسی و گناه انجام ندهد از گناهان پاک می شود مانند روزی که از مادر متولد شده است» ابوهریره در حدیثی دیگر روایت کرده: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْحِجَّةُ»⁽²⁾. «رسول الله ﷺ فرمود: انجام یک عمره بعد از عمره دیگر كفاره گناهانی است که در بین آن دو عمره رخ داده، و حج مقبول پاداش آن بهشت است». عایشه رضی الله عنها روایت کرده است: «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَرَى الْجِهَادَ أَفْضَلَ الْعَمَلِ، أَفَلَا نُجَاهِدُ؟ قَالَ: «لَكِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ حَجٌّ مَبْرُورٌ»⁽³⁾. «گفتم ای رسول الله، ما جهاد را پر فضیلت ترین عمل می دانیم، آیا ما جهاد نکنیم؟ رسول الله فرمود: اما پرفضیلت ترین جهاد حج مقبول است» و در جایی دیگر از عایشه رضی الله عنها روایت شده که فرمود: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ يُعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَإِنَّهُ لَيَدْنُو ثُمَّ يُبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ، فَيَقُولُ: مَا أَرَادَ

1- به روایت بخاری 476/3 در کتاب الحج، باب وجوب العمرة وفضلها، و مسلم شماره (1349) در الحج، باب في فضل الحج والعمرة ويوم عرفة، والموطأ 1/346 در الحج، باب جامع ما جاء في العمرة، والترمذي شماره (933) در الحج، باب ما ذكر في فضل العمرة، والنسائي 5/112 و 115 در الحج، باب فضل الحج المبرور، و باب فضل العمرة.

2- مصدر سابق.

3- بخاری (2/553، 658، 1026/3) (1448، 1762، 2632)، و النسائي (5/114)، وأحمد (6/79)، وابن حبان (9/15) (3702).

هُؤُلَاءِ»⁽¹⁾. «هیچ روزی به اندازه روز عرفه خداوند بندگانش را از آتش جهنم آزاد نمی‌کند، در آن روز نزدیک می‌شود، در جلو ملائکه‌ها به آنها افتخار می‌کند، می‌فرماید اینها چه می‌خواهند؟».

اما در مورد فضیلت عمره نیز احادیثی از رسول الله ﷺ ذکر شده است، مانند حدیثی که رسول الله فرمود: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ تُكَفِّرُ مَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»⁽²⁾ «انجام یک عمره بعد از عمره دیگر کفاره گناهانی است که در بین آن دو عمره رخ داده، و حج مقبول پاداش آن بهشت است».

حج از دیدگاه اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است چون در آن وسعت و گستردگی دین اسلام نهفته است، این را به نمایش می‌گذارد که همه انسان‌ها با هم برابرند، هیچ عربی بر عجمی، برتری ندارد مگر با تقوای خداوند، تاجر و فقیر حاکم و رعیت همه یک نوع لباس می‌پوشند، در یکجا جمع می‌شوند، و همه با هم یک نوع کار را انجام می‌دهند،

انجام حج و عمره نشان می‌دهد که اسلام دین نظم و یکپارچگی است، این عبادت فقط در یک زمان مشخص و در یک جای مشخصی و به یک روش مشخص و یک نفر رهبری می‌کند یعنی امامی که در روز عرفه امامت می‌دهد.

یکی دیگر از فواید حج و عمره این است که بزرگترین فرصتی است برای جمع شدن مسلمان‌ها که مسلمین از سراسر دنیا با زبانهای مختلف و قیافه‌های متنوع هیچ مصلحت دنیایی آنها را با هم جمع نکرده است، فقط یک چیز آنها را با هم جمع کرده است، آنها عبادت الله یگانه می‌باشد.

1- به روایت مسلم شماره (1348) در الحج، باب في فضل الحج والعمرة يوم عرفة، والنسائي

251/5 و 252) در الحج، باب ما ذكر في يوم عرفة.

2- قبلاً بررسی شد.

در اینجا خونندگان عزیز را به صورت خلاصه وار با کارهایی که در عمره صورت می‌گیرد آشنا میکنیم:

1- زمانی که شخص عمره‌گزار به محل میقات رسید مستحب است غسل بزند و خود را پاک نماید، زن نیز همین کار را انجام می‌دهد اگرچه که در حالت حیض یا نفاس باشد، تنها کاری که نباید انجام دهد طواف خانه خداست که بعد از پاکی انجام می‌دهد. مرد می‌تواند بوخوشی را بر بدن خود استفاده کند اما در لباس احرامش اجازه ندارد، اگر عمره‌گزار این امکان برایش میسر نبود که غسل بزند هیچ اشکالی ندارد، اما چون غسل زدن سنت است اگر توانست در شهر مکه قبل از انجام طواف غسل بزند.

2- مرد لباس‌های دوخته شده را از تن خود بیرون می‌آورد و فقط ازار و رداء می‌پوشد. سنت است که ازار و رداء سفید و تمیز باشند. ولی زن در لباس عادی که زینت در آن نباشد و باعث جلب توجه نباشد احرام می‌بندد.

3- سپس با قلب نیت حج و یا عمره را می‌کند و آن را بر زبان می‌آورد می‌گوید: «لَبَّيْكَ عُمْرَةَ» یا می‌گوید: «اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ عُمْرَةَ» و اگر ترس این را دارد که نتواند عبادت عمره‌اش را کامل کند بخاطر مریضی یا ترس از دشمن و مانند این امور، اجازه دارد که در زمان بستن احرام و نیت عمره شرط را نیز ذکر بکند و بگوید: «فَإِنْ حَبَسَنِي حَابِسٌ فَمَحَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي» یعنی اگر چیزی مانع شد محل خروج من از احرام همانجاست که منع شده ام. این حدیث را ضباعه بنت زبیر رضی الله عنها روایت کرده⁽¹⁾. بعد از نیت احرام، به روش رسول الله صلی الله علیه و آله لبیک

1- از عایشه رضی الله عنها روایت شده که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله ضباعه بنت زبیر را ملاقات کرد از او پرسید: آیا می‌خواهی به حج بروی؟ ضباعه جواب داد: به خدا قسم هیچ چیزی مانع نمی‌شود بجز مریضی، رسول الله به او فرمود: حج انجام بده و در نیت شرط قرار بده و بگو: پروردگارا محل خروج من از احرام جایی است که مانع مرا حبس کند. او همسر مقداد بن اسود بود»

می گوید که عبارت است از: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ». تا قبل از رسیدن به کعبه در بین راه، خود را به گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ...» و ذکر و دعا مشغول می کند.

4- زمانی که می خواهد وارد مسجد الحرام شود پای راست را جلو می گذارد و می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»⁽¹⁾.

5- وقتی که نزدیک کعبه، خانه خدا رسید لیبیک گفتن را قطع می کند و به طرف حجرالاسود می رود بر آن سلام می دهد و در صورت امکان می بوسد اما برای مردم مزاحمت و ناراحتی ایجاد نمی کند، هنگام سلام دادن به حجرالاسود می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» اگر بوسیدن مشکل بود با دستش سلام می دهد یا با عصا و مانند آن، و چیزی را که بوسیله آن بر حجرالاسود سلام داده را

بخاری 114/9 در کتاب نکاح، باب الأکفاء فی الدین، و مسلم (1207) در حج، باب جواز اشتراط المحرم التحلل بعذر المرض ونحوه، و نسائی 168/5 در حج، باب کیف یقول إذا اشترط.

1- حیوة بن شریح رضی الله عنه: می گوید: عقبه بن مسلم را ملاقات کردم گفتم: به من خبر رسیده که تو از عبدالله بن عمرو بن العاص روایت کرده ای که گفته: رسول الله صلی الله علیه و آله زمانی که به مسجد وارد می شد می گفت: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». گفتم آیا تو این را گفته ای؟ عبدالله گفت: بله، گفت: اگر این دعا را بخواند، شیطان می گوید: تمام روز از من در امان ماند». به روایت ابو داود شماره (466) در الصلاة، باب فیما یقوله الرجل عند دخوله المسجد، و سند آن جید است، و امام نووی در کتاب «الأذکار» گفته: حدیث حسن است ابو داود با اسناد جید آن را روایت کرده، و الحافظ ابن حجر در «تخریج الأذکار آن را حسن دانسته.

می‌بوسد، اما اگر سلام و لمس کردن نیز مشکل بود از راه دور اشاره می‌کند و می‌گوید «الله اکبر» اما چیزی که بوسیله آن به حجر اشاره کرده را نمی‌بوسد⁽¹⁾. شرط درست بودن طواف این است که شخص هم بر طهارت کامل باشد و هم با وضو و هم نیاز به غسل واجب نداشته باشد، زیرا طواف به مانند نماز است ولی در طواف اجازه صحبت کردن وجود دارد⁽²⁾.

6- خانه خدا را در سمت چپ خود قرار می‌دهد و هفت دور طواف می‌کند، زمانی که به روبروی رکن یمانی رسید اگر توانست بر آن سلام می‌دهد و می‌گوید «بسم الله الله أكبر» اما آن را نمی‌بوسد⁽³⁾. اگر سلام دادن بر رکن

1- عبد الله بن عباس رضی الله عنه گفت «رسول الله ﷺ در حَجَّةِ الْوَدَاعِ سوار بر یک شتر طواف می‌کرد، با عصا بر رکن سلام می‌داد». بخاری 3/ 378 در الحج، باب استلام الركن بالمحجن، و باب من أشار إلى الركن إذا أتى عليه، و باب التكبير عند الركن، و باب المريض يطوف ركباً، و در الطلاق، باب الإشارة في الطلاق والأمر، و مسلم (1272) در الحج، باب جواز الطواف على بعير وغيره و استلام الحجر بالمحجن، و أبو داود حديث (1877) في المناسك، باب الطواف الواجب، و نسائي 5/ 233 در الحج، باب استلام الركن بالمحجن، و الترمذي شماره (865) در الحج، باب ما جاء في الطواف ركباً، و ابن ماجه شماره (2948) در المناسك، باب من استلم الركن بمحجن، و أحمد در المسند 1/ 214 و 237 و 248 و 304.

2- حديث: «أَنَّه قَالَ لِعَائِشَةَ وَقَدْ حَاصَتْ وَهِيَ مُحْرِمَةٌ: اصْنَعِي مَا يَصْنَعُ الْحَاجُّ غَيْرَ أَلَّا تَطُوفِي بِالْبَيْتِ مُتَمَقِّعَةً عَلَيْهِ. و در بخاری از جابر: «غَيْرَ أَلَّا تَطُوفِي وَلَا تُصَلِّي» «به عایشه که حیض شده بود و احرام بسته بود فرمود تمام کارهایی را که یک حاجی انجام می‌دهد را انجام بده، فقط طواف خانه نکن».

3- عبد الله بن عمر بن الخطاب رضی الله عنه می‌گوید: «ندیده‌ام که رسول الله ﷺ سلام به چیزی از خانه خدا بدهد بجز دو رکن یمانی». امام نووی در «شرح مسلم» 1/ 412 گفته: دو رکن یمانی: یعنی رکن حجرالأسود و رکن یمانی، به هر دو آنها «دو رکن یمانی» گفته شده به خاطر تغلیب، مثل

مشکل بود آن را ترک می‌کند و به طواف خود ادامه می‌دهد به آن اشاره نمی‌کند و تکبیر نمی‌گوید؛ زیرا این امور از رسول الله ﷺ روایت نشده است. اما هر زمان که به روبروی حجرالاسود رسید بر آن سلام می‌دهد و می‌بوسد به همان روشی که گفته شد، اگر نتوانست به آن اشاره کرده و تکبیر می‌گوید. در طواف قدوم برای مرد، سنت است که در سه دور اول در حالی که گام‌هایش به هم نزدیک است به سرعت گام بردارد و حرکت کند که به آن رمل در حرکت می‌گویند⁽¹⁾.

همچنین برای مرد سنت است که در طواف قدوم در تمامی دورها به حالت اضطباع باشد⁽²⁾ اضطباع یعنی: حاجی رداء را از وسط آن زیر بغل سمت راست خود رد کند و دو طرف آن را بر روی دوش سمت چپ بیندازد. مستحب است که در تمامی دورها تا می‌تواند مشغول به ذکر و دعا باشد، در طواف دعا و ذکر مخصوص وارد نشده است و هر دعای و ذکر که بلد هست و برایش تکرارش راحت هست را می‌خواند اما در بین دو رکن می‌گوید: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: 201]. در هر هفت دور آن را تکرار می‌کند؛ چون این دعا و ذکر از

اینکه به آب و آم می‌گویند: الأبوان، و به شمس و قمر می‌گویند: قمران، به أبو بکر و عمر می‌گویند: عمران، و به ماء و تمر: الأسودان، و مانند این مشهور است.

(صحیح مسلم بَابُ اسْتِحْبَابِ اسْتِیْلَامِ الرُّكْنَيْنِ الْيَمَانِيَيْنِ فِي الطَّوَافِ دُونَ الرُّكْنَيْنِ الْآخَرَيْنِ).

1- جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ؛ می‌گوید: رَسُولَ اللَّهِ ﷺ را دیدم که به صورت رَمَل و سرعت حرکت می‌کرد، از حَجَرِ الْأَسْوَدِ شروع کرد و به آن تمام کرد تا سه دور به صورت سریع حرکت کرد. امام مالک

می‌گوید: تا الآن این نظر علمای سرزمین و شهر ما هست. / الموطأ 532/3

2- عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ ابْنِ يَعْلَى بْنِ أُمَيَّةَ، عَنْ أَبِيهِ يَعْلى أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، «طَافَ مُضْطَبِعًا» قَالَ قَبِيصَةُ: وَعَلَيْهِ بُرْدٌ / سنن ابن ماجه 984/2 «رسول الله در حالت اضطباع طواف کرد».

رسول الله ﷺ روایت شده است⁽¹⁾. و دور هفتم را سلام دادن به حجر الاسود و در صورت امکان بوسیدن آن و یا با اشاره به آن همرا با تکبیر همانگون که در قبل نیز گفته شد، به پایان می‌رساند. بعد از تمام شدن طواف قدوم، رداء خود را دوباره به حالت اول باز می‌گرداند آن را بر دوش دو طرف دوش خود می‌اندازد و از روی سینه به پایین می‌اندازد.

7- اگر توانست بعد از پایان طواف دو رکعت پشت مقام ابراهیمی نماز می‌خواند اما اگر مشکل بود می‌تواند در هر کجای مسجد الحرام که خواست نماز بخواند؛ در رکعت اول آن بعد از سوره فاتحه ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و در رکعت دوم ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می‌خواند، خواندن این سوره‌ها بهتر است اما اگر سوره‌های دیگری را نیز تلاوت کرد هیچ اشکالی ندارد⁽²⁾، بعد از اینکه دو رکعت نماز را به اتمام رساند به سمت حجرالاسود می‌رود البته اگر این امکان برایش فراهم بود.

8- سپس به سمت صفا می‌رود از آن بالا می‌رود یا کنار آن می‌ایستد اما اگر ممکن بود بالا رفتن بهتر است. وقتی که بر صفا بالا رفت این آیه 158 سوره بقره را می‌خواند: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ

1- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ السَّائِبِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» «رسول الله بین دو رکن می‌گفت: مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سنن أبي داود 179/2 / حسنه الشيخ الألباني .

2- أَبِي ذَرٍّ مِي گويد: بين كعبه و پرده‌اش بود كه رسول الله ﷺ وارد مسجد شد از حجرالاسود شروع كرد بر آن سلام داد، سپس هفت دور طواف خانه انجام داد و سپس پشت مقام دو ركعت نماز خواند. [ص: 364] مسند أبي داود 363/1.

أَوْ اُعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ [البقرة: 158]. «همانا صفا و مروه از شعائر (نشانه‌های) خداست، پس هر که حج خانه (خدا) کند و یا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که میان آن دو طواف (سعی) کند، و کسی که به رغبت خود کار نیکی را انجام دهد پس بدرستی که خداوند سپاسگزار داناست». سنت است که رو به قبله بایستد و حمد و ثنای خداوند و تکبیر انجام دهد و بگوید: «لا إله إلا الله والله أكبر. لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير. لا إله إلا الله وحده أنجز وعده ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده»⁽¹⁾. سپس دعا می‌کند و دستان خود را برای دعا بلند می‌کند و سپس دست را پایین می‌اندازد و دوباره دست‌های خود را بلند می‌کند و دعا می‌کند سه بار این کار را تکرار می‌کند، سپس روبرو به پایین به سوی مروه حرکت می‌کند وقتی به علامت (سبز) اول رسید حرکت خود را سریعتر می‌کند و تا علامت دوم سریع حرکت می‌کند و بعد از آن به صورت عادی حرکت می‌کند، سریع حرکت کردن فقط برای مردها می‌باشد و زن‌ها فقط با آرامی حرکت می‌کند؛ وقتی به مروه رسید بر آن بالا می‌رود یا کنار آن می‌ایستد اما بالا رفتن اگر امکان آن را داشت بهتر هست، و در مروه نیز به همان حالت که در صفا گفته شد دعا می‌کند.

و از مروه به سوی صفا حرکت می‌کند در همه جا به صورت عادی حرکت می‌کند و زمانی که به مکان علامت گذاری شده رسید حرکت خود را سریع می‌کند تا اینکه به صفا برسد، هفت بار این کار را تکرار می‌کند رفتنش از صفا به مروه یک دور به حساب می‌آید و بازگشتش از مروه به سوی صفا یک دور دیگر. اگر سوار بر چیزی، سعی انجام

داد اشکالی ندارد بخصوص اگر به سوار شدن بر چیزی نیاز داشته باشد. سنت است در حال سعی دعا و ذکر کند، و کاملاً پاک و با وضو باشد و احتیاج به وضو و غسل نداشته باشد، اما اگر بدون وضو سعی انجام داد سعیش درست است.

9- زمانی که مرد سعی خود را تمام کرد سر خود را یا کوتاه می‌کند و یا می‌تراشد، اما تراشیدن بهتر است، اگر زمانی که عمره انجام می‌دهد نزدیک به ایام حج هست، برای این شخص کوتاه کردن مو بهتر از تراشیدن است، چون می‌تواند در بعد از انجام حج موهای خود را بتراشد، اما زن از موهای خود فقط به اندازه یک انگشت و یا کمتر از موهای خود می‌گیرد. اگر شخص محرم این کارهایی که گفته شد را تمام کرد، عمره‌اش را به صورت کامل انجام داده است. از احرام بیرون می‌آید و می‌تواند تمام کارهایی که در زمان بستن احرام برایش حرام شده را انجام دهد⁽¹⁾.

روش حج رسول الله ﷺ

برادران مسلمان: نصیحت من برای همه این است که: تقوای خدا را در همه حالت‌ها در نظر بگیرید، در دین ثبات و پایداری داشته باشند، از کارهایی که غضب و خشم خدا در آن هست دوری کنند، مهمترین فرض‌ها و بالاترین واجب‌ها یگانگی الله و همه عبادت‌ها را فقط برای او قرار دادن می‌باشد، آنها در قول و عمل، با پیروی از دستورات رسول الله ﷺ است، باید عبادت حج و سایر عبادت‌ها را به همان روشی که الله متعال از طریق رسول و خلیل و بهترین خلقش و امام و سید ما محمد بن عبدالله ﷺ به ما ابلاغ کرده را انجام دهیم، بزرگترین منکرات و خطرناک‌ترین گناهان شرک به خداوند سبحانه و تعالی می‌باشد، شرک یعنی یک عبادت به طور کامل یا جزئی از یک عبادت را برای غیر خداوند انجام دهیم، خداوند متعال فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ

يُشْرِكْ بِهِ وَيَعْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ﴿﴾ [النساء: 48]. «همانا الله این را که به او شرک ورزند، نمی‌آمرزد و جز شرک را برای هر که بخواهد می‌بخشد». در جایی دیگر خداوند سبحانه و تعالی پیامبر ﷺ را مورد خطاب قرار می‌هد و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾﴾ [الزمر: 65]. «و به راستی به تو و به پیامبران پیش از تو وحی شده که اگر شرک بورزی، به طور قطع عملت نابود و تباه می‌شود و از زیان‌کاران می‌گردد».

حاجیان بیت الله الحرام: رسول الله ﷺ بعد از اینکه به شهر مدینه هجرت نمود تنها یک بار حج کرد و آن هم حجة الوداع بود، که در سال‌های آخر عمرش انجام داد؛ در آن حج روش انجام دادن این عبادت را با گفتار و عملکردش به مردم یاد داد؛ و خطاب به مردم فرمود: «خذوا عني مناسككم»⁽¹⁾ «از من عبادتتان را یاد بگیرید». واجب است که مسلمان‌ها در انجام دادن امور حج از رسول الله ﷺ پیروی کنند، و به همان روشی که این عبادت را برایشان مشخص کرده انجام دهند، زیرا رسول الله ﷺ معلم و راهنمای ماست و خداوند او را رحمتی برای جهانیان قرار داده است، و راهنمایی است برای همه بندگان، خداوند به بندگان دستور داده است که از او پیروی کنند، راه ورود به بهشت و نجات از آتش جهنم را در پیروی از او قرار داده، بوسیله ایشان مشخص می‌شود که بنده تا چه اندازه با پروردگارش راست است، نشانه محبت الله به بنده‌اش می‌باشد، خداوند فرموده: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: 7]. «آنچه پیامبر به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت، بازآید». و فرموده: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾﴾ [النور: 56]. «و نماز را برپا دارید و زکات دهید و از پیامبر اطاعت کنید تا

مشمول رحمت شوید». و در جایی دیگر فرموده: ﴿مَنْ يُطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: 80]. «کسی که از پیامبر اطاعت کند، از الله اطاعت نموده است». و فرموده: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْأَخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: 21]. «به راستی برای شما، برای کسی که به (پادشاه) الله و روز قیامت امیدوار است و الله را فراوان یاد می کند، در رسول الله، الگو و سرمشقی نیکوست». و فرموده: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [النساء: 13-14]. «و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت نماید، الله او را وارد باغ هایی می کند که در آن جویبارها روان است و چنین کسانی جاودانه در آن خواهند ماند. این است رستگاری بزرگ. هر کس از الله و پیامبرش نافرمانی کند و از حدود الهی تجاوز نماید، الله او را وارد دوزخی می گرداند که جاودانه در آن خواهد ماند و عذابی خوارکننده، (در پیش) دارد». و فرموده: ﴿قُلْ يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِيَّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [الأعراف: 158]. «بگو: ای مردم! به راستی من فرستاده‌ی الله به سوی همه‌ی شما هستم؛ فرستاده‌ی پروردگاری که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ هیچ معبود برحق‌ی جز او وجود ندارد؛ زنده می کند و می میراند؛ پس به الله و فرستاده اش ایمان بیاورید؛ همان پیامبر درس نخوانده‌ای که به الله و سخنانش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید». و فرموده: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آیة ۳۱]. «بگو اگر الله را دوست دارید از من پیروی کنید،

در این صورت الله نیز شما را دوست می‌دارد و گناهان شما را می‌بخشد، و الله بخشاینده مهربان است». آیه‌های فراوان دیگری نیز دال بر همین معنا دارد. من به خودم و به شما این توصیه را می‌کنم که تقوای خداوند را در همه حالات‌ها در نظر بگیرید، و با صدق و اخلاص از گفته‌ها و کردار رسول الله ﷺ پیروی کنید، چون تنها راه رسیدن به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت همین می‌باشد.

حاجیان گرامی خانه خدا: رسول الله ﷺ در روز هشتم ذی الحجه از شهر مکه به منطقه منی رفت و دستور نداد کسی طواف وداع انجام دهد، این کار نشان می‌دهد که سنت است در روز هشتم افرادی از خود شهر مکه و کسانی که در آنجا هستند و قصد حج را دارند و کسانی که عمره انجام دادند و از احرام بیرن آمده‌اند (حج تمتع) و همه حاجیان در روز هشتم لبیک گویان به منی بروند، و لازم نیست که قبل از رفتن به منی طواف وداع انجام دهند سنت است وقتی لباس احرام برای حج را می‌بندد همان کاری که در میقات انجام داده مثل غسل زدن و استفاده از بو خوشی و تمیز کردن خود را انجام دهد، همانطور که رسول الله ﷺ به عایشه رضی الله عنها وقتی که قصد نیت حج را نمود دستور داد، چون حضرت عایشه نیت عمره کرده بود وقتی به مکه وارد شد حیض شد، نتوانست قبل از رفتن به منی طواف انجام دهد، رسول الله ﷺ به ایشان دستور داد که غسل بزنند و لبیک برای حج بگویند، حضرت عایشه نیز چنین کرد، حج و عمره‌اش حج قران شد. رسول الله ﷺ به همراه صحابه گرامیشان رضی الله عنهم نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در منی به صورت قصر خواندند، اما نمازها را با هم جمع کردند، و سنت نیز چنین است که رسول الله ﷺ انجام داده است، سنت است که حاجی مشغول به لبیک گویی باشد، ذکر بگوید، مشغول به خواندن قرآن باشد، و کارهای خیر و خوب دیگری انجام دهد، مثل امر به معروف نهی از منکر، کمک به فقرا. وقتی که خورشید روز عرفه برآمد رسول الله ﷺ به همراه صحابه رضی الله عنهم به سوی عرفات حرکت کردند، بعضی‌ها لبیک می‌گفتند و بعضی تکبیر می‌گفت، وقتی که عرفات رسید وارد خیمه‌ای شد که از پشم

درست شده بود و در قسمت نمره غربی عرفات برپا شده بود، رسول الله از سایه آن استفاده کرد، این کار ایشان نشان می‌دهد که حاجی اجازه دارد از سایه خیمه و درخت و بقیه چیزها استفاده نماید، زمانی که خورشید به وقت زوال رسید، رسول الله ﷺ بر حیوان سواری اش سوار شد و برای مردم خطبه نمود، به مردم مناسک حج را یاد داد و به آنها توصیه‌هایی نمود، آنها را از ربا و کارهایی که در جاهلیت انجام می‌دادند برحذر داشت، به آنها گفت که خون و مال و ناموسشان بر آنها حرام هست، به آنها دستور داد که به کتاب خدا و سنت رسولش ﷺ چنگ بزنند، و این مژده را به مسلمان‌ها داد که تا زمانی که به کتاب خدا و سنت رسولش ﷺ پایبند باشند به گمراهی کشانده نمی‌شوند⁽¹⁾. بر همه مسلمان‌ها واجب هست که این وصیت‌ها را بگیرند، و آن را در هیچ حالتی رها نکنند، بر تمامی حاکمان کشورهای اسلامی واجب است که به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ پایبند باشند، و در تمامی امور بر اساس این دو چیز حکم بکنند، مردم را تشویق کنند که به کتاب خدا و سنت رسول الله ملتزم باشند و آن را برنامه زندگی شان قرار دهند، زیرا تنها راه عزت و سربلندی و خوشبختی و موفقیت در دنیا و آخرت در این دو چیز نهفته است، خداوند همه ما را بر التزام به آن موفق گرداند. در آن روز رسول الله ﷺ نماز ظهر و عصر را به صورت قصر و جمع خواند، بعد از زوال خورشید جمع تقدیم خواند با یک اذان و دو اقامه، بین این دو نماز هیچ نماز دیگری نخواند، سپس به جایگاه رفت رو به قبله سوار بر حیوان سواری خود شروع به دعا و ذکر کرد، دستان خود را برای دعا بلند کرده و تا غروب خورشید مشغول به دعا شد، رسول الله در روز عرفه روزه دار نبود و این دلالت می‌کند بر اینکه حاجیان باید مانند رسول الله روزه دار نباشند و مشغول به ذکر و دعا و لبیک گفتن باشند تا خورشید غروب کند، دستان خود را برای دعا بلند کنند، روزه دار نباشند، از رسول الله حدیث صحیحی

روایت شده است که فرمود: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ أَنْ يُعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَإِنَّهُ لَيَذْنُو قَيْبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ، فَيَقُولُ: مَا أَرَادَ هَؤُلَاءِ؟»⁽¹⁾، «هیچ روزی نیست که به اندازه روز عرفه خداوند بندگانش را از آتش جهنم نجات دهد، در آنروز نزدیک می‌شو و در مقابل ملائکه به آنها فخر می‌ورزد و می‌گوید: اینها چه می‌خواهند؟» و در جایی دیگر روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ عَرَفَةَ إِنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ إِلَى السَّمَاءِ قَيْبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ، فَيَقُولُ: انظُرُوا إِلَى عِبَادِي أَنْتَوْنِي شُعْنًا غُبْرًا ضَاحِحِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ»⁽²⁾، «وقتی که روز عرفه می‌شود خداوند به آسمان می‌آید و در مقابل ملائکه به حاجیان فخر می‌ورزد می‌فرماید: به بندگانم نگاه کنید با چهره‌ها و موهایی که گرد و غبار بر آن نشسته از هر دره‌های وسیعی به سوی من آمده‌اند من شما را گواه می‌گیرم که آنها را بخشیدم» حدیث صحیح دیگری از رسول الله روایت شده است که فرمود: «وقفت هاهنا وعرفة كلها موقف»⁽³⁾، «من اینجا ایستادم و تمام عرفه محل وقوف هست» رسول الله ﷺ بعد از غروب خورشید به سوی مزدلفه حرکت کرد و در آنجا قبل از اینکه بارهای خود را زمین بگذارد، نماز مغرب را سه رکعت و نماز عشا را دو رکعت با یک اذان و دو اقامه خواند، در بین آنها هیچ نماز دیگری نخواند، پس سنت است که حاجی نماز مغرب و عصر را به صورت قصر و جمع با یک اذان و دو اقامه بخواند، آنهم وقتی که به مزدلفه رسید و هنوز در جایی مستقر نشده است، بهتر است که بخاطر پیروی از سنت رسول الله ﷺ نماز را جمع تقدیم در وقت مغرب بخواند، رسول الله شب را در مزدلفه ماندند و نماز

1- المعجم الاوسط 64/9.

2- صحیح ابن خزیمه 263/4 آلبانی گفته: إسناده ضعيف لعنة أبي الزبير.

3- أبو داود شماره (1936) و (1937) در المناسك، باب الصلاة بجمع، و إسناده صحيح است. و

روایت اول نزد مسلم نیز هست شماره (1218) در الحج، باب ما جاء أن عرفة كلها موقف، و

روایت دوم نزد ابن ماجه هست شماره (3048) في المناسك، باب الذبح.

صبح و سنت آن را با یک اذان و اقامه خواند. سپس به مشعر الحرام رفت و در آنجا ذکر و تکبیر گفت و دعا کرد دستان خود را برای دعا بلند کرد، و فرمود: «وقفت هاهنا و جمع کلها موقف»⁽¹⁾ «من اینجا استادم اما همه جا محل وقوف هست». پس تمامی مزدلفه محل وقوف حجاج هست، هر حاجی در جای خود می ماند و ذکر خدا می گوید استغفار می کند. و لازم نیست به جایی که رسول الله ﷺ در آنجا ایستاده برود. رسول الله به کسانی که ضعیف و ناتوان هستند این اجازه را داد که در شب از مزدلفه به سوی منی حرکت کنند، این کار ایشان نشان می دهد که: افرادی که ناتوان و ضعیف هستند؛ مانند زنان و بیمار و پیرمرد و کسانی که مانند آنها هستند می توانند تا نیمه شب در مزدلفه بمانند و بعد از آن به منی بروند تا به این رخصت و اجازه که به آنها داده شده عمل کرده باشند و خود را از سختی هایی که در شلوغی وجود دارد راحت کرده باشند، حتی آنها اجازه دارند که شب رمی جمرات انجام دهند، همانطور که از اسماء بنت ابوبکر این کار روایت شده است. اسماء بنت ابوبکر رضی الله عنها گفته است که رسول الله به زنان اجازه این کار را داد، و خود رسول الله ﷺ زمانی که هوا کاملاً روشن شد ولی هنوز آفتاب بیرون نیامده بود لبیک گویان به سوی منی حرکت کرد، ابتدا به سوی جمره عقبه رفت و هفت سنگریزه پرتاب کرد در هنگام پرتاب هر سنگی الله اکبر می گفت بعد از پرتاب سنگریزه، حیوان را ذبح کرد، سپس موهای خود را تراشید، سپس عایشه رضی الله عنها به ایشان بوخوشی زدند، سپس به سوی کعبه رفتند و طواف خانه را انجام دادند. در آن روز که به یوم النحر معروف هست بعضی از کسانی که در حج بودند از رسول الله ﷺ پرسیدند که قبل از پرتاب سنگ یا همان رمی جمرات ذبح کرده است،

1- نگاه: سنن ترمذی شماره (885) در الحج، باب ما جاء أن عرفة كلها موقف، و أبو داود شماره (1735) در المناسك، باب الصلاة بجمع، و اسنادش حسن است، و ترمذی گفته: حدیث حسن صحیح، و در این باب از جابر روایت هست.

شخصی دیگر پرسید ابتدا موهای خود را تراشیده بعد ذبح کرده است شخصی پرسید اول طواف خانه را انجام داده بعد ذبح کرده است، رسول الله ﷺ به همه آنها فرمود اشکال ندارد و گفت لا حرج، روای حدیث می گوید در آنروز رسول الله ﷺ در جواب هر کسی که در مورد تاخیر انداختن و یا مقدم کردن کاری بر کار دیگر سوال کرد فرمود: «افعل ولا حرج»⁽¹⁾، یعنی انجام بده اشکال ندارد، از این احادیث مشخص می شود که سنت است حاجی ابتدا رمی جمره انجام دهد در روز عید، سپس اگر حج تمتع یا قران می کند سنت است ذبح کند، و سپس موی خود را بتراشد یا کوتاه کند و تراشیدن مو بهتر است زیرا رسول الله ﷺ سه بار برای کسانی که موهای سر خود را می تراشیدند دعای مغفرت نمود و برای کسانی که موهای خود را کوتاه می کنند یک بار دعای مغفرت نمود، بدینوسیله حاجی وارد مرحله بیرون آمدن از احرام و تحلل اول می شود؛ که می تواند لباس های دوخته شده بپوشد، از عطر و بو خوشی استفاده کند، و تمام کارهایی که در احرام برایش حرام بوده را می تواند انجام دهد بجز همبستری و جماع با همسر، برای بیرون آمدن از حالت احرام کامل و حلال شدن انجام همه کارها باید به خانه خدا؛ کعبه بروید و در روز عید یا روز بعد از آن، طواف انجام دهد، اگر حجتش تمتع هست باید بین صفا و مروه نیز سعی انجام دهد، بدینوسیله حاجی تمام کارهایی که در حالت احرام برایش حرام بوده را می تواند انجام دهد حتی همبستری با همسر خود، کسی که به نیت حج افراد یا قران آمده باشد همان سعی بین صفا و مروه که در ابتدا به همراه طواف قدوم انجام داده برایش کفایت می کند، اما اگر در زمان طواف قدوم سعی نکرده باشد، واجب هست که در زمان طواف افاضه سعی کند. رسول الله ﷺ دوباره به منی بازگشت و بقیه آنروز را در آنجا باقی ماند، و روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم نیز در آنجا ماند، در روزهای تشریق بعد از زوال خورشید به جمرات سنگریزه میزد، به هر جمره هفت

سنگ ریزه پرتاب می‌کرد و در هنگام پرتاب هر سنگریزه تکبیر می‌گفت، بعد از تمام کردن پرتاب سنگ به جمره اولی و دومی دعا می‌کرد، هنگام دعا جمره اول را سمت چپ و جمره دوم را سمت راست خود قرار میداد، اما بعد از فارغ شدن از پرتاب سنگریزه به جمره سوم توقف نمی‌کرد، رسول الله ﷺ در روز سیزدهم بعد از پرتاب سنگریزه به جمرات به منطقه ابطح رفت و در آنجا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند، سپس آخر شب به مکه رفت و نماز صبح را به همراه مردم در آنجا خواند، قبل از نماز صبح طواف وداع را انجام داد، و بعد از نماز صبح در روز چهاردهم به سوی مدینه منوره حرکت کرد، بهترین درود و سلام خداوند بر او باد.

از این احادیث مشخص می‌شود که؛ سنت است که حاجی همان کاری را که رسول الله ﷺ در روزهایی که در منی بودند و انجام داده آنها هم انجام دهند، بعد از زوال خورشید به جمرات سنگریزه بزنند، هر روز بعد از زوال این کار را انجام دهند، به هر جمره هفت سنگریزه بزنند، در زمان پرتاب تکبیر بگویند، بعد از اتمام پرتاب سنگریزه به جمره اولی توقفی داشته باشد و رو به قبله بایستد و دستان خود را بلند و دعا نماید، جمره اولی را در سمت چپ خود قرار دهد، بعد انتها از پرتاب سنگریزه به جمره دوم نیز بایستد و آن را در سمت راست خود قرار دهد دعا نماید، این کار سنت است و واجب نیست، اما بعد از پرتاب سنگریزه به جمره سوم نمی‌ایستد، اگر نتوانست بعد از زوال خورشید و قبل از غروب خورشید رمی انجام دهد، طبق صحیح ترین رای علما در شب، بعد از غروب خورشید رمی جمرات انجام می‌دهد و تا آخر همان شب می‌تواند این کار را انجام دهد، این رحمتی است از جانب الله بر بندگانش و بخاطر راحتی آنهاست، اگر حاجی بخواهد در روز دوازدهم بعد از رمی جمرات عجله نماید و برود اشکال ندارد، اگر کسی بخواهد صبر کند و روز سیزدهم نیز رمی جمرات انجام دهد این کار بهتر است، چون این کار با روشی که رسول الله ﷺ در حج انجام داده موافقت می‌کند.

سنت است که حاجی شبهای یازدهم و دوازدهم را در منی بخوابد، در نزد خیلی از علما خوابیدن در منی در این شبها واجب است، و اگر توانست بیشتر ساعتها در این شبها را آنجا بماند نیز برایش کفایت می‌کند، حاجیانی که مشغولیت‌های دارند و از نظر شرعی عذرشان پذیرفته هست، مانند مسئولین آبرسانی و چوپانها و افرادی نظیر آنها اجازه دارند که شب را در منی نخوابند، شب سیزدهم برای کسانی که فقط دو روز رمی انجام داده‌اند و تا روز سیزدهم صبر نکرده‌اند و از منی قبل از غروب روز دوازدهم رفته‌اند، اجازه هست که شب سیزدهم را نیز آنجا نمانند، اما کسی که روز سیزدهم در منی ماند، شب سیزدهم نیز آنجا می‌ماند و بعد از زوال خورشید رمی جمرات انجام می‌دهد سپس از منی می‌رود، اما بعد از روز سیزدهم رمی و پرتاب سنگریزه به جمراتی وجود ندارد، اگرچه که حاجی در منی مانده باشد.

زمانی که حاجی قصد سفر و بازگشت به شهر خود را دارد واجب است که هفت دور طواف وداع انجام دهد، رسول الله ﷺ فرموده: «لا ینفر أحد منکم حتی یکون آخر عهده بالبیة»⁽¹⁾ «هیچ کدام از شما از مکه خارج نشود مگر اینکه طواف خانه انجام دهد» مگر زنی که دچار عادت ماهیانه شده یا در حالت نفاس است، طواف وداع بر آنها واجب نیست چون از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «أمر الناس أن یکون آخر عهدهم بالبیة، إلا أنه خفف عن المرأة الحائض»⁽²⁾ «رسول الله دستور داد که آخرین کار آنها طواف وداع باشد، اما این کار را از زنانی که عادت شده‌اند برداشت». زنانی که دچار نفاس شده‌اند نیز مثل زنی که عادت شده می‌باشد. و کسی

1- مسلم (1327) در الحج، باب وجوب طواف الوداع وسقوطه عن الحائض، وأبو داود شماره [ص: 201] (2002) در المناسک، باب الوداع، و همچنین ابن ماجه (3070) در المناسک،

باب طواف الوداع، و دارمی در السنن 2 / 72 در المناسک، باب طواف الوداع.

2- متفق علیه.

که طواف افاضه را به تاخیر انداخته و در زمان سفر طواف انجام داد این طوافش جای طواف وداع را نیز می‌گیرد و کفایت می‌کند؛ چون دو حدیثی که قبلاً گذشت بر این دلالت می‌کند. از خداوند خواهانم که همه را موفق به انجام کارهایی بگردند که مورد رضایت اوست، و طاعات و عبادات همگی مان را مورد قبول قرار دهد، و ما و شما را جزو آزاد شدگان از آتش جهنم قرار دهد، او قادر و توانست بر آن، و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه وسلم⁽¹⁾.

فصل اول:

احرام و مواقیت

س 1: مواقیت مکانی در کجا قرار دارند؟

ج: مواقیت پنج جا هستند:

اول: ذوالحلیفه؛ میقات اهل مدینه هست، امروزه در نزد مردم به ابیار علی معروف است.

دوم: جحفه؛ میقات اهل شام و کسانی که از آن سو می آیند می باشد، خرابه هایی است از یک روستا بر تپه شهر رابغ، امروزه مردم از شهر رابغ احرام می بندند، اگر کسی از رابغ احرام ببندد درست است چون رابغ کمی قبل از ذوالحلیفه قرار دارد.

سوم: قرن المنازل؛ میقات اهل نجد و کسانی که از آن سو می آیند است، امروزه به سیل معروف است در نزدیکی شهر طائف.

چهارم: یلملم؛ میقات اهل یمن و کسانی که از آن سو می آیند، می باشد.

پنجم: ذات عرق، میقات اهل عراق و کسانی که از آن سو می آیند می باشد.

این میقاتها را رسول الله ﷺ برای کسانی که ذکر کردیم مشخص کرده است، کسانی که از آن سو می آیند و قصد حج یا عمره را دارند نیز از این میقاتها احرام می بندند؛ برای کسانی که از این میقاتها می گذرند و قصد حج یا عمره را دارند واجب است که از این میقاتها احرام ببندند، چون اگر شخص قصد حج و عمره را دارد حرام است بر او که از این میقاتها بدون احرام بگذرد، فرقی نیز ندارد که از راه زمینی از این میقاتها می گذرد یا از راه هوایی؛ چون فرموده رسول الله ﷺ زمانی که این میقاتها را قرار داد شامل همه می شود چون فرمودند: «هِنَّ لهنَّ وَلهنَّ أتی علیهن من غیر أهلهن

مَنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ⁽¹⁾. «این میقات‌ها برای آنهاست و برای کسانی است که از آنجا می‌گذرند و نیت حج و عمره را دارند». کسی که می‌خواهد با هواپیما به حج یا عمره بیاید باید قبل از سوار شدن خود را آماده کند و غسل بزند کارهای دیگر را نیز انجام دهد، و زمانی که به میقات نزدیک شد، ازار و رداء ببندد و اگر زمان کافی وجود داشت لبیک برای عمره بگوید، اما اگر تاخیر کرده و فرصت عمره نداشته باشد لبیک برای حج بگوید این در زمانی است که وقت حج باشد، اما در وقتی که برای انجام عمره آمده لبیک برای عمره می‌گوید، اگر رداء و ازار خود را قبل از سوار شدن بر هواپیما یا قبل از نزدیک شدن به میقات ببندد هیچ اشکالی در آن وجود ندارد، اما نیت داخل شدن در عبادت حج یا عمره را نمی‌کند و لبیک نمی‌گوید تا اینکه برسد به محاذات و برابری میقات یا نزدیکی آن، بر مسلمان واجب است که از رسول الله ﷺ در امور حج مانند سایر امور دین پیروی کند، چون خداوند رسول الله را الگویی نیکو برای ما قرار داده است، و خود رسول الله نیز فرموده است: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»⁽²⁾ «مناسک (عبادت) خود را از من یاد بگیرید». اما کسی که به مکه می‌آید و قصد انجام حج یا عمره را ندارد مانند تاجر، نجار و نامه‌رسان و غیره بر اینها واجب نیست که احرام ببندند، مگر اینکه قصد انجام آن را داشته باشند، حدیث رسول الله ﷺ که قبلاً در مورد موافقت گذشت بر این دلالت می‌کند، چون فرمود: «این میقات‌ها برای آنهاست و برای کسانی است که از آنجا می‌گذرند و نیت حج و عمره را دارند»، از این حدیث فهمیده می‌شود که کسانی که از این میقات‌ها عبور می‌کنند ولی قصد حج یا عمره را ندارند احرام بستن بر آنها واجب نیست. این رحمتی است از جانب خداوند بر بندگان که بر آنها آسان گرفته است. شکر و سپاس پروردگار را به جای می‌آوریم بخاطر این مهربانی‌اش. چیزی که این حکم را تایید می‌کند عمل خود رسول الله ﷺ است، چون

1- صحیح بخاری باب مهل أهل مكة ج: 2/ص: 134.

2- قبلاً تخریج شد.

ایشان زمانی که در عام الفتح به مکه آمدند احرام نیستند و حتی بر سر ایشان کلاه خود بود، چون قصد حج و عمره را نداشتند بلکه برای فتح مکه و پاک کردن کعبه از شرک آمده بود.

کسانی که منزلشان جلوتر از این مواقیتی که ذکر شد می باشد، مانند مردم ساکن جده و ام اسلم و بحره و شرائع و بدر و مستوره و غیره بر آنها لازم نیست که به مواقیت پنج گانه که گذشت برای احرام بروند، بلکه از داخل خانه خودش احرام می بندد، اگر دارای دو خانه هست که یکی در خارج از میقات و دیگری داخل میقات قرار دارد اختیار دست خود شخص است، اگر دوست دارد می رود و از میقاتی که نزدیکش است احرام می بندد و یا از داخل خانه خودش که جلوتر از میقات هست و به مکه نزدیک تر است احرام می بندد، چون روایتی که ابن عباس رضی الله عنهما از رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد میقات آورده شامل همه می شود: «ومن كان دون ذلك فَمَهْلُهُ من أهله حتى أهل مكة يهلون من مكة»⁽¹⁾ «کسی که جلوتر از میقات است محل احرامش از خانه اش است حتی اهل مکه از خود مکه احرام می بندد» بخاری و مسلم این حدیث را روایت کرده اند.

س 2: حکم پوشیدن لباس احرام قبل از رسیدن به میقات چیست؟

ج: اگر شخص احرام کننده وضو بگیرد یا غسل بزند، و لباس احرام بپوشد اما نیت انجام حج یا عمره را نکند مگر بعد از رسیدن به میقات، اینکار اشکالی ندارد، مهم این است که نیت و لبیک برای حج و عمره را بعد از رسیدن به میقات قرار دهد و وقتی به میقات رسید نیت کند⁽²⁾.

س 3: حکم استفاده از بو خوشی در لباس احرام قبل از نیت کردن و لبیک گفتن چیست؟

1- فتاواى شیخ عبد العزیز بن باز (جزء: 16، صفحه: 43).

2- فتاواى مفتی سعودی شیخ عبد العزیز بن عبد الله آل الشیخ (جزء: 1 صفحه: 16).

ج: جایز نیست که شخص احرام کننده از بوخوشی در رداء و ازار استفاده کند، اما سنت این است که از بوخوشی در بدن مانند سر و ریش و زیر بغل و اماکن دیگر استفاده کند، اما بوخوشی را در لباس احرام بکار نمی برد؛ چون رسول الله ﷺ فرموده: «لا تلبسوا شيئاً من الثياب مسّه الزعفران أو الورس»⁽¹⁾ «هیچ لباسی که به آن زعفران یا ورس (ماده ای زرد رنگ) رسیده نپوشید». سنت است که به بدن فقط بوخوشی بزند، اما از بوخوشی نباید در لباس استفاده کند، و اگر از بوخوشی در لباس استفاده کرد باید قبل از پوشیدن لباس آن را خوب بشوید و یا از لباس دیگر استفاده کند⁽²⁾.

س 4: در حالت احرام حکم پوشیدن کفش و دمپایی یا کمربندی که دوخته شده باشد چیست؟

1- مالك (324/1، 325)، كتاب الحج: باب ما ينهى عنه من لبس الثياب في الإحرام، حديث «8»، بخاري (401/3)، كتاب الحج: باب ما لا يلبس المحرم من الثياب، حديث «1542»، و مسلم (834/2)، كتاب الحج: باب ما يباح للمحرم بحج أو عمرة، وما لا يباح، و بيان تحريم الطيب عليه، حديث «1177/1»، و أبو داود «411/2»، كتاب المناسك «الحج»: باب ما يلبس المحرم، حديث «1824»، و ترمذي «194/3، 195»، كتاب الحج: باب النهي عن لبس القميص للمحرم، و ابن ماجه «977/2»، كتاب المناسك: باب ما يلبس المحرم من الثياب، حديث «2929»، و أحمد «3/2، 4، 29، 32، 41، 54، 77، 119»، و الدارمي «32/20»، كتاب الحج: باب ما يلبس المحرم من الثياب، و الطيالسي «1839»، و ابن خزيمة «163/4 - 164، 200» و دارقطني «230/2»، و حميدي «281/2»، شماره «626»، و ابن جارود «416»، و طحاوي في «شرح معاني الآثار» «134/2 - 135»، و البيهقي «46/5، 49»، و أبو يعلى «304/9»، شماره «5425»، و ابن حبان «3789، 3792، 3793»، از روایت های گوناگون از ابن عمر. و ترمذی گفته: حسن صحیح.

2- فتاوی اللجنۃ الدائمۃ (جزء: 17 صفحه: 126).

ج: جایز است برای کسی که به حج یا عمره آمده است از کفش یا کمر بند استفاده کند، اگر چه که در کارخانه بافته شده باشد⁽¹⁾.

س5: آیا برای شخصی که می خواهد برای عمره یا حج احرام ببندد واجب است که قبل از احرام غسل بزند؟

ج: غسل زدن سنت است، و واجب نیست، اگر بدون غسل ردن احرام ببندد هیچ چیزی بر او نیست و اشکالی ندارد، اما روایت شده است که رسول الله ﷺ زمانی که می خواست احرام ببندد غسل زده است، پس غسل زدن بهتر است⁽²⁾.

س6: آیا باید لبیک را بر زبان بیاوریم و بگوییم یا فقط نیت کردن کافی است؟

ج: شرط نیست که بر زبان آورد، بلکه کافی است که نیت کند، اما رسول الله بعد از نیت لبیک گفته است که عبارت است از: «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد والنعمه لک والمملک، لا شریک لک» این لبیک از رسول الله ﷺ در صحیح بخاری و مسلم و کتابهای دیگر روایت شده است⁽³⁾.

س7: آیا خواندن دو رکعت نماز قبل از بستن احرام واجب است؟

ج: خواندن نماز قبل از احرام جزو شرطهای قبولی و صحیح بودن احرام نیست بلکه نزد بیشتر علما این کار مستحب است، و کارهایی که بعد از بستن احرام آمده این است که با قلبش نیت حج یا عمره نماید، و بر زبان نیز جاری کند و بگوید: «اللهم لبیک عمرة» یعنی پروردگارا دعوتت برای عمره را لبیک گفتم یا «اللهم لبیک حجة»

1- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 11 صفحه: 171).

2- فتاوی برنامه نور علی الدرب (جزء: 17 صفحه: 244 - 245).

3- فتاوی مفتی کشور سعودی شیخ عبد العزیز بن باز رحمته الله (جزء: 17، صفحه: 68).

یعنی پروردگارا دعوت برای حج را لیبیک گفتم یا برای حج و عمره نیت می کند اگر نیت حج قران می کند، همانگونه که رسول الله ﷺ و صحابه رضی الله عنهم انجام داده اند⁽¹⁾.

س 8: آیا اجاز هست که لباس احرام را برای شستشو عوض کنیم؟

ج: هیچ اشکالی ندارد شخص محرم لباس احرام را بشوید و اشکال ندارد که آن را عوض کند و لباس جدید دیگری بپوشد یا لباس شسته شده را بپوشد⁽²⁾.

س 9: من اهل کشور سودان و در یمن مشغول به کار هستم، وقتی که برای حج آمدم قصد کردم که قبل از وارد شدن به مناسک حج ابتدا به زیارت مسجد النبی در مدینه بروم، زمانی که از میقات اهل یمن در یلملم عبور کردم احرام نیستم، چون قصد رفتن به مدینه را داشتم، وقتی که زیارت مسجد النبی را در مدینه انجام دادم به میقات اهل مدینه در ذوالحلیفه - آبار علی - رفتم، آنهم قبل از روز ترویبه و در آنجا نیت حج کردم و احرام بستم؛ آیا بر من بخاطر عبورم از میقات اهل یمن و احرام بستن در میقات اهل مدینه چیزی واجب هست؟

ج: بر تو بخاطر عبور کردن از میقات اهل یمن بدون احرام چیزی واجب نیست، چون زمانی که از میقات گذشته ای قصد انجام حج را نداشته ای بلکه می خواهستی که به مدینه منوره سفر کنی، و زمانی که از مدینه به قصد انجام حج خارج شدی در میقات اهل مدینه که ذوالحلیفه باشد احرام بسته ای، رسول الله ﷺ درباره میقات ها فرمود: «این میقات ها برای مردم آنجا و کسانی که ساکن آنجا نیستند و از آنطرف عبور می کنند و نیت حج یا عمره را دارند می باشد»⁽³⁾⁽⁴⁾.

1- فتاوی شیخ عبد العزیز بن باز (جزء: 17، صفحه: 68).

2- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 57).

3- متفق علیه.

4- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 21).

س 10: آیا شخص محرم اجازه دارد کفشی را بپوشد که از پشت پا قفل دارد و از جلو در قسمت انگشتان باز است؟

ج: پوشیدن این نوع کفش برای شخص محرم جایز است؛ چون از جنس دمپایی می باشد⁽¹⁾.

س 11: اگر شخص احرام کننده قبل از اینکه نیت کند بوخوشی به لباس احرام زده باشد، آیا می تواند این لباس را بعد از نیت کردن بپوشد؟

ج: اگر نیت کرد باید این لباسی که در آن از بوخوشی استفاده کرده را بیرون بیاورد، و آن را بعد از شستن و رفتن بواز آن بپوشد، در صحیحین از یعلی بن امیه رضی الله عنه روای است که فرمود: «در جعرانه شخصی نزد رسول الله ﷺ آمد و چند تکه پارچه بر تن داشت - یعنی جبه - که با زیور زینت شده بود گفت من احرام عمره بسته اما این لباس بر تنم هست که بوخوشی زده ام، رسول الله ﷺ فرمود: اگر برای حج احرام بسته بودی چکار می کردی؟ جواب داد: این لباس را از تن بیرون می آوردم و این بوخوشی را می شستم، رسول الله ﷺ فرمود: هر کاری که در پوشیدن لباس احرام برای حج انجام می دهی برای احرام عمره نیز انجام بده»⁽²⁾ و در دو کتاب صحیحین روایت شده است که از رسول

1- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 19).

2- حدیث از روایت صفوان بن یعلی بن امیه عن ابیه یعلی: به روایت بخاری «9/9»، کتاب فضائل القرآن: باب کیف نزل الوحي، وأول ما نزل، حدیث «4985»، و مسلم «837/2»، کتاب الحج: باب ما یباح للمحرم بحج أو عمرة، حدیث «1180/8»، و أبو داود «407/2، 408»، کتاب المناسك «الحج»: باب الرجل یحرم فی ثیابه، حدیث «1819»، و ترمذی «196/3، 197»، کتاب الحج: باب ما جاء فی الذی یحرم وعلیه قمیص أو جبة، حدیث «836»، و نسائی «142/5، 143»، کتاب الحج: باب فی الحلوق للمحرم، و ابن الجارود «447»، و الحمیدی «347/2»، شماره «790، 791»، و ابن خزیمه «191/4، 193»، شماره «2670، 2671»، «2672»، و در «التمهید» «250/2-251» و البیهقی «56/5»، کتاب الحج: باب لبس المحرم و طیبیه جاهلاً أو ناسیاً لإحرامه، و در «دلایل النبوة» «205/5»، از طریق عطاء که صفوان بن یعلی

الله ﷺ سئل عما يلبس المحرم فقال: «لا يلبس القميص ولا العمامة ولا السراويل ولا ثوباً مسه ورس ولا زعفران»⁽¹⁾ الحديث⁽²⁾. «پرسیده شد شخص احرام کننده چه می پوشد، فرمود: قمیص و عمامه و شلوار نمی پوشد لباسی که به آن رنگ زرد ورس و زعفران زده شده نمی پوشد».

بن امیه به او خبر داد که یعلیٰ به عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: ای کاش پیامبر را در حالتی که وحی بر او نازل می شود می دیدم، می گوید: وقتی در جعرانه بود و بر رسول الله لباسی بود که آن را سایه بان خود قرار داده بود، همراهش گروهی از صحابه بودند که عمر نیز جزو آنها بود، در این هنگام مردی آمد که لباسی بر تن داشت که بر آن بو خوشی زده بود، رسول الله ﷺ مدتی نگاه کرد سپس سکوت کرد، و وحی بر او نازل شد، عمر به یعلیٰ اشاره کرد که بیا، یعلیٰ آمد و سرش را داخل کرد، و دید چهره رسول الله سرخ شده و عرق می کند، سپس وحی پایان یافت، فرمود: کسی که مدتی قبل در مورد عمره سوال کرد کجاست؟" مرد را جستجو کردند و آوردند نزد رسول الله، ایشان گفتند: "اما بوخوشی که بر تو هست، آن را سه بار بشوی و جبهه را" از تن در بیاور و سپس همانکاری که در حج انجام میدهی در عمره انجام بده. "همچنین مالک «1/328، 329»، کتاب الحج: باب ما جاء في الطيب للحج «18»، از عطاء بن ابي رباح به صورت مرسل روایت کرده.

1- قبلاً تخریج شد.

2- فتاویٰ اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 18).

فصل دوم:

سوالهای عمومی در حج و عمره

س1: در چه کارهایی از مراسم حج می‌توان جانشین تعیین کرد یا کسی دیگر را وکیل کرد، و چه زمانی می‌توان بجای کسی دیگر حج انجام داد؟

ج: جایز است که بجای شخص مسلمانی که وفات کرده است حج و عمره را انجام داد، همچنین شخص مسلمانی که خودش از ادای آن ناتوان هست بخاطر پیری یا مریضی که امید بهبودی آن نیست، میتوان به جایش حج و عمره انجام داد، و شخص وضعیفی که توان رمی جمرات را ندارد نیز می‌تواند به جای خود جانشین مشخص کند، مانند کودک و مریض و بزرگسال، ولی جانشین و نایب باید از کسانی باشد که خودش در حال انجام حج هست و خودش رمی جمرات انجام داده باشد⁽¹⁾.

س2: آیا در حال انجام طواف اضطباع سنت است، کسی که آن را فراموش کرد چیزی بر او واجب است یا نه، و آیا برای شروع طواف بوسیدن حجرالاسود کافی است یا باید بگوئیم بسم الله الله اکبر؟ گر کسی این جمله را فراموش کند که بگوید و فقط حجزالاسود را ببوسید اما بعد از دور شدن از حجرالاسود و در حال رفتن به سوی مقام ابراهیمی بیاد آورد و آن را بگوید آیا چیزی بر او هست؟

ج: اضطباع یعنی اینکه شخص محرم وسط ردایش را از زیر بغل سمت راست خود عبور دهد و دو طرف آن را بر دوش چپ بیاندازد، دوش و بازوی راستش بیرون و نمایان می‌شود، این کار در طواف اول زمانی که وارد مکه می‌شود و طواف می‌کند سنت است، برای کسی که به حج تمتع آمده است در همان طواف عمره این کار را انجام می‌دهد، و

شخصی که به نیت حج قران یا افراد آمده در همان طواف قدوم می‌باشد، اما اگر کسی این کار را انجام ندهد هیچ چیزی بر او واجب نیست و کسی که در ابتدای طواف تکبیر گفتن و بسم الله را فراموش کند چیزی بر او واجب نیست، چون تکبیر و ذکر و دعا در طواف و سعی سنت است و واجب نیست واجب این است که در ابتدای با نیت طواف کند و با نیت سعی انجام دهد⁽¹⁾.

س3: شخصی پرسیده: خیلی زیاد دیده می‌شود که در حین طواف یا سعی یا در حال انجام مشاعر به صورت دسته جمعی و گروهی دعا می‌کنند؛ آیا اینکار اصل شرعی دارد، آیا کسی که دعا کردن بلد نیست عذرش پذیرفته است؟

ج: دعا به صورت گروهی اصل شرعی ندارد، چون هیچ روایتی در این زمینه نیامده است، و کسانی که عذر می‌آورند که چون دعا بلد نیستند دسته جمعی دعا می‌کنند این عذر در طواف قابل قبول نیست، زیرا در حال طواف کردن دعای مخصوصی ذکر نشده است، و بنده دعاهایی که خیر دنیا و آخرتش در آن قرار دارد را می‌خواند، اگر شخص هیچ دعایی بلد نیست می‌تواند بگوید: «اللهم إني أسألك الجنة وأعوذ بك من النار»، پروردگارا من از تو بهشت می‌خواهم و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم، چون رسول الله ﷺ از مردی سوال کرد: در نماز چه می‌گویی؟ آن مرد گفت: شهادتین می‌گویم و می‌گویم: «اللهم إني أسألك الجنة وأعوذ بك من النار»، و گفت من وردهایی که تو و معاذ می‌خواندید را بلد نیستم، رسول الله ﷺ فرمود: ما نیز چیزی همانند این دعا می‌خوانیم⁽²⁾. این امور را همه مسلمان‌ها بلد هستند، خداوند سبحان و تعالی بر بندگانش چیزی را که در توانشان نیست مکلف نکرده است، واجب است که از

1- فتاوی‌ اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 211).

2- أبو داود شماره (792) و (793) در الصلاة، باب في تخفيف الصلاة، وأحمد در «المسند» 3 / 474 وابن ماجه از حدیث أبي هريرة ؓ شماره (910) در إقامة الصلاة، باب ما يقال في الشهد والصلاة على النبي ﷺ، بوصیری در الزوائد گفته: إسناده صحيح ورجاله ثقة هستند.

دستورات دین پیروی و پیامبر را الگوی خود قرار دهیم، مهم این نیست که زیاد دعا بکنیم و دعا طولانی یا کلماتش زیبا باشد، بلکه مهم این است که با گفتار و کردار به فکر اصلاح درون خود باشیم، و با سنت مطابقت داشته باشد⁽¹⁾.

س 4: آیا این دعا که در طواف حج و عمره خوانده می شود صحیح هست: «أُخْرِجَنِي مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» و آیا در حین طواف و سعی دعاهای مخصوصی که در بعضی از کتابها آمده و حاجی و عمره گذار آن را می خواند وجود دارد، یا اینکه دعاهایی که در آیات و احادیث صحیح آمده را بدون مشخص کردن آن در جایی مخصوص بخوانیم بهتر است؟

ج: کسی که در حال طواف و سعی می باشد آن دعاهایی که در اذکار دینی آمده و همچنین دعاهای دیگری که خوب هست و از نظر دینی ممنوع نیست بخواند، اما دعای خاص و مشخصی ذکر نشده است، فقط مستحب است که در پایان هر دور از هفت دور طواف دعای معروف: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: 201]. را بین دو رکن یمانی و حجرالاسود بخواند، چون از رسول الله ﷺ روایت شده است. همانطور که تکبیر گفتن و بوسیدن حجرالاسود ذکر شده است، وقتی که از حجرالاسود دور است نیز به آن اشاره می کند و سلام می دهد، و طواف کننده وقتی که به رکن یمانی سلام می دهد می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

در صفا و مروه حاجی می تواند تمامی دعاهایی که از رسول الله ﷺ روایت شده را بخواند و دستان خود را برای دعا بلند و رو به قبله دعا می کند، در شروع سعی، این آیه را می خواند: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [البقرة: 158]. همانگونه که

رسول الله انجام داده و فرموده: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [البقرة: 158]. شروع می کنیم با آنچه که خداوند شروع کرده است⁽¹⁾.

س 5: آیا درست است که حاجی یا عمره گذار در اثناء طواف وارد حجر اسماعیل شود؟

ج: برای کسی که مشغول طواف حج یا عمره یا حتی طواف سنت است جایز نیست که در اثناء طواف وارد حجر اسماعیل شود، و اگر این کار را انجام دهد دورش ناقص است، چون خداوند سبحانه و تعالی فرموده: ﴿وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: 29]. «و به گرد خانه کهن (کعبه) طواف کنید» و امام مسلم و دیگران از عایشه رضی الله عنها روایت کرده اند که فرمود: «در باره ی حجر اسماعیل از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم، جواب داد: آن جزو خانه خداست»⁽²⁾. در روایتی دیگر عایشه رضی الله عنها فرمود: «گفتم من نذر کرده ام که در خانه خدا نماز بخوانم، رسول الله فرمود: در حجر اسماعیل نماز بخوان چون جزو خانه خداست»⁽³⁾⁽⁴⁾.

س 6: حکم مسح و مالیدن دست به دیوار کعبه و پارچه دور کعبه و مقام ابراهیم و حجر الاسود چیست؟

ج: این کارها بدعت است، جایز نیست، چون رسول الله صلی الله علیه و آله این کارها را انجام نداده است، و فرموده: «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد»⁽⁵⁾ «کسی که کاری

1- فتاوی شیخ عبد العزیز بن باز (جزء: 17، صفحه: 224).

2- مصنف ابن ابي شيبة 238/2.

3- «المسند»: (92/6-93).

4- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 11 صفحه: 234).

5- بخاري به صورت تعليق با صيغة جزم آورده 298/4 در البيوع: باب النجش ووصله في الصلح

221/5: باب إذا اصطلحوا على صلح جور فالصلح مردود، و مسلم شماره (1718) در الأفضية:

انجام دهد که دستور ما به انجام آن کار نیست، آن کار باطل است» و فرمود: «من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد»⁽¹⁾ «کسی که در امور دینی کاری انجام دهد که ما به آن دستور نداده‌ایم آن کار باطل و مردود هست» و فرموده: «إياكم ومحدثات الأمور، فإن كل محدثة بدعة، وكل بدعة ضلالة»⁽²⁾ «شما را بر حذر می‌دهم از نوآوری در دین، چون هر نوآوری بدعت و هر بدعتی گمراهی هست». اگر هدف شخص از مسح و دست زدن این است که با دست زدن به دیوار و پارچه برکت را از خود این پارچه و دیوار بدست می‌آورد این کارش شرک اکبر است، و اگر هدفش این است که این پارچه و دیوار مبارک است و خداوند جایز دانسته که دیوار پارچه را ببوسیم، این کارش بدعت است، از خداوند، سالم ماندن از بدعت را خواهانیم، چیزی که دین آن را قرار داده این است که حجر الاسود را ببوسیم و به آن سلام کنیم، این سنت است و رسول الله ﷺ آن را انجام داده همچنین رکن یمانی نیز با دستش به آن سلام می‌کند و می‌گوید: بسم الله الله اکبر، اما رکن یمانی را نمی‌بوسد، وقتی که حضرت عمر رضی الله عنه حجر الاسود را بوسید فرمود: «من می‌دانم که تو سنگی هستی که هیچ ضرر و نفعی نمی‌رسانی، اگر

باب نقض الأحكام الباطلة، وأبو داود در السنة: باب لزوم السنة 506/2، وابن ماجه در المقدمة: باب تعظيم حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم شماره 14.

1- مصدر سابق.

2- أحمد، وأبو داود، و ترمذی -حسن صحیح- وابن ماجه، وابن جریر، والحاکم، والبيهقی از العرباض بن ساریة) أحمد (4/126، شماره 17184)، وأبو داود (4/200، شماره 4607)، و ترمذی (5/44، شماره 2676) و گفته: حسن صحیح. وابن ماجه (1/15، شماره 42)، والحاکم (1/174، شماره 329) و گفته: صحیح لیس له علة. والبيهقی (10/114، رقم 20125). و همچنین: ابن حبان (1/178، شماره 5)، والدارمی (1/57، شماره 95).

ندیده بودم که رسول الله ﷺ تو را بوسیده بود، تو را نمی‌بوسیدم»⁽¹⁾. ما بلکه به خاطر پیروی از رسول الله ﷺ آن را می‌بوسیم، بخاطر اطاعت از ایشان و عمل به سنتش این

1- حدیث عمر بن الخطاب و گفته زمانی که به حجر الأسود رسید: «تو سنگی بیش نیستی و اگر نمی‌دیدم که رسول الله تو را بوسید، تو را نمی‌بوسیدم». این حدیث به روایت‌های مختلفی آمده که به عمر بن خطاب می‌رسد، و به صورت مرسل نیز از او روایت شده است.

بخاری آن را روایت کرده در: «462/3»، کتاب الحج: باب ما ذکر فی الحجر الأسود، حدیث «1597»، و مسلم «925/2-926»، کتاب الحج: باب استحباب تقبیل الحجر الأسود فی الطواف، حدیث «1270/251»، و أبو داود «577/2»، و النسائی «227/5»، کتاب الحج: باب تقبیل الحجر، و الترمذی «507/3-تحفة» أبواب الحج: باب ما جاء فی تقبیل الحجر، حدیث «862»، و أحمد «76/1»، و البیهقی «74/5»، و البغوی در «شرح السنة» «68/5-» از طریق عباس بن ربیع. و ترمذی گفته: حسن صحیح. و مسلم «925/2»، کتاب الحج: باب استحباب تقبیل الحجر الأسود فی الطواف، حدیث «1270/248»، و نسائی در «الکبری» «400/2»، کتاب الحج: باب تقبیل الحجر شماره «3919»، و ابن الجارود «452»، و ابن خزیمه «212/5»، رقم «2711»، از طریق ابن وهب از یونس و عمرو بن الحارث از الزهري از سالم از پدرش روایت کرده که به او گفت: عمر بن خطاب حجر را بوسید و سپس گفت: بخدا قسم می‌دانم که تو سنگی بیش نیستی و اگر من ندیده بودم که رسول الله ﷺ تو را بوسیده بود تو را نمی‌بوسیدم. و بخاری «555/3»، کتاب الحج: باب تقبیل الحجر، حدیث «1610»، از طریق زید بن أسلم از پدرش از عمر. و مسلم «925/2»، کتاب الحج: باب استحباب تقبیل الحجر الأسود فی الطواف، حدیث «1270/249»، و الدارمی «52/2-53»، کتاب المناسک: باب فی تقبیل الحجر از طریق حماد بن زید از ایوب از نافع از ابن عمر از عمر، و مسلم «925/2»، کتاب الحج: باب استحباب تقبیل الحجر الأسود فی الطواف، حدیث «1270/250»، ابن ماجه «981/2»، کتاب المناسک: باب استلام الحجر، حدیث «2943»، نسائی «الکبری» «400/2»، کتاب الحج: باب تقبیل الحجر «3918»، و أحمد «35/1»، و الحمیدی «7/1»، شماره «9»، و الطیالسی «216/1-منحة» «1045»، از طریق عاصم الأحول از عبد الله بن سرجس گفت: رأیت الأصلع «یعنی عمر بن الخطاب» یقبل الحجر ویقول: والله انی لأقبلک وانی أعلم أنك حجر وإنک لا تضر ولا تنفع ولولا أني رأیت رسول الله ﷺ قبلک ما قبلتک، و ابن

کار را می‌کنیم رسول الله ﷺ فرمود: «خذوا عني مناسككم»⁽¹⁾ «مناسک حجتان را از من یاد بگیرید» و فرموده: «صلوا كما رأيتموني أصلي»⁽²⁾ «همانطور که دیدید من نماز می‌خوانم شما نماز بخوانید». ما همانگونه که رسول الله نماز خوانده نماز می‌خوانیم حج انجام می‌دهیم، به مقام ابراهیم دست نمی‌زنیم و آن را مسح نمی‌کنیم، به دیورا دست نمی‌زنیم، به میله‌ها و به پارچه دست نمی‌زنیم، چون این کارها هیچ اصل و اساسی ندارد و بدعت است، اما در قسمت منطقه ملتزم، اینکه خود شخص در قسمت ملتزم بایستد این خودش عبادت است، صورت خود و سینه‌اش را به سوی ملتزم بین رکن و در کعبه قرار می‌دهد، این کار بخاطر تبرک جستن نیست بلکه بخاطر خاشع شدن در مقابل الله در کنار در کعبه است، همچنین در داخل کعبه اگر در اطراف آن طواف کرد و در اطرافش تکبیر گفت یا بین ملتزم ایستاد سینه و دستانش را بر آن قرار

لفظ را مسلم آورده و لفظی که ابن ماجه والحميدي آورده‌اند: رأيت الأصيلع بالتصغير. و مسلم «925/2»، كتاب الحج: باب استحباب تقبيل الحجر الأسود في الطواف، حديث «1271/252»، و نسائي «227/5»، كتاب الحج: باب استلام الحجر الأسود، وأحمد «39/1»، والطيالسي «216/1-منحة» شماره «1044»، وأبو يعلى «169/1»، شماره «189»، والبيهقي «74/5».

1- مسلم «11/5- نووي» كتاب الحج: باب استحباب الرمل في الطواف والعمرة، حديث «235-1263»، والترمذي «202/3، 203»، كتاب الحج: باب ما جاء في كيف الطواف، حديث «856»، وباب ما جاء في الرمل من الحجر إلى الحجر، حديث «857»، و نسائي نحوه «235/5»، كتاب الحج: باب القول بعد ركعتي الطواف، حديث «2961»، از حديث جابر.

2- بخاري «131/2»: كتاب الأذان: باب الأذان للمسافرين إذا كانوا جماعة والإقامة، حديث «630»، و مسلم «612/2- أبي»: كتاب المساجد ومواضع الصلاة: باب من أحق بالإمامة، حديث «674، 292»، و نسائي «9/2»: كتاب الأذان: باب اجتزاء المرء بأذان غيره في الحضر، حديث «135»، وأحمد «436/3»، والدارمي «286/1»: كتاب الصلاة: باب من أحق بالإمامة، وابن خزيمة في «صحيحه» «206/1»، حديث «397».

می‌دهد و همانطور که رسول الله دعا کرده دعا می‌کند، این کارها اشکالی ندارد، و عبادت است و به خاطر نزدیک شدن و تقرب به خداوند جل و علا می‌باشد⁽¹⁾.

س7: امسال مناسک عمره را انجام داده‌ام، اما در مورد کوتاه کردن موی سر دچا شک شده‌ام، من از بعضی از اشخاص شنیده‌ام که جایز نیست فقط موی یک قسمت از سر را کوتاه کرد، همچنین جایز نیست از چند قسمت مو را کوتاه کرد مثل قسمت راست و قسمت چپ سر، این حرف باعث شد که من از مسجد بیرون بیایم، در این اثنا باز دچا رشک شدم چون لباس احرام را قبل از کوتاه کردن کامل سر بیرون آوردم و لباس دوخته شده را پوشیدم، حکم این کار چیست؟

ج: اگر ماجرا همانطور که گفته‌ای باشد تو با کوتاه کردن موی سر از نظر شرعی از احرام بیرون آمده‌ای، چون واجب است که همه قسمت‌های موی سر را کوتاه کرد، اینکه نمی‌دانستی و لباس عادی پوشیده‌ای اشکالی ندارد چون تو موی سر خود را کوتاه کرده‌ای⁽²⁾.

س8: منظور از بیرون آمدن از حالت احرام اول و دوم یا تحلل اول و تحلل دوم چیست؟

ج: منظور از بیرون آمدن از احرام اول این است که دو کار از سه کار را انجام داده باشد؛ اگر رمی جمرات انجام دهد و موی سر را تراشید یا کوتاه کرد، یا رمی جمرات و طواف و سعی انجام دهد اگر سعی بر او واجب باشد، یا طواف و سعی و موی خود را تراشید یا کوتاه کرد، در این حالت از احرام اول بیرون آمده که به تحلل اول معروف است، اگر هر سه کار را انجام دهد: 1- رمی جمرات و 2- طواف و سعی اگر سعی بر او واجب باشد 3- و موی سر خود را تراشید یا کوتاه کرد، در اینصورت از حالت احرام دوم یعنی تحلل دوم نیز بیرون آمده، اگر فقط دو کار را انجام داد لباس دوخته شده را

1- فتاویٰ برنامه نور علی الدرب (جزء: 17، صفحه: 458).

2- اللجنة الدائمة للإفتاء (جزء: 10 صفحه: 203).

می‌تواند بپوشد و از بو خوشی استفاده کند، و هر چیزی که در حالت احرام بر او حرام بوده برایش حلال می‌شود بجز جماع که برایش حلال نمی‌شود اما اگر هر سه کار را انجام داد جماع نیز برایش حلال می‌شود کاملاً از حالت احرام بیرون می‌آید.

بعضی از علما نظرشان این است که اگر حاجی در روز عید رمی جمرات انجام دهد، حالت بیرون آمدن از احرام اول یا تحلل اول برایش صورت گرفته است، که این رای و نظر خوبی است، اگر کسی این رای را بگیرد و به آن عمل کند، ان شاء الله که هیچ مشکلی ندارد، اما احتیاط این است که کار دوم را نیز انجام دهد یعنی موی سر را تراشد یا کوتاه کند و یا طواف انجام دهد و اگر سعی نیز بر او واجب است سعی انجام دهد، بخاطر عمل به حدیثی که از عایشه رضی الله عنها روایت شده - اگر چه که در سند آن نظر هست - که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا رَمَيْتُمْ وَحَلَقْتُمْ فَقَدْ حَلَّ لَكُمْ الطَّيْبُ وَكُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النِّسَاءَ»⁽¹⁾ «اگر رمی جمرات انجام دادید و موی سر را تراشیدید حلال است برای شما که از بو خوشی استفاده کنید و کارهای دیگر انجام دهید بجز نزدیکی با همسر». و بخاطر عمل به احادیث دیگر که در این زمینه آمده است، و چونکه رسول الله صلی الله علیه و آله «زمانی که رمی جمرات روز عید را انجام داد و قربانی را ذبح کرد، و موی سر خود را تراشید عایشه رضی الله عنها به او بو خوشی زد»⁽²⁾. از ظاهر این روایت مشخص می‌شود که

1- أحمد (143/6)، أبو داود (202/2) (1978)، الدارقطني (276/2)، البيهقي (136/5)، ابن خزيمة (302/4) (2937).

2- مسلم «846/2»، كتاب الحج: باب الطيب للمحرم عند الإحرام، حديث «1189/31»، نسائي «1360/5-137»، كتاب المناسك: باب إباحة الطيب عند الإحرام، والشافعي در «المسند» ص «120»، والحميدي «105/1»، شاره «211»، و بيهقي «34/5»، وأبو يعلى «353/7»، شماره «4391»، از طريق الزهري از عروة از عائشه که گفت: به خاطر احرام بستن به رسول الله صلی الله علیه و آله بو خوشی زد، و به خاطر بیرون آمدن از احرام قبل از طواف خانه خدا نیز بو خوشی زد. و بخاری «382/10»، كتاب اللباس: باب ما يستحب من الطيب، حديث «5928»، ومسلم «847/2»،

ایشان از بو خوشی استفاده نکرده مگر بعد از رمی جمرات و ذبح و تراشیدن موی خود. پس بهتر و احتیاط این است که از تحلل اول بعد از رمی جمرات و تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر بیرون بیاید، اگر توانست که بعد از رمی جمرات و قبل از تراشیدن موی قربانی خود را ذبح کند بهتر است، چون به این وسیله بین همه احادیث را جمع کرده است⁽¹⁾.

س 9: مادرم نزدیک به سی سال قبل حج کرده است، اما در آن حجی که انجام داد از روی عدم آگاهی بعضی از کارها را انجام داد که ممنوع است، از جمله آن کارها این بود که بعضی از درخت‌های کوچکی که در اطراف خیمه بود را قطع کرده و بعضی از زنها که آنجا بودند او را از این کار منع کرده و گفتند که حج را باطل می‌کند، حکم این کارش چه بوده؟ بعد از آن وقتی که به صحرای عرفات رفت جبل الرحمه را مشاهده کرد و آن علامتی را که بر بالای کوه نصب کرده را دیده گمان کرده که علامت شیطان است چندین بار آن را لعن کرده و در هنگام رمی جمرات چون بسیار شلوغ بوده همه سنگ‌ها را یک دفعه و با هم پرت کرده است، اما نمی‌داند که آیا این سنگ‌ها به داخل حوض افتاده است یا نه همه این کارها را از روی نا آگاهی و معلومات کمی که داشته انجام داده است، به خاطر همین چند سال بعد دوباره حج انجام داده است، چون می‌ترسیده که حجش قبول نباشد، آیا آن حج اولی صحیح بوده؟

ج: حج مادرت ان شاء الله صحیح هست، به خاطر قطع درخت چیزی بر او نیست چون از حکمش با خبر نبوده، اما در مورد پرتاب سنگ‌ها که با هم و یکدفعه پرتاب کرده، این کارش کافی نیست، و رمی جمرات ناقص انجام داده و باید در مکه یک

کتاب الحج: باب الطیب للمحرم عند الإحرام «36، 1189/37»، و نسائی «137/5-138»،

کتاب المناسک: باب الطیب عند الإحرام، وأحمد «130/2»، والبيهقي «34/5».

1- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 355).

گوسفند ذبح کند و بین فقرای حرام توزیع نماید یا از آن خودش بخورد، اما اگر از نظر مالی توان ذبح گوسفند را ندارد، باید ده روز روزه بگیرد⁽¹⁾.

س 10: یکی از حاجیان در روز دوازدهم ابتدا طواف وداع انجام داده و سپس به منی رفته و رمی جمرات انجام داده است آیا طوافش صحیح هست، چون قبل از رمی طواف انجام داده است، چه چیزی بر این شخص واجب است، این شخص ساکن شهر جده است؟

ج: اگر کسی قبل از رمی جمرات طواف وداع انجام داده باشد این کارش درست نیست، چون طواف وداع باید آخرین کار حج باشد، و چونکه بعد از رمی جمرات طواف وداع را دوباره انجام نداده و سفر کرده باید فدیة دهد که یک حیوان را قربانی کند و در بین فقیران اهل مکه توزیع نماید، اما نباید از گوشت آن چیزی بخورد و باید حیوانهایی که برای قربانی ذبح می شود را ذبح کند، اما اگر توان مالی را ندارد باید ده روز روزه بگیرد⁽²⁾.

س 11: یکی از خویشاوندانم سال گذشته فریضه حج انجام داده است، برای رمی جمرات شخصی دیگری را وکیل قرار داده است، اما شخصی که وکیل پرتاب سنگریزه شده بود در روز دوم و سوم رمی جمرات انجام نداده است، نظر شما در این مورد چیست؟

ج: اصل بر این است که حاجی خودش مناسک حج را انجام دهد، و اجازه ندارد کسی را وکیل انجام رمی جمرات قرار دهد، مگر اینکه خودش توانایی انجام پرتاب رمی را نداشته باشد، اگر شخصی در حالی که خودش توانایی رمی جمرات را دارد اما با این وجود کسی دیگر را وکیل قرار دهد این شخص گنهکار است، و رمی جمرات که برایش واجب است از او ساقط نشده است، اما اگر شخص حاجی خودش توانایی انجام آن را

1- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 10، صفحه: 166).

2- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 10، صفحه: 346).

ندارد اجاز دارد که کسی را به جای خودش وکیل قرار دهد، شخصی که وکیل شده باید آن کار را به روش شرعی و به شکل صحیح انجام دهد، و چونکه همانطور که در سوال ذکر کرده‌ای شخص وکیل آن کار را انجام نداده است گنهکار است و کسی که او را وکیل قرار داده بخاطر ترک کردن آن کار خون دهد و قربانی نماید، حیوانی را قربانی نماید و بین فقرای مکه توزیع کند⁽¹⁾.

س 12: اگر حاجی در خارج از حدود عرفات - اما نزدیک به آن - بایستد تا اینکه خورشید غروب نماید حکم حجش چگونه است؟

ج: اگر حاجی در زمان وقوف در عرفات در منطقه عرفات نایستد حجش درست نیست، چون رسول الله ﷺ فرمودند: «الحج عرفة»⁽²⁾ «حج ایستادن در عرفات است»

1- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 327).

2- أبو داود «485/2-486»، کتاب المناسک «الحج»: باب من لم یدرک عرفة، حدیث «1949»، و ترمذی «237/3»، کتاب ما جاء فیمن أدرك الإمام بجمع فقد أدرك الحج، حدیث «889»، و نسائی «256/5»، کتاب الحج: باب فرض الوقوف بعرفة، و ابن ماجه «1003/2»، کتاب المناسک: باب من أتى عرفة قبل الفجر ليلة بجمع، حدیث «30/5»، و الطیالسی «22/1»، کتاب الحج والعمرة: باب وجوب الوقوف بعرفة وفضله، والدعاء عند ذلك، حدیث «1056»، وأحمد «335/4»، والدارمی «59/2»، کتاب المناسک: باب ما يتم الحج، وابن الجارود ص «165»، باب المناسک، حدیث «468»، والدارقطنی «240/2، 241»، کتاب الحج: باب المواقیف، حدیث «19»، و حاکم «464/1»، کتاب المناسک، و بیهقی «116/5»، کتاب الحج: باب وقت الوقوف لإدراك الحج، وابن حبان «1009-موارد»، وابن خزیمة «257/4»، شماره «2822»، و طحاوی در «شرح معانی الآثار» «209/2-210»، و الحمیدی «399/2»، شماره «899»، و أبو نعیم فی «الحلیة» «119/7-120»، از طریق بکر بن عطاء از عبد الرحمن بن یعمر الدیلی گفت: رسول الله ﷺ را در حج مشاهده کردم که در عرفة ایستاده بود، مردمی از اهل نجد آمدند، پرسیدند: ای رسول الله حج چگونه است؟ گفت: حج عرفة است. ترمذی گفت: و ابن ابي عمر گفته، که سفیان بن عیینة گفت: وهذا أجود حدیث رواه سفیان الثوري. ابن ماجه گفت: قال محمد بن یحیی -الدهلي- ما أرى للثوري حديثاً أشرف منه. حاکم آن را صحیح

اگر کسی توانست شب را قبل از طلوع خورشید در عرفه بماند باز هم حجش درست است، زمان ایستادن در صحرای عرفه بعد از زوال خورشید در روز عرفات تا طلوع خورشید روز نحر و قربانی می‌باشد، اهل علم بر این امر اتفاق دارند، اما در مورد ایستادن در عرفه قبل از زوال خورشید مورد اختلاف علماست بیشتر علما می‌گویند که ایستادن در عرفه قبل از زوال خورشید کفایت نمی‌کند، یعنی اگر بعد از زوال و یا شب در عرفه نماند کفایت نمی‌کند، اما اگر کسی ظهر بعد از زوال و یا شب ایستاد کفایت می‌کند؛ بهتر است که از ظهر بعد از نماز ظهر و عصر که جمع تقدیم خوانده می‌شود تا غروب خورشید در آنجا بماند، کسی که از ظهر در عرفات ایستاده نباید تا قبل از غروب خورشید از عرفه بیرون بیاید و اگر این کار را انجام داد، نزد بیشتر علما بر او خون واجب است، چون یک کار واجبی را ترک کرده است، بدینصورت کسی که ظهر در عرفات ایستاده توانسته است بین شب و روز را با هم جمع نماید⁽¹⁾.

س 13: در روز عرفه، قبل از غروب خورشید، سوار قطار شدیم، قبل از غروب خورشید قطار از عرفات حرکت کرد و به منی رفته و از آنجا به مزدلفه رفته و در آنجا ماندیم، چه چیزی بر گردن ماست که باید انجام دهیم بخاطر اینکه بدون اراده خودمان قبل از غروب خورشید از عرفات بیرون آمدیم؟

ج: اولاً: بیرون آمدن از عرفات باید بعد از غروب خورشید باشد، تا هم قسمتی روز و قسمتی از شب را در عرفات مانده باشید، کسی که قبل از غروب بیرون برود خون بر

دانسته وابن خزیمه وابن حبان. وحديث شاهد دارد از حدیث ابن عباس. أخرجه الطبرانی در «الأوسط» و در «مجمع الزوائد» «254/3»، از طریق خصیف از مجاهد از ابن عباس قال: قال النبي ﷺ: «الحج عرفات». همیشه می‌گوید: در حدیث خصیف است ابن معین و غیره او را ثقة دانسته اند أحمد و غیره او را ضعیف دانسته و خصیف ابن عبد الرحمن الجزري: الحافظ در «التقريب» گفته «224/1»، صدوق سيء الحفظ خلط بأخره و رمي بالإرجاء.

او واجب است، اگر راننده قطار نیز حاجی است باید خون بدهد و مسافران نیز باید خون بدهند؛ چون نباید قبل از غروب خورشید، قطار حرکت می‌کرد⁽¹⁾.

س 14: من در موسم حج راننده ماشین هستم، نتوانستم از عرفات بیرون بیایم مگر بعد از ساعت دو شب، من و دوستانم به مزدلفه رفتیم و نماز مغرب و عشاء را در آنجا ادا کردیم، دوستانم را در مزدلفه در ساعت چهار به وقت غروبی تنها گذاشتم و خودم با ماشین که وسایل و لوازم حاجی‌ها در آن بود به منی رفتم، و قصدم این بود که برای شب ماندن دوباره به مزدلفه بازگردم، ولی در بین راه در ترافیک گیر افتادم، حتی چند مسیر را جابجا کردم و می‌خواستم بازگردم و وارد شهر مکه شدم تا از آنجا به منی بازگشتم اما چون ترافیک بود پلیس از ورود من جلوگیری کرد، ساعت هشت توانستم به مزدلفه برسم، و در قسمتی که اسفالت نیست (در مزدلفه) ماندم و در ایام تشریق نیز در مزدلفه بودم و فقط برای رمی جمرات به منی می‌رفتم، بعضی از همراهانم شب را در منی می‌ماندند و بعضی دیگر نزد من در خیمه مزدلفه می‌ماندند، نظر شما در این باره چیست، و حکم کار من اگر خورشید روز دوم غروب کند و من هنوز در خیمه‌ام در مزدلفه باشم اگر عجله نکنم چیست؟ آیا روز سوم نیز باید رمی جمرات انجام دهم؟

ج: اولاً: اگر ماجرا همانطور که تعریف کرده‌ای باشد که سعی کرده‌ای به منی وارد شوی اما نتوانستی و در ایام تشریق در مزدلفه مانده‌ای چون جایی برای خود در منی پیدا نکرده‌ای همانطور که در سوال ذکر کرده‌ای، به خاطر خارج شدن از مزدلفه هیچ چیزی بر تو نیست چون صبح دوباره به آنجا باز گشته‌ای، و تو و کسانی که همراهت بوده‌اند نیز بخاطر اینکه در منی جایی پیدا نکرده‌اید و در ایام تشریق در مزدلفه مانده‌ای چیزی بر شما نیست چون خداوند فرموده است: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا

وُسَعَهَا» [البقرة: 286]. «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نکرده است»،
 و قوله: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [الحج: 78]. «و در دین شما
 هیچ سختی قرار نداد».

ثانیا: اگر تو در مزدلفه باشی و خورشید روز دوازدهم غروب کند، خوابیدن در منی و
 رمی روز جمرات روز بعد بر تو واجب نیست، چون تو در خارج از منی بوده‌ای⁽¹⁾.

س 15: وقت رمی جمرات در سه روز ایام تشریق از کی شروع می‌شود و چه وقت
 پایان می‌یابد؟ آیا حاجی اجازه دارد که شب رمی جمرات انجام دهد، بخصوص
 در این دوران که خیلی شلوغ شده و سختی و مشقت فراونی وجود دارد برای رمی
 جمرات در روز؟

ج: وقت رمی جمرات در روزهای تشریق از زوال خورشید آغاز می‌شود و هنگام
 غروب خورشید پایان می‌یابد؛ در صحیح مسلم حدیثی از جابر^{رضی الله عنه} روایت شده که
 فرمود: «رسول الله^{صلی الله علیه و آله} در روز نحر و قربانی در وقت ضحی رمی جمرات انجام داد، اما
 در روزهای دیگر بعد از زوال خورشید رمی جمرات انجام دادند»⁽¹⁾⁽²⁾. و بخاری از ابن

1- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 11، صفحه: 270).

2- أحمد (312/3) قال: حدثنا ابن إدريس، وفي (319/3) قال: حدثنا يحيى. و در (399/3) قال:
 حدثنا عفان، قال: حدثنا حماد -يعني ابن سلمه-، والدارمي (1902) قال: أخبرنا عبید الله بن
 موسى. و مسلم (80/4) قال: حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة، قال: حدثنا أبو خالد الأحمر، وابن
 إدريس. (ح) وحدثناه علي بن خشرم، قال: أخبرنا عيسى. و أبو داود (1971) قال: حدثنا أحمد
 ابن حنبل، قال: حدثنا يحيى بن سعيد. وابن ماجه (3053) قال: حدثنا حرملة بن يحيى
 المصري، قال: حدثنا عبد الله بن وهب. و الترمذي (894) قال: حدثنا علي بن خشرم، قال:
 حدثنا عيسى بن يونس. و نسائي (270/5) قال: أخبرنا محمد بن يحيى بن أبوب بن إبراهيم
 الثقفي المروزي، قال: أنبأنا عبد الله بن إدريس. وابن خزيمة (، 2968 2876) قال: حدثنا علي
 بن خشرم، قال: أخبرنا عيسى. (ح) وحدثنا محمد بن معمر، قال: حدثنا محمد -يعني ابن بكر-،
 و در (2968) قال: حدثنا أبو كريب، قال: حدثنا أبو خالد. (ح) وحدثنا عبد الله بن سعيد الأشج،

عمر رضی الله عنه روایت کرده است که: «ما صبر می کردیم زمانی که خورشید به زوال می رسید رمی جمرات می نمودیم»⁽²⁾. جمهور علما نیز این رای و نظرشان می باشد، اما اگر مجبور شد که شب رمی جمرات انجام دهد اشکالی وجود ندارد، گرچه که احتیاط این است که کسی که می تواند قبل از غروب رمی انجام دهد تا به سنت نیز عمل کرده باشد و از مساله ای که مورد اختلاف است بیرون آمده باشد⁽³⁾.

س 16: حکم شب ماندن خارج از منی در ایام تشریق چیست، چه به عمد این کار را کرده باشد یا به خاطر نیافتن مکان؟

ج: قول صحیح این است که شب ماندن در منی در شب های یازدهم و دوازدهم واجب است، این حکم را علمای محقق بر مرد و زن حج گذار واجب قرار داده اند، اگر جایی را برای ماندن نیافتن این حکم از آنها ساقط می شود و چیزی بر آنها واجب نیست، اما اگر بدون هیچ عذری آن را ترک کند باید خون بدهد⁽⁴⁾.

س 17: کدام یک بهتر است؛ ذبح نزد شرکت ها یا خودم حیوان را ذبح کنم و گوشت آن را توزیع کنم؟

قال: حدثني ابن ادریس. ثمانیتهم - ابن ادریس، ویحیی، وحماد، وعبید الله، وأبو خالد، وعیسی، وابن وهب، وابن بکر - عن ابن جریج.

1- متفق علیه.

2- بخاری 462/3 در الحج، باب رمی الجمار، والموطأ 1/408 در الحج، باب الرخصة في رمی الجمار، وأبو داود شماره (1972) در المناسك، باب في رمی الجمار، الحافظ در «الفتح» گفته: در این حدیث دلیل وجود دارد که سنت است در روز غیر از روز قربان بعد از زوال رمی انجام دهند، جمهور علما این رای شان است، عطاء وطاوس مخالفت کرده اند گفتند: قبل از زوال مطلقاً جایز است، حنفی ها در روز نفر نیز قبل از زوال اجازه رمی داده اند. إسحاق گفته: اگر قبل از زوال رمی کرد باید تکرار کند، اما در روز سوم اشکال ندارد.

3- البحوث الإسلامية (جزء: 13، صفحه: 89).

4- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 359).

ج: اگر کسی قیمت قربانی را به شرکت‌هایی مانند شرکت راجحی یا بانک اسلامی پرداخت کند اشکالی ندارد، چون هیچ مانعی وجود ندارد که قیمت قربانی و حیوانی را که می‌خواهد ذبح کند به شرکت‌ها پرداخت کند؛ چون آنها وکیل‌هایی هستند که ورد اعتماد هستند و تلاش خود را به کار می‌گیرند، از خداوند می‌خواهیم که به آنها فایده برساند و یاورشان باشد؛ اما اگر کسی خودش حیوان را قربانی نماید و بین فقرا توزیع کند بهتر است و به احتیاط نزدیکتر است، چون رسول الله ﷺ خودش با دستانش حیوان قربانی را ذبح کرد در حیوان‌هایی که برای هدی آورده بود نیز همین کار را کرد و در بقیه حیوان‌ها وکالت داد⁽¹⁾.

س 18: نظر شما در مورد ازدحامی که در زمان بوسیدن حجرالاسود بین زنان و مردان رخ می‌دهد چیست؟

ج: بوسیدن حجرالاسود در ابتدای هر دور سنت است اما شخص مسلمان باید حالت و اوضاع را مراعات نماید، اگر اطراف حجرالاسود ازدحام بود و نمی‌توانست به حجرالاسود نزدیک شود مگر بارد شدن از ازدحام و هل دادن مردم باید بوسیدن را ترک کند و با دست آن را مسح کند یا با چیزی که با اوست و چیزی که با آن حجرالاسود را لمس و مسح کرده می‌بوسد، اگر باز نتوانست این کار را انجام دهد، به آن اشاره می‌کند، این کار سنت است و رسول الله ﷺ همه این امور را انجام داده است، این یک راحتی و رحمتی است بر این امت. اگر علاوه بر اینکه دور و بر حجرالاسود شلوغ بود زنان نیز بودند مساله مهم تر است اگرچه که بخواهد حجرالاسود را ببوسد باید که کناره‌گیری کند. شایسته است که به زنان یاد داد که با مردها در شلوغی قاطی نشوند و با آنها مختلط نشوند، چونکه این کار سبب فتنه می‌شوند؛ در حالی که آنها در پاکترین و بهترین مکان قرار دارند، واجب این است که پوشش خود را حفظ کنند و از مردها دوری کنند و ایجاد مزاحمت نکنند، اگر مکانی برای زنها قرار داده شد یا وقت خاصی

1- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 18 صفحه: 28).

مشخص شد که زنها بروند حجرالاسود را بیوسند در این صورت اشکال ندارد که بیوسند، الحمدلله سنت در این مورد آسانی و راحتی قرار داده است، چون چندین حالت را قرار داده است؛ یا بوسیدن حجرالاسود یا لمس و مسح آن با دست یا چیزی دیگر و بوسییدن آن چیز و یا هم اشاره کردن به آن از دور وقتی که روبروی آن قرار گرفت⁽¹⁾.
والله اعلم.

س 19: اگر شخصی طواف یا سعی خود را شروع کرده باشد و در همین اثناء اقامه نماز شود برای ادای نماز با جماعت توقف نماید، آیا باید طواف یا سعی خود را از همان جایی که توقف کرده شروع کند یا اینکه دور خود را از ابتدا شروع کند؟
ج: اگر تو در حال طواف باشی و اقامه نماز شد و تو نماز خواندی، بعد از تمام شدن نماز تو دور خود را از همانجایی که توقف کرده‌ای شروع می‌کنی، آن دورهایی که قبل از نماز انجام داده بودی درست است و کفایت می‌کند⁽²⁾.

س 20: شخصی امسال حج قران انجام داد، و بعد از طواف قدوم از حرم خارج شده و به خانه‌اش رفت و به امور خانواده رسیدگی کرد، سپس به حرم بازگشته و سعی انجام داد، آیا این فاصله که بین طواف و سعی به وجود آورده بر حجش اثری دارد؟

ج: باید طواف و سعی را پشت سر هم انجام داد و اگر فاصله کم باشد به اذن الله اشکالی ندارد، اما اگر فاصله بین این دو زیاد باشد که برود به خارج از حرم و فاصله بین طواف و سعی را طولانی و زیاد کند، طواف را دوباره از نو انجام می‌دهد، والله اعلم⁽³⁾.

1- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 67، صفحه: 72).

2- فتاوی مفتی شیخ عبد العزیز بن عبد الله آل الشیخ (جزء: 1 صفحه: 56).

3- فتاوی مفتی عام شیخ عبد العزیز بن عبد الله آل الشیخ (جزء: 1 صفحه: 56).

س 21: حکم خواندن سوره فاتحه بر سر قبر رسول الله ﷺ چیست؟ چون زمانی که شخصی می خواهد به حج بیاید خیلی از مردم به او می گویند به جای من بر قبر رسول الله ﷺ فاتحه بخوان؟

ج: این کار یک بدعتی است که هیچ اصل و اساسی ندارد، قرآن برای خواندن بر سر قبرها نیست، بلکه در مساجد و در خانه ها و در راه باید تلاوت شود، رسول الله ﷺ فرموده: «اجعلوا في بيوتكم من صلاتكم، ولا تتخذوها قبوراً»⁽¹⁾ «قسمتی از نمازتان (سنت) را در خانه هایتان بخوانید و خانه را به قبرستان تبدیل نکنید». و فرموده: «لا تجعلوا بيوتكم مقابر فإن الشيطان يفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة»⁽²⁾ «خانه های خود را مانند قبرستان نکنید، چون شیطان از خانه ای که در آن سوره بقره تلاوت می شود گریزان است» این احادیث بر این دلالت می کند که قبرستان محل قرآن خواندن مردم نیست، بلکه آن را زیارت می کنند و بر مرده ها سلام داده می شود و دعای مغفرت و رحمت باید برایشان کرد، سپس بازگشت، این کارها سنت است، رسول الله ﷺ به قبرستان بقیع می رفت بر مرده ها سلام می داد و باز می گشت، صحابه نیز به همین صورت انجام می دادند به زیارت قبرها می رفتند و سلام می دادند برای آنها دعا می کردند و باز می گشتند، سنت بدینصورت است، اما خواندن فاتحه نزد قبر رسول الله ﷺ و

1- بخاری 1 / 441 در الصلاة، باب كراهية الصلاة في المقابر، ودر التطوع، باب التطوع في البيت، و مسلم شماره (777) في صلاة المسافرين وقصرها، باب استحباب صلاة النافلة في بيته، وأبو داود شماره (1448) في الصلاة، باب فضل التطوع في البيت، والترمذي شماره (451) في الصلاة، باب ما جاء في فضل صلاة التطوع في البيت، و نسائي 3 / 197 في صلاة الليل، باب الحث على الصلاة في البيوت والفضل في ذلك.

2- مسلم كتاب صلاة المسافرين 780. ص.

نشستن و دعا کردن به این امید که دعا سر قبرشان زودتر مستجاب می شود این هیچ پایه اساسی ندارد، و از بدعت‌هایی است که مردم به وجود آورده‌اند⁽¹⁾.

س 22: به جای کسی دیگر حج افراد انجام دادم، اما وقتی که رمی جمره عقبه اولی را انجام دادیم به خیمه بازگشتیم و لباس دوخته شده را قبل از کوتاه کردن یا تراشیدن مو پوشیدیم، بعضی از مردم به ما گفتند که مرتکب یکی از کارهای محظور در حج شده‌ایم باید دوباره احرام بپوشیم و موی سر را بتراشیم و خون بر ما واجب است، نظر شما در این باره چیست؟

ج: کاری که شما انجام داده‌اید یعنی بعد از رمی جمره عقبه و قبل از تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر، لباس دوخته شده پوشیده‌اید یک خطا است، مگر اینکه قبلاً طواف افاضه انجام داده باشید، چون اگر کسی دو کار از سه کار را انجام داد می‌تواند از لباس احرام بیرون بیاید یعنی رمی جمره و کوتاه یا تراشیدن مو و طواف افاضه و بعد از آن سعی اگر بر او واجب بوده را انجام داده باشد، و چون شما از این حکم آگاهی نداشته‌اید فدیة دادن و خون دادن بر شما واجب نیست و ان شاء الله حج شما صحیح می‌باشد⁽²⁾.

س 23: پدر خاله‌ام وفات کرده و خاله‌ام یک بار قبرش را زیارت کرده است، من حدیثی را شنیده‌ام که رفتن زنان را به زیارت قبر حرام می‌داند، آیا این حدیث صحیح می‌باشد، اگر صحیح می‌باشد آیا گناهی بر گردن او هست که باید کفاره بدهد؟

ج: قول صحیح این است که زیارت قبر برای زنان جایز نیست، بدلیل همان حدیثی که ذکر کردی؛ و از رسول الله ﷺ روایت شده است که زنانی که به زیارت قبر می‌روند را لعنت کرده است، پس بر زنان واجب است که زیارت قبر را ترک کنند، اما

1- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 17، صفحه: 314).

2- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 147).

اگر کسی از زنان به خاطر عدم آگاهی به زیارت قبر رفته باشد، هیچ اشکالی ندارد، اما نباید دوباره کارش را تکرار کند، اگر انجام داد باید توبه و استغفار نماید، توبه گناهان قبلی را از بین می‌برد، زیارت قبر مخصوص مردها می‌باشد، رسول الله فرمودند: «زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة»⁽¹⁾ «به زیارت قبر بروید چون شما را به یاد روز قیامت می‌اندازد». در ابتدای شروع دعوت اسلام زیارت قبر بر مرد و زن ممنوع بود؛ چون مسلمان‌ها در آن دوران تازه دست از پرستش و ارتباط با مردگان برداشته بودند، به خاطر جلوگیری از وارد شدن به شر و کلا شرک از آنها پاک شود از رفتن به زیارت قبر منع شده بودند، وقتی اسلام در درونشان مستقر شد و در اسلام ثابت ماندند و اسلام واقعی را شناختند، خداوند به آنها اجازه زیارت قبر را داد، چون باعث پند گرفتن و موعظه می‌شود، به یاد مرگ و آخرت می‌افتند برای مردگان دعا و طلب رحمت می‌کنند، در صحیح ترین قول زنان را از زیارت قب منع کرده است، چون زنان مردها را به فتنه می‌اندازند، و خودشان به فتنه می‌افتند صبرشان کم است و ناله و فریاد می‌کنند، از رحمت و نیکی خداوند به بندگانش این است که زیارت قبر را بر آنها حرام کرده است، این ممنوعیت یک نوع نیکی به مردها نیز می‌باشد، چون جمع شدن همه چه زن و چه مرد بر سر قبر باعث فتنه می‌شود، خداوند از روی رحمتش زنان را از زیارت قبر منع کرده است، اما نماز خواندن زنان بر میت هیچ اشکالی ندارد، زن اجازه دارد در نماز جنازه شرکت کند، و فقط زیارت قبر بر آنها ممنوع است، در صحیح ترین قول علماء زیارت قبر برای زنان ممنوع می‌باشد، چون احادیثی وجود دارد که بر منع دلالت می‌کند، اما اگر زن به زیارت قبر رفت کفاره‌ای بر او واجب نیست و فقط باید توبه کند⁽²⁾.

1- ابن ماجه (500/1، شماره 1569).

2- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 13، صفحه: 324).

س 24: حکم کسی که در یک سفر بیش از یک عمره انجام می دهد چیست، در هر مرتبه برای عمره به مسجد تعیم می رود و از آنجا احرام می بندد؟

ج: تکرار عمره برای کسی که به مکه آمده در یک زمان نزدیک به هم، از روش رسول الله ﷺ نبوده صحابه رضی الله عنهم نیز انجام نداده اند، اگر در این کار فضیلتی وجود داشت آنها سبقت می گرفتند در انجام آن؛ مشروع این است که کسی که کسیکه به عمره آمده است و مناسک عمره را انجام داده زیاد طواف خانه خدا را انجام دهد، قرآن را تلاوت کند، نماز بخواند صدقه بدهد و عبادت های دیگر انجام دهد، اگر کسی دوباره برای خودش یا برای شخصی که مرده یا برای کسی که از انجام عمره ناتوان هست به خاطر پیری یا مریضی که امید شفا در آن نیست عمره انجام دهد، هیچ اشکالی ندارد، اما نباید خود را دچار سختی کند یا برای دیگران نباید ایجاد مزاحمت کند، وقتی که خیلی شلوغ هست اینکار را نکند بهتر است و پیامبر ﷺ فرموده انجام یک عمره تا عمره بعدی کفاره بین آن دو می باشد، و حج مقبول هیچ پاداشی ندارد بجز بهشت و روایت شده است که رسول الله ﷺ به عایشه رضی الله عنها دستور داد که به تعیم برود بعد از اینکه از احرام حج بیرون آمده بود و اجازه داد که از تعیم برای عمره نیت کند⁽¹⁾.

س 25: شخص عمره گذاری قبل از طواف ابتدا سعی انجام داد، آیا باید سعی را بعد از طواف دوباره تکرار کند؟

ج: لازم نیست که سعی را دوباره انجام دهد، چون ابوداود در سننش با سند صحیح از اسامه بن شریک رضی الله عنه روایت کرده است که او گفت: «همراه رسول الله ﷺ به حج رفتم، مردم نزد ایشان می آمدند شخصی پرسید: یا رسول الله قبل از طواف سعی کردم یا یک چیز را زودتر و یا یک چیز را دیرتر انجام دادم، رسول الله ﷺ به همه جواب داد:

اشکال ندارد اشکال ندارد، مگر مردی که ناموس و شرف مسلمانی را لکه دار کرده بود که اشکال داشت و هلاک شد»⁽¹⁾⁽²⁾.

س 26: من و مادرم عمره انجام دادیم، وقتی که طواف را انجام دادیم مادرم احساس خستگی کرد و چون مریض و پیر هست وقتی که سعی می خواستیم انجام دهیم او را سوار ویلچر کردم و سوار بر ویلچر سعی انجام داد آیا این کار جایز است یا نه؟

ج: اینکه مادرت سوار بر ویلچر سعی بین صفا و مروه انجام داده اشکال ندارد؛ چون عذر دارد و برایش سخت بوده که خودش با پای خود سعی کند⁽³⁾.

س 27: وقتی کسی نیت عمره کرد و آن را انجام داد و بعد از تمام کردن طواف و سعی موی خود را کوتاه می کند تا از احرام بیرون بیاید، آیا می تواند فقط از یک قسمت سر مو را کوتاه کند یا باید از همه قسمت های سر مو بگیرد؟

ج: واجب این است که از همه قسمت های موی سر در هنگام تراشیدن یا کوتاه کردن آن بگیرد⁽⁴⁾.

س 28: اگر کسی این هفته عمره انجام داد و موی سر را تراشید سپس هفته بعدی دوباره عمره انجام داد؛ باید چکار کند؟ چون موی سرش کوچک است و شاید هنوز بیرون نیامده است.

ج: کسی که حج یا عمره انجام می دهد باید موی سر را بترشد یا کوتاه کند، اما اگر در سرش مو نباشد این واجب از او ساقط می شود، و حج و عمره اش صحیح است⁽⁵⁾.

1- أبو داود شماره (2015) در المناسك، باب فيمن قدم شيئاً قبل شيء في حجه، وإسناده جيد.

2- فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 321).

3- فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 321).

4- فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 327).

5- فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 327).

س 29: شخصی از طائف احرام عمره بست، بعد از اینکه عمره را انجام داد به شهر طائف بازگشت ولی موی خود را کوتاه نکرد مگر بعد از رسیدن به طائف، این کار را پنج سال قبل انجام داده است؟

ج: تراشیدن یا کوتاه کردن مو در حج یا عمره در هر جایی که باشد کفایت می‌کند⁽¹⁾.

س 30: شخص حاجی از مطار جدّه پیاده شد و به مدینه منوره رفت آیا باید از میقات مدینه، ذوالحلیفه (آبار علی) احرام ببندد؟

ج: اگر حاجی از مطار جدّه پیاده شد و قصد کرد که قبل از حج یا عمره از جدّه به مدینه منوره برود، بعد از اینکه زیارت خود را به مدینه پایان داد و خواست که به مکه برای ادای حج یا عمره برود، از میقات اهل مدینه که ذوالحلیفه است و امروزه به آبار علی معروف است احرام می‌بندد چون آن شخص حکم مردم مدینه را گرفته و رسول الله ﷺ فرموده: «این مواقیت برای مرد آنجاست و برای کسانی از غیر مردم آنجاست که از آن مسیر می‌آیند و قصد حج یا عمره را دارند» حدیث بر صحتش همه متفق علیه هستند⁽²⁾.

س 31: اگر کسی در آخرین روز ماه رمضان احرام ببندد، و به خانه خدا در شب اول شوال برسد، آیا این شخص می‌تواند حج تمتع انجام دهد یا نه؟

ج: اگر کسی در آخر ماه رمضان احرام ببندد و طواف و سعی انجام ندهد مگر در شب اول شوال، سپس از احرام بیرون بیاید و سپس حج آن سال را انجام داد این حجش تمتع به شمار نمی‌آید که بعد از عمره حج کرده باشد، چون در غیر از ماه‌های حج احرام عمره بسته است.

1- فتاوی اللجنۃ الدائمۃ (جزء: 10 صفحه: 204).

2- فتاوی اللجنۃ الدائمۃ (جزء: 10 صفحه: 94).

س 32: اگر کسی از جده احرام بسته و از میقات احرام نبسته بود به خانه خدا رفته و طواف خانه و سعی بین صفا و مروه انجام داده باشد و سپس به مدینه برود و وقتی دوباره به مکه برمی‌گردد از مدینه احرام ببندد و طواف خانه و سعی بین صفا و مروه انجام دهد، آیا این طوافش جای خونی که در عمره اولی بخاطر نبستن احرام بر او هست را می‌گیرد یا نه؟

ج: کسی که بعد از گذشتن از میقات احرام بست و عمره را انجام داد سپس به مدینه سفر و عمره دیگری را با احرام بستن از میقات اهل مدینه انجام داد این عمره دومی از او آنچه که در عمره اولی واجب بود را ساقط نمی‌کند؛ بخاطر اینکه در عمره اولی از میقات بدون احرام گذشته است و باید خون بدهد⁽¹⁾.

س 33: شخصی وفات نمود و یکی از خویشاوندانش نیت کرد که به جای او عمره انجام دهد آیا این عمره درست است، آیا اجر و ثواب این عمره به شخصی که وفات کرده می‌رسد؟

ج: انجام دادن عمره به جای شخصی که وفات کرده درست است، اما شخص عمره کننده باید خودش برای خود عمره کرده باشد، اگر عمره‌اش هیچ اشکالی نداشته باشد و قبول باشد ان شاء الله ثواب آن به مرده می‌رسد، علاوه بر عمره حج نیز بجای مرده درست است اگر که حج کننده خودش برای خود زودتر حج کرده باشد⁽²⁾.

س 34: آیا ذبحی که حاجی در مکه در روز نحر انجام می‌دهد جای حیوان قربانی که سایر مسلمان‌ها در روز عید به قصد قربانی انجام می‌دهند را می‌گیرد؟

ج: قربانی کردن روز عید یک چیز است و ذبح کردن حیوان برای حاجی در حج چیز دیگر، اگر حاجی در حج تمتع هست و می‌خواهد حیوانی را ذبح کند باید در منی یا در مکه در روزهایی که در حج به روزهای قربانی و نحر معروف هست این کار را

1- فتاوی‌اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 330).

2- فتاوی‌اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 76).

انجام دهد، چون مرد یا زن وقتی که در ماه‌های حج برای عمره احرام بست و حج تمتع انجام داد، یا حج قران انجام داد و برای هر دو یعنی عمره و حج لبیک گفت بر او قربانی کردن واجب است، باید یا یک گوسفند را قربانی کند یا در یک هفتم از سهم یک شتر یا گاو شریک شود، چون خداوند سبحانه و تعالی فرموده: ﴿فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾ [البقرة: 196]. «هر کس که عمره را قبل از انجام حج، ادا نماید، پس آنچه از قربانی میسر شد، (ذبح کند)» و چیزی که میسر هست یا یک گوسفند دو ساله است یا قوچ است یا یک هفتم از یک گاو یا یک هفتم از یک شتر می‌باشد، کسی که از دادن قربانی ناتوان هست باید ده روز روزه بگیرد، سه روز در ایامی که در حج هست که قبل از روز عرفه بهتر هست و هفت روز وقتی که برگشت به شهر خود، اما حیوانی که مردم غیر حاجی در روزهای عید و قربان ذبح می‌کنند در شهر و روستاها و آبادی‌های خود انجام می‌دهند یک سنتی است که در روزهای عید قربان انجام می‌دهند⁽¹⁾.

س35: آیا خریدن هدیه برای قوم و خویش و دوستان بعد از طواف وداع جایز هست؟

ج: خریدن اشیای عادی اشکال ندارد، خریدن لوازم ضروری و چیزهایی که در سفر به کار می‌آید اشکال ندارد⁽²⁾.

س36: آیا در ماه‌های حج، عمره باید همراه با حج باشد؟

ج: نه لازم نیست که حتماً با حج باشد، ولی بهترین ماه برای عمره ماه ذوالقعدة است که رسول الله ﷺ در این ماه عمره کرده است و ماه رمضان می‌باشد، انجام یک

1- فتاوی جناب مفتی (جزء: 1، صفحه: 102).

2- فتاوی نور علی الدرر (جزء: 18، صفحه: 198).

عمره کافی است و عمره در طول عمر فقط یک بار واجب هست و حج نیز یک بار در عمر واجب است، باقی عمره‌هایی که انجام می‌دهد برای شخص، سنت است⁽¹⁾.

س 37: آیا انجام دادن عمره در ماه رجب مزیتی بیشتر از دیگر ماه‌ها دارد؟

ج: گذشتگان امت در این ماه عمره می‌کردند و اشکال ندارد، روایت هست که عمره^ﷺ در ماه رجب عمره کرده است و ابن عمر نیز عمره کرده است، ابن سیرین گفته است که گذشتگان و سلف در این ماه عمره می‌کردند، همچنین ابن رجب^{رحمته} در کتاب اللطائف این را ذکر کرده است، ابن عمر روایت کرده است که رسول الله^ﷺ در ماه رجب عمره کرده است، اما در نزد علماء این مشهور است که رسول الله^ﷺ در ماه ذی القعدة عمره انجام داده است، تمام عمره‌های رسول الله در ذی القعدة بوده است؛ نزد علماء این معروف هست که عمره‌های پیامبر در ذی القعدة بوده نه در رجب، اما عمر و بعضی دیگر از صحابه^{رضی} در این ماه عمره کرده‌اند و بسیاری از علمای سلف این کار را کرده‌اند و اشکال ندارد⁽²⁾.

س 38: آیا می‌توانم با وجود توانایی که دارم فریضه حج را یک سال یا دو سال به تاخیر بیناندام، چون می‌خواهم به زیارت خانواده و همسرم بروم و اگر امسال به حج بروم تا دو سال دیگر نمی‌توانم آنها را ملاقات کنم؟

ج: هر وقت یک مسلمان توان انجام حج را داشت بر او واجب است که به حج برود، چون نمی‌داند که در آینده چه بر سر او می‌آید و آیا سال دیگر زنده هست یا نه، خداوند متعال فرموده: ((وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا))⁽³⁾ «حج این خانه برای الله بر کسی که توانایی رفتن به آنجا را دارد، واجب است» از رسول الله^ﷺ روایت شده که فرمود: «تَعَجَّلُوا إِلَى الْحَجِّ - يَعْنِي الْفَرِيضَةَ - فَإِنْ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي

1- فتاوی نور علی الدرر (جز: 17، صفحه: 144).

2- فتاوی نور علی الدرر (جزء: 17، صفحه: 167).

3- ال عمران: 97

ما يعرض له»⁽¹⁾⁽²⁾ «برای رفتن به حج - یعنی حج فرض - جله کنید، چون هیچ یک از شما نمی دانید که چه بر سرش می آید».

س 39: زنی عمره انجام داده، طواف و سعی کرده اما فراموش کرده که قصر انجام دهد، به خانه برگشته و غسل زده بوخوشی استفاده کرده بعد از گذشت دو هفته تقریباً بیاد آورد که موی سر خود را کوتاه نکرده است، بعد موی سر خود را کوتاه کرد حکم این کار چیست؟

ج: کاری که این زن انجام داده است درست و به خاطر فراموشی، تمام کارهایی که قبل از کوتاه کردن مو که در حالت احرام ممنوع هست را انجام داده معذور به حساب می آید. مگر اینکه قبل از تقصیر جماع کرده باشد که در اینصورت باید یک گوسفند ذبح کند و بین فقیران حرم توزیع نماید⁽³⁾.

س 40: مسافری که در ماه رمضان برای عمره می آید کدام کار برایش بهتر است؛ روزه بگیرد یا افطار بکند؟

ج: اولاً: برای مسافری که در ماه رمضان به عمره می آید سنت است که در سفر افطار نماید؛ چون خداوند به مسافر این اجازه را داده است، خداوند دوست دارد که کارهایی که اجازه داده است را انجام دهیم، همان طور که دوست ندارد به گناهان نزدیک شویم، اما اگر روزه بگیرد اشکال ندارد⁽⁴⁾.

س 41: پنج سال پیش من و فرزندم که کم سن بود به عمره آمدیم، دور و بر حرم و طواف خیلی شلوغ بود چون 26 ماه رمضان بود؛ دور خانه خدا طواف کردیم، اما نتوانستیم سعی انجام دهیم، به شهر جازان برگشتیم، بعد از عید خودم تنهایی

1- أحمد (313/1)، و بیهقی (340/4).

2- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 17).

3- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 209).

4- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 6، صفحه: 228).

بازگشتم و عمره را را انجام دادم، این را هم بگویم که من بعد از بازگشت در ماه رمضان به شهرم با همسر من نیز جماع کرده‌ام، یعنی قبل از اینکه عمره اولی را تمام کنم، الآن بر من و بر فرزندم چه چیزی واجب هست؟

ج: اولاً: فرزندت به خاطر اینکه عمره‌اش را تکمیل نکرده است بر او واجب است که دوباره ملابس احرام را ببندد و به مکه باز گردد و عمره‌اش را با سعی کردن بین صفا و مروه و تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر تکمیل کند،

دوماً: بر توی پدر واجب است که به مکه باز گردی و از آن میقاتی که در آن احرام برای عمره قبلی که با جماع آن را فاسد کرده ای دوباره از همانجا احرام ببندی، و عمره‌ات را بصورت کامل انجام دهی تا قضای عمره‌ای که فاسد کرده‌ای را انجام داده باشی.

علاوه بر این، بر تو واجب است که یک گوسفندی مانند گوسفندی که برای عید قربان ذبح می‌شود آن را ذبح کنی و بین فقرا حرم توزیع نمایی، اگر توان مالی ذبح کردن را نداری ده روز باید روزه بگیری⁽¹⁾.

س 43: خدمت شما عرض کنم که من نیت عمره کردم و بعد از تمام کردن هفت دور صفا و مروه، به خاطر سهل انگاری و بی دقتی و نه بخاطر فراموشی، موی سرم را کوتاه نکردم، سپس از لباس احرام بیرون آمده و به شهرم بازگشتم، آیا چیزی بر من واجب هست؟

ج: تراشیدن یا کوتاه کردن مو، یکی از واجبات عمره هست، جایز نیست که آن را ترک کنیم، بر تو واجب است که دوباره لباس احرام را بپوشی و سپس موی سر را بتراشی یا کوتاه نمایی، چون اینکار بر گردن تو باقی مانده، علاوه بر این کار بخاطر اینکه به عمد لباس دوخته شده را پوشیده‌ای باید فدیة نیز بدهی؛ یک گوسفندی را باید در مکه قربانی کنی و آن را بین فقیران حرم توزیع نمایی یا به شش مسکین حرم غذا بدهی که

سهم هر مسکین یک کیلو و نیم غذا می‌شود، و یا هم سه روز در هر جایی که می‌خواهی روزه بگیری، و شرط نیست که روزه در خود مکه باشد⁽¹⁾.

س 43: آیا با حج پذیرفته شده (حج مبرور) گناهان کبیره را نیز بخشیده می‌شود؟
ج: اولاً: در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من حج فلم يرفث ولم يفسق رجع كيوم ولدته أمه»⁽²⁾ «کسی که حج انجام دهد و جماع نکند و فسق و فجور انجام ندهد، گناهانش آمرزیده شده و مانند روزی که از مادر متولد شده، پاکیزه می‌شود». و در جایی دیگر رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «العمره إلى العمرة كفارة لما بينهما، والحج المبرور ليس له جزاء إلا الجنة»⁽³⁾ «انجام یک عمره بعد از عمره دیگر، کفاره گناهانی است که بین آنها رخ می‌دهد، و حج مقبول و پذیرفته شده هیچ پاداشی ندارد بجز بهشت» حج و اعمال نیک دیگر اگر بندگان این عبادت‌ها را به روش شرعی انجام دهند از اسباب بخشش گناهان می‌باشد، اما برای بخشش گناهان کبیره باید توبه کرد، چون در کتاب صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الصلوات الخمس، والجمعة إلى الجمعة، ورمضان إلى رمضان، مكفرات ما بينهن إذا اجتنبت الكبائر»⁽⁴⁾ «نمازهای پنجگانه، و جمعه تا جمعه دیگر، و رمضان تا رمضان دیگر، کفاره گناهانی است که بین آنها رخ داده است مادامی که از گناهان کبیره دوری کند» علمایی مانند امام ابن منذر رحمته الله و کسانی دیگر از اهل علم نظرشان این است که حج مقبول همه گناهان را می‌بخشد، چون از ظاهر این دو حدیث که ذکر شد چنین برداشت می‌شود⁽⁵⁾.

1- فتاوی اللجنه الدائمة (جزء: 10، صفحه: 357).

2- فتاوی اللجنه الدائمة (جزء: 10، صفحه: 357).

3- متفق علیه.

4- صحیح مسلم کتاب الطهارة باب الصلوات الخمس شماره «16» ص.

5- فتاوی اللجنه الدائمة (جزء: 11، صفحه: 13).

س 45: چه وقت تجارت در حج جایز می شود؟

ج: در موسم حج تجارت کردن جایز هست، امام طبری در کتاب تفسیرش با سند در مورد تفسیر آیه قرآن ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ﴾ «گناهی بر شما نیست که (در ایام حج با خرید و فروش) از فضل پروردگارتان (روزی) طلب کنید» از ابن عباس رضی الله عنه آورده: هیچ حرجی بر شما نیست که قبل از احرام و بعد از احرام خرید و فروش کنید⁽¹⁾.

س 45: حکم پوشیدن جوراب و طواف قدوم انجام دادن با آن حالت در ایام حج یا طواف کردن برای عمره چیست، آیا جوراب جزو لباس دوخته شده هست؟

ج: مردی که احرام حج یا عمره را بسته است برایش جایز نیست که جوراب بپوشد، اگر بخاطر مریضی و اموری دیگر مجبور به پوشیدن شد اجازه دارد اما باید فدیة بدهد، و فدیة این کار سه روز روزه گرفتن یا غذا دادن به شش مسکین است که برای هر مسکین باید نصف یک پیمانہ خرما یا مانند آن می دهد، و یا هم یک گوسفند را قربانی می کند⁽²⁾.

س 46: حج فرض را انجام می دادم، در یکی از شبها که در منطقه منی بودم جنب شدم و نتوانستم غسل بزنم، آیا چیزی بر من واجب هست؟

ج: جنب شدن در حالتی که لباس احرام حج یا عمره را پوشیده هیچ تاثیری بر حج یا عمره شخص نمی گذارد، آنها را باطل نمی کند، کسی که جنب شده است باید بعد از بیدار شدن از خواب غسل جنابت بزند، اگر منی ببیند؛ چون جنابت امری اختیاری نیست⁽³⁾.

1- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 11، صفحه: 13).

2- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 11، صفحه: 184).

3- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 11، صفحه: 189).

س 47: آیا درست است که در هنگام حج زن قرص‌های ضد عادت ماهیانه استعمال کند؛ آیا زن اجازه دارد که به یک مرد که محرمش نیست بچسبد و به کسانی از مردان که همراه او هستند دست بزند، چون شلوغ هست و می‌ترسد که گم شود؟

ج: زن اجازه دارد که در هنگام انجام مناسک از قرص‌های ضد عادت ماهیانه استفاده کند،

- زن اجازه دارد هنگامی که حج یا جاهای دیگر شلوغ هست لباس و عبا و پوشش دیگر مردی که محرمش نیست را بگیرد، تا به اینوسیله خود را از شلوغی نجات دهد⁽¹⁾.
س 48: آیا بالا رفتن به جبل الرحمه مکمل وقوف در صحرای عرفه هست، آیا این کار دلیلی از سنت دارد؟

ج: از رسول الله ﷺ هیچ روایت ذکر نشده که به بالا رفتن از کوه عرفات تشویق مرده باشد، کوهی که بین مردم به جبل الرحمه معروف هست، خود رسول الله نیز بالا نرفته‌اند، آن را در حج جایی برای عبادت خود قرار نداده است، رسول الله ﷺ فرموده‌اند: «خذوا عني مناسککم»⁽²⁾ «مناسک حج خود را از من بیاموزید» و خلفای راشدین و صحابه کرام کسانی که پیروان واقعی رسول الله بوده‌اند نیز اینکار را نکرده‌اند، در حج از این کوه بالا نرفته‌اند و آن را جایی برای عبادت قرار نداده‌اند، از رسول الله ﷺ پیروی کرده‌اند، چیزی که از رسول الله ثابت شده این است که ایشان در پایین جبل الرحمه کنار صخره‌های بزرگ ایستاده‌اند و فرموده: «وقفتها هنا وعرفة كلها موقف، وارفعوا عن بطن عرنة»⁽³⁾ «من اینجا ایستادم و تمام عرفه موقف و محل ایستادن است و از وادی عرنة بالاتر بایستید» به همین سبب بسیاری از علما نظرشان این است که: اگر

1- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 11، صفحه: 191).

2- قبلا تخریح شد.

3- مسلم روایت کرده، قسمتی از حدیث طولانی جابر.

بالا رفتن از جبل الرحمه به قصد عبادت باشد این کار یک بدعت به شمار می آید، از جمله این علما امام نووی و شیخ الاسلام ابن تیمیه و شیخ صدیق حسن خان می باشند، پس نباید راه بالا رفتن به کوه را وسیع کرد و نباید آن برای بالا رفتن به آن راه درست کرد، چون با اینکار یک بدعتی را تایید کرده ایم، و راه را برای کسانی که این بدعت را انجام می دهند هموار کرده ایم، رسول الله ﷺ فرموده اند: «کسی که کاری را انجام دهد که دستور ما بر آن نیست آن کار مردود و باطل هست»⁽¹⁾ از رسول الله ﷺ ثابت نشده است که حتی در عرفات نماز سنت خوانده باشد، بلکه فقط نماز ظهر و عصر را در مسجده نمره به صورت قصر و جمع خوانده است، و برای خود بالای جبل الرحمه جایی برای نماز قرار نداده است که از کوه بالا رفته باشد و نماز فرض یا سنت را در روز عرفات آنجا خوانده باشد، بلکه ایشان بعد از نماز ظهر و عصر مشغول به ذکر و تسبیح و لا اله الا الله گفتن و تکبیر و لبیک و دعا و زاری به درگاه الله بود تا اینکه خورشید غروب کرد.

قرار دادن جایی برای نماز و عبادت بر فراز جبل الرحمه که اگر کسی بالا رفت، آنجا نماز بخواند از کارهای بدعتی است که بعضی از انسان های نا آگاه آن را انجام می دهند، باید جایگاه نمازی که فعلا وجود دارد را برداشت، نه به این خاطر که راه وسیع تر شود بلکه بخاطر مبارزه با بدعت، و تا اینکه اهل فریب و نیرنگ نتوانند حاجیان را فریب دهند، راه افرادی که به طمع بدست آوردن اموال حاجیان آنها را تشویق به بالا رفتن به کوه و نماز خواندن در آنجا می کنند بسته شود، باید مردم بدانند که این نمازخانه ای که در بالای کوه مشخص کرده اند حکم مسجد را نمی گرد⁽²⁾.

س 49: حکم لبیک گفتن دسته جمعی حاجیان چیست؟ یک نفر لبیک می گوید و بقیه به او جواب می دهند؟

1- قبلاً تخریح شد.

2- فتاوی اللجنه الدائمة (جزء: 11، صفحه: 207).

ج: این کار جایز نیست، چون از رسول الله ﷺ و از خلفای راشدین رضی الله عنهم ثابت نشده است بلکه این کار بدعت به شمار می آید⁽¹⁾.

س 50: چه زمانی شخصی که احرام بسته لبیک گفتن را قطع می کند؟

ج: اگر احرام برای عمره بسته است، زمانی که شروع به طواف کرد لبیک گفتن را قطع می کند، اما اگر برای حج احرام بسته است به لبیک گفتن ادامه می دهد تا اینکه رمی جمره عقبه را انجام دهد، بعد از رمی جمرات صبح روز عید لبیک را قطع می کند و شروع به تکبیر گفتن عید می کند⁽²⁾،

س 51: آیا هنگام وارد شدن به مکه باید غسل بزنیم؟

ج: هنگامی که شخص محرم به مکه رسید مستحب هست که قبل از ورود غسل بزند، چون رسول الله ﷺ این کار را انجام داده است⁽³⁾.

س 52: آیا باید در هنگام سعی و طواف در حالت وضو و طهارت باشیم؟

ج: باید در هنگام طواف در حالت طهارت باشیم، چون طواف حکم نماز را دارد، ابن عباس رضی الله عنهما فرموده است: طواف خانه خدا نماز هست اما خداوند صحبت کردن را در آن مباح قرار داده است، ام المومنین عایشه رضی الله عنها می گوید: زمانی که پیامبر علیه الصلاة والسلام وارد مکه شد و به مسجد الحرام رفت ابتدا وضو گرفت و بعد طواف کرد، پس طواف خانه خدا نماز هست باید شخص در حالت وضو باشد، سپس طواف کند، اما در سعی وضو لازم نیست، اما اگر در هنگام سعی بین صفا و مروه با وضو باشد این کار بدون شک بهتر می باشد، اما اگر بدون وضو سعی انجام داد هیچ اشکال ندارد⁽⁴⁾.

1- فتاوی اللجعة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 358).

2- فتاوی اللجعة الدائمة (جزء: 16، صفحه: 173).

3- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 16، صفحه: 60).

4- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 494).

س 53: کسی که در اثنای طواف وضویش باطل شد و رفته دوباره وضو گرفته و مابقی طوافش را بعد از وضو کامل کرده حکم این کارش چیست، آیا این کار درست است، من زیاد وضویم باطل می‌شود و نمی‌توانم برای مدت طولانی وضویم را نگهدارم؟

ج: کسی که در اثناء طواف وضویش باطل می‌شود کل طوافش باطل می‌شود، باید وضو بگیرد و طواف را از اول شروع بکند و درست نیست که بعد از وضو آن دورهایی که قبل از باطل شدن وضو انجام داده را به حساب بیاورد و ادامه آن را انجام دهد بلکه باید از ابتدا شروع کند⁽¹⁾.

س 54: مردی در شلوغی مشغول طواف افاضه بود با بدن زنی بیگانه که محرّمش نبوده برخورد کرده است؛ اگر قیاس بر وضو بگیریم آیا طوافش باطل شده و باید از اول شروع کند؟

ج: در صحیح ترین رای علما، لمس کردن بدن زن در حال طواف یا در شلوغی در هر جایی که باشد به طواف ضرر نمی‌رساند و وضو را نیز باطل نمی‌کند، در مورد لمس کردن زن که آیا وضو را باطل می‌کند یا نه چندین دیدگاه وجود دارد؛ گفته شده: اصلا وضو را باطل نمی‌کند و گفته شده: در همه صورت وضو را باطل می‌کند و گفته شده: اگر با شهوت باشد وضو را باطل می‌کند، قول راجح این است که اصلا وضو را باطل نمی‌کند، اگر مردی به یک زن دست زد، یا او را بوسید صحیح ترین نظر این است که وضویش باطل نمی‌شود، چون رسول الله ﷺ بعضی از زنانش را بوسیده و نماز خوانده و دوباره وضو نگرفته است، چون اصل این است که وضو درست است و طهارت از بین نرفته است، پس درست نیست که بگوئیم چیزی وضو را باطل می‌کند مگر اینکه دلیل داشته باشیم که بر این دلالت کند که وضو با دست زدن به زن، باطل می‌شود، اما آیه قرآن که خداوند فرموده: ﴿أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ﴾ [المائدة: 6]. «یا با زنان تماس گرفته و

آمیزش انجام داده باشید» صحیح ترین تفسیر آن این است که منظور جماع می باشد، در قراءت دیگر این آیه آمده است: ﴿أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ﴾ [المائدة: 6]. پس منظور جماع می باشد، نظر ابن عباس و کسانی دیگر بر این است، و منظور از آن فقط لمس و دست زدن به زنان نیست که ابن مسعود^(ع) رای و نظرش این است که با لمس وضو باطل می شود، بلکه درست این است که منظور جماع می باشد، همانطور که ابن عباس و گروهی دیگر گفته اند، بر همین اساس فهمیده می شود که اگر کسی بدن زنی را در طواف لمس کند طوافش صحیح هست و همچنین اگر به زن خود دست زد یا او را بوسید باز هم وضویش درست است به شرط اینکه چیزی از او خارج نشود⁽¹⁾.

س 55: آیا درست هست که هنگام طواف سوار بر چیزی شد؟

ج: افضل این است که پیاده طواف کرده شود، اما اگر کسی بخاطر مشکلی مانند بیماری یا شخصی اگر بخاطر راهنمایی کردن و جواب دادن به سوال های مردم یا بخاطر اینکه مردم مانند او انجام دهند بصورت سواره طواف کرد اشکال ندارد و اگر کسی بدون هیچ عذری نیز سواره طواف کند باز هم جایز هست و مکروه نیست. ولی خلاف اولی عمل کرده است⁽²⁾.

س 56: اگر کسی در آخرین روز ماه شعبان و قبل از دیدن هلال ماه رمضان احرام بست و عمره خود را به تاخیر انداخت و بعد از اینکه ماه رمضان شروع شد طواف خود را انجام داد آیا عمره اش در رمضان به حساب می آید؟

ج: باید کل امور عمره اش از احرام تا تمام شدن عمره در رمضان باشد، اگر کسی قبل از غروب خورشید آخرین روز شعبان احرام عمره بست و عمره اش را در رمضان انجام داد عمره اش در رمضان به حساب نمی آید؛ کسی که می خواهد این اجر نصیبش شود باید از میقات زمانی که ثابت شد در رمضان داخل شده است احرام ببندد،

1- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 29، صفحه: 87).

2- فتاوی ابن عثیمین (جزء: 24 صفحه: 100).

همچنین در آخر ماه اگر انسان قبل از غروب آخرین روز رمضان احرام بست و بقیه کارهای عمره را در شب عید انجام داد باز هم عمره اش در رمضان به حساب نمی آید⁽¹⁾.

س 57: آیا کسی که دور کعبه شریف طواف می کند باید پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز بخواند یا در هر جایی از حرم نماز بخواند درست است؟

ج: واجب نیست که طواف کننده پشت مقام ابراهیم نماز بخواند، ولی اگر شلوغ نبود اجازه دارد که نماز بخواند، اگر در هر جایی از مسجد الحرام و حرم نماز بخواند باز هم قبول هست و کفایت می کند، و نباید برای کسانی که در حال طواف هستند به خاطر خواندن دو رکعت نماز پشت مقام ایجاد مزاحمت کند، بلکه شایسته است از جاهای شلوغ فاصله بگیرد و در جایی دیگر از مسجد الحرام نماز بخواند، چون امیر المومنین عمر رضی الله عنه دو رکعت نماز سنت را در بعضی از طواف های عمره ای که انجام داده در منطقه ذی طوی انجام داده است، این منطقه جزو حرم هست اما بیرون از مسجد الحرام قرار دارد، ام المومنین ام سلمه نیز بیرون از مسجد الحرام نماز خوانده است، ظاهراً این کارشان به سبب شلوغ بودن اطراف حرم بوده است، یا می خواسته با این کار نشان دهد که در این مورد از نظر دین راحتی و وسعت قرار دارد و هر جایی نماز خوانده شود اجازه هست⁽²⁾.

س 58: حکم کسی که دو رکعت طواف را فراموش کرده و آن را بعد از سعی بین صفا و مروه انجام داده است چیست؟

ج: اشکال ندارد، دو رکعت نماز طواف سنت می باشد، اگر آن را نخواند طوافش صحیح هست، حج و عمره اش درست است، اما نماز خواندن طواف جزو سنت موكده هست، نباید به عمد آن را ترک کرد؛ بلکه شایسته است که بر آن محافظت کنیم و در

1- فتاوی شیخ ابن عثیمین.

2- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 229).

صورت امکان پشت مقام ابراهیم آن را بخوانیم، یا در داخل مسجد الحرام و اگر در بقیه حرم انجام داد باز هم درست هست، اگر بعد از سعی انجام دهد باز هم درست است و کفایت می‌کند⁽¹⁾،

س 59: حکم شک کردن در تعداد دور طواف چیست، که آیا کامل کرده یا کم انجام داده و یا زیادی انجام داده؟

ج: شک کردن در طواف مانند شک کردن در نماز می‌باشد، اگر شک کرد که آیا دو دور یا سه دور طواف کرده، آن را دو دور قرار می‌دهد، اگر شک کرد که سه دور یا چهار دور انجام داده آن را بر سه دور قرار می‌دهد، و اگر شک کرد که آیا شش دور یا هفت دور انجام داده آن را دور ششم قرار می‌دهد و طواف هفتم را انجام می‌دهد، یعنی کار را بر چیزی که به آن یقین دارد استوار می‌کند و دور هفتم را انجام می‌دهد تا یقینش کامل شود، این چیزی است که بر او واجب هست⁽²⁾.

س 60: من و خانواده ام به همراه دو ستم با خانواده اش از میقات احرام بستیم، در بین راه برایمان مشکلی پیش آمد که مجبور شدیم برگردیم و عمره مان را تکمیل نکردیم، در زمان نیت کردن برای عمره شرط نکرده بودیم که: «إن حبسني حابس فمحلي حيث حبستني». «اگر چیزی ما را نگه داشت از ادامه عمره محل بیرون آمدن از احرام همانجایی است که ما نگه داشته شدیم» بر ما چه چیزی واجب است که ادا کنیم چون از احرام بیرون آمده ایم و عمره را تکمیل نکرده ایم؟ اگر خون دادن بر ما واجب هست آیا می‌توانیم در جایی که زندگی می‌کنیم حیوان را قربانی کنیم؟

1- فتاوی نور علی الدرر (جزء: 17، صفحه: 466).

2- فتاوی نور علی الدرر (جزء: 17، صفحه: 460).

ج: همه شما باید بازگردید و دوباره عمره را انجام دهید به خاطر این کارت‌ان توبه کنید، اگر کسی از شما جماع کرده است باید حیوانی ذبح کند آن را بین فقراى مکه توزیع نماید، باید عمره‌اش را قضا کند؛ چون عمره اولی با جماع کردن فاسد شده است، واجب است که عمره‌اش را کامل کند و قضای آن را بجا آورد، کسی که جماع کرده باید از همان میقاتی که بار اول احرام بسته است دوباره احرام ببندد، اما اگر لباس دوخته شده پوشیده و بوخوشی استفاده کرده اگر از روی نا آگاهی و فراموشی این کار را انجام داده است چیزی بر او واجب نیست، اما اگر به عمد و با آگاهی به حکم شرعی آن، این کار را انجام داده است باید فدیة دهد، به شش مسکین غذا دهد، برای هر مسکین یک پیمانه از غذای شهر بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفندی را قربانی کند، در مقابل هر کار ممنوعی که انجام داده باید فدیة بدهد کارهای ممنوعی مانند پوشیدن لباس دوخته شده یا پوشاندن سر، بوخوشی زدن، کوتاه کردن ناخن یا تراشیدن موی بغل و موی زیر کوتاه کردن سبیل و باید از این کارهایی که در این مدت کرده توبه کند⁽¹⁾.

فصل سوم:

سوال‌های مربوط به زنان

س 1: بر اساس سالگرد تولد روزانه، (شمسی) دختری فقط یک ماه مانده که 15 سالش کامل شود، هنوز عادت ماهیانه نیز نشده است، حج را انجام داده و بعد از دو ماه از گذشت حج که انجام داده عادت ماهیانه شده است، آیا حج اسلام را به جا آورده است؟

ج: اگر این دختر که ذکر کردی قبل از صبح روز عید قربان به سن بلوغ برسد، یعنی یا جنب شود و آب را ببیند یا موی سفتی اطراف شرمگاه بیرون بیاید، حجبی که انجام داده حج اسلام به شمار می‌آید، اما اگر هیچ علامتی که نشانه بلوغ باشد را نبیند، باید دوباره حج را انجام دهد، چون حج اولی قبل از رسیدن به سن بلوغ بوده است و جای حج فرض را نمی‌گیرد⁽¹⁾.

س 2: تقریباً شش سال پیش به عمره رفته‌ام، در حین طواف عادت ماهیانه شدم، به طواف ادامه دادم و سعی کردم و عمره‌ام را تکمیل کنم، من می‌دانسم که طواف خانه خدا در آن حالت درست نیست، ولی من فکر کردم که عمره‌ام به مجرد عادت شدن فاسد شده است، و چون عمره‌ام فاسد شده است احرام نیز از بین می‌رود، من بعد از مدتی از این قضیه ازدواج کردم، حکم چیست؟ جزاکم الله خیرا.

ج: اگر قصه همانگونه که خودت گفته‌ای باشد عقد ازدواج شما صحیح نیست، چون تو از احرام بیرون نیامده بودی و عقد کرده‌ای، واجب است که از همبستری با

شوهرت دوری کنی و به مکه باز گردی و طواف و سعی انجام دهی و موی سر را کوتاه کنی، تا عمره‌ای را که به وسیله جماع فاسد کرده‌ای را تمام کنی، سپس دوباره به همان میقاتی که بار اول از آن احرام بسته‌ای باز گردی و احرام ببندی تا قضای عمره‌ای که فاسد شده است را به جا بیاوری، و اگر در طول این مدت عقد ازدواج بسته‌ای باید دوباره عقد ببندی، باید خون نیز بدهی، یک گوسفند مانند گوسفندی که در حج ذبح می‌شود را در مکه قربانی کنی و بین فقرا ی حرم توزیع کنی⁽¹⁾.

س 3: در ماه رمضان عمره کردم و طواف خانه خدا را انجام دادم و در هنگام سعی احساس کردم که خون حیض کمی از من جاری شده، سعی خود را به اتمام رساندم، وقت نماز ظهر داخل شده بود، وارد حرم شدم و نماز ظهر را خواندم، آیا عمره‌ام صحیح می‌باشد، همچنین نماز ظهری که خوانده‌ام؟

ج: در مورد سعی شرط نیست که در حالت طهارت و وضو انجام شود بدون وضو نیز درست است اما اگر با طهارت انجام شود بهتر هست، الحمدلله در سعی شرط نیست که بر وضو و طهارت انجام شود، درست است که وضو داشتن بهتر است اما اگر مرد یا زنی بدون طهارت و وضو سعی انجام دهند اشکال ندارد، در طواف شرط است که در حالت طهارت و وضو باشیم و بدون وضو طواف درست نیست، اما اگر در آن حالت نماز خوانده‌ای و تو مطمئن هستی که خون حیض آمده نمازت درست نمی‌باشد، اگر خون عادت ماهیانه بوده باید بعد از پاکی دوباره نمازی را که در آن حالت خوانده‌ای را بخوانی، اما اگر خون عادی بوده آن را پاک کن و وضو بگیر و دوباره نمازت را بخوان، اگر خون حیض بوده، این مسأله باز می‌گردد به قضیه قضای نمازی که در حالت پاکی بودی و وقت آن داخل شده و سپس حیض شده‌ای، اگر بعد از پاکی قضای آن را به جای بیاوری بهتر است، و الا لازم نیست که قضای آن را به جای

بیاوری، چون آمدن خون حیض مانع نماز خواندن می شود، و الحمدلله قضایی در آن نیست، اما اگر از روی احتیاط قضای آن را بجای بیاوری اشکال ندارد⁽¹⁾.

س 4: شخصی می پرسد: حکم استفاده از قرص های ضد حاملگی برای زن در ماه رمضان و ایام حج چیست، تا زن بتواند عبادتهایش را انجام دهد؟

ج: اگر قرص ها کاملاً خون را قطع نمی کند طواف درست نمی باشد، چون خون کم و زیاد در عادت ماهیانه فرقی نمی کند و حکمش یکی هست⁽²⁾.

س 5: برای زنی که دچار عذر شرعی شده آیا زمان مشخص و محدودی وجود دارد تا طواف افاضه را انجام دهد؟

ج: مدت و زمان مشخصی وجود ندارد، هر زمانی که پاک شد طواف می کند، الحمدلله و اگر طول بکشد هم اشکال ندارد ولی تا قبل از انجام دادن طواف افاضه اگر به تاخیر افتاد نباید با شوهرش نزدیکی کند⁽³⁾.

س 6: اگر زنی که به حج آمده در ایام حج در حرم دچار عادت ماهیانه شد چکار باید انجام دهد؟

ج: اگر بعد از طواف افاضه دچار حیض شده حبش کامل است، و لازم نیست که طواف وداع انجام دهد، اگر از مکه بیرون رفت و هنوز عادت بود یا خون زایمان داشت، طواف وداع از او ساقط می شود. اما اگر قبل از انجام طواف افاضه دچار حیض شد، باید در مکه بماند تا در مکه طواف افاضه را نیز انجام دهد، اشکال ندارد که زن در حالت حیض یا نفاس در صحرای عرفه بایستد یا رمی جمرات انجام دهد، یا در مزدلفه یا منی بنخوابد.

1- (فتاوی شیخ ابن باز) جزء: 29 صفحه: 117).

2- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 16، صفحه: 90).

3- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 17، صفحه: 489).

در حالت حیض فقط ممنوع است که طواف انجام دهد، اما بقیه کارهای حج اجازه دارد که در حالت حیض یا نفاس انجام دهد، -الحمدلله- باید طواف نکند تا اینکه پاک شود، چون طواف به مانند نماز می باشد، و اگر قبل از سفر عادت ماهیانه شود طواف وداع از او ساقط می شود؛ ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: «رسول الله ﷺ به مردم دستور دارد که آخرین کارشان قبل از سفر، طواف وداع باشد، اما از زنی که حیض شده این حکم را ساقط کرد»⁽¹⁾ زنی که در حالت خون زایمان یعنی نفاس هستند نیز همین حکم را دارند⁽²⁾.

س7: اگر زن نقاب یا برقع بزند و فقط یک طبقه از طبقه حجاب را روی خود انداخته باشد آیا چیزی بر او هست یا فقط کاری که از آن نهی شده را انجام داده است؟

ج: برای زن جایز نیست که نقاب بپوشد، اگر چه که یک چیزی را قرار داده باشد که مانع از چسبیدن به صورت شود، چون تمام فرمایشات رسول الله در این مورد دلالت بر نهی از این کار می کند⁽³⁾،

س8: آیا زن اجازه دارد که در طواف و سعی بصورت شتاب و هروله راه برود؟
ج: اجماع علما بر این است که تند راه رفتن در حین طواف برای زنان وارد نشده است، همچنین در حین انجام سعی، و آنها اضطباع را نیز انجام نمی دهند، چون در سریع راه رفتن و اضطباع بدن نمایان می شود، و برای زن چنین کاری درست نیست، بلکه زن باید خود را بپوشاند، و در حالت شتاب رفتن و احرام را به صورت اضطباع پوشیدن، ستر از بین می رود⁽⁴⁾.

1- بخاری و مسلم روایت کرده اند.

2- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 17، صفحه: 493).

3- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 17، صفحه: 493).

4- اللجنة الدائمة (شماره فتوی: 8820 جزء: 11 صفحه: 227).

س 9: زنی عادت ماهیانه داشت، ترسید که اگر احرام عمره ببندد خانواده اش را معطل می کند چون نمی دانست که اگر پاک شود آیا خانواده اش می مانند یا نه، بعد از پاکی قصد عمره کرد باید از کجا احرام ببندد، آیا باید از میقات احرام ببندد یا به نزدیک ترین جا خارج از محدوده حرم برود و نیت احرام کند؟

ج: کسی که نیت احرام بستن برای عمره را دارد و در مکه هست باید از منطقه حرم خارج شود و خارج از حرم احرام ببندد، چون رسول الله ﷺ به ام المومنین عایشه رضی الله عنها وقتی که قصد انجام عمره را داشت دستور داد که به همراه برادرش از منطقه حرم در مکه خارج شود و از منطقه تعیم احرام ببندد، کسی که نیت عمره کرد و خارج از حرم هست از همانجایی که هست احرام می بندد⁽¹⁾.

س 10: آیا برای زن جایز هست که در مسجد الحرام یا در سعی و یا در اثناء طواف صورت خود را نمایان کند؟

ج: جایز نیست، بلکه باید حجاب خود را در حین طواف و سعی و در تمامی اوقاتی که مردان نامحرم اطراف او هستند، به صورت کامل رعایت کند، اما اگر نامحرم اطرافش نباشد صورت خود را نمایان کند اشکال ندارد، اجازه دارد که در نماز صورت خود را نمایان کند، اما اگر در طواف و سعی نامحرم باشند باید حجاب را کامل کند، در هر جایی که مرد نامحرم اگرچه که یک مرد نامحرم باشد نیز باید صورت خود را بپوشاند، خداوند متعال فرموده: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَعًا فَسَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 53]. «و هنگامی که چیزی (از وسایل زندگی به عاریت) خواستید، پس از آنان (زنان پیامبر) از پشت پرده بخواهید، این (کار) برای دل های شما و دل های آنان پاکیزه تر است» در آیه ای دیگر خداوند فرموده: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ﴾

[النور: 31]. الی آخر آیه «و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان»، و صورت زن بزرگترین زینت هست⁽¹⁾.

س 11: خانمی می پرسد: در هنگام طواف و سعی و بوسیدن حجرالاسود صورتم نمایان شد، مردان نامحرم نیز دور و برم بودند، من از حرم بیرون رفتم و فقط یک بار به حرم رفته ام؟

ج: باید توبه و استغفار نماید و الحمدلله، واجب است که در هنگام طواف و سعی وقتی نامحرم هست صورت خود را بپوشاند، اما چون این کار که از این زن رخ داده از روی ناآگاهی بوده باید توبه و استغفار کند، و سعی و طوافش صحیح می باشد⁽²⁾.

س 12: اگر از زنی که در احرام است بدون اراده موی سرش بریزد باید چکاری انجام دهد؟

ج: اگر شخصی که احرام بسته -چه زن و چه مرد- در هنگام وضو گرفتن یا غسل زدن به خاطر دست کشیدن به سرش، موی سرش بریزد هیچ عیبی در حج و احرامش به وجود نمی آید، همچنین اگر موی ریش و سبیلش بیفتد یا اگر ناخنش بیفتد هیچ ضرری به حج و عمره اش نمی رسد، البته نباید به عمد اینکار را انجام دهد، ممنوع این است که انسان به عمد موی سر خود را بکند یا ناخن خود را در حالت احرام بگیرد، همچنین زن نیز نباید به عمد چیزی را بکند اما اگر از روی غیر عمد چیزی از مویش بیفتد، این موهای جدا شده ای است که غیر ازادی می افتد⁽³⁾.

س 13: زنی عادت ماهیانه داشت اما با این وجود در حالی که آگاهی داشت به حرم رفته و نماز خوانده، حکم این کارش چیست؟

1- فتاوی نور علی الدرر (جزء: 17، صفحه: 498).

2- فتاوی نور علی الدرر (جزء: 17، صفحه: 499).

3- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 17 صفحه: 113).

ج: این زن با رفتن به حرم شریف و نماز خواندنش با مردم، در حالی که عادت ماهیانه یعنی حیض دارد و می‌داند که که نباید این کار را بکند با اینکار دچار یک منکر بسیار بزرگی شده است، از دو جهت: اول اینکه: اصلاً نمازش درست نیست و کسی که دچار این بی‌وضوئی یعنی حیض شده اصلاً نباید نماز بخواند، این کارش منکر بزرگی است و نماز باطل می‌باشد،

جهت دوم اینکه: وقتی که این زن عادت هست اجاز ندارد که وارد مسجد الحرام شود و در مسجد بشیند، زن حائض و شخص جنب اجازه ندارند که در مسجد بنشینند، اما گذشتن از مسجد در موقع ضرورت اشکالی ندارد، یعنی حتی نشستن در مسجد برای زن حائض و شخص جنب درست نیست، چه برسد به اینکه در مسجد نماز نیز بخوانند، این زن که در حالت حیض به مسجد رفته و نماز خوانده است کارش بسیار زشت و ناپسند است، نباید این کار را انجام دهد، باید در خانه بماند و به مسجد نیاید تا اینکه از حیض پاک شود، وقتی که از حیض پاک شد اگر خواست با خواهرانش به مسجد می‌رود، اما اینکه در حالت حیض به مسجد رفته و آنجا نماز خوانده تمامی این کارهایش منکر می‌باشد، نماز خواندن در حالت حیض و حالت‌های دیگر ناشی از بی‌وضوئی بزرگ (حدث اکبر یا غسل) و یا بی‌وضوئی کوچک (حدث اصغر؛ منظور وضوست) باطل می‌باشد، رسول الله فرموده: «لَا تُقْبَلُ صَلَاةٌ بِغَيْرِ طَهْوَرٍ، وَلَا صَدَقَةٌ مِنْ غُلُولٍ»⁽¹⁾⁽²⁾. «نماز بدون وضو درست نیست و صدقه از مال دزدی درست نیست».

س 14: زنی که در حالت حیض هست باید چگونه نیت احرام کند قبل از رفتن به عمره؟

1- رواه مسلم - باب وجوب الطهارة للصلاة 204/1.

2- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 29، صفحه: 114).

ج: اگر زنی به عمره یا حج می‌رود و به میقات در حالت حیض می‌رسد، در آنجا غسل می‌زند و نیت دخول در عبادت را می‌کند و محرم می‌شود، وارد مکه می‌شود، اما طواف انجام نمی‌دهد تا اینکه پاک شود و غسل بزند، اگر از میقات بدون احرام عبور کرد؛ به میقات باز می‌گردد و نیت می‌کند و از آنجا احرام می‌بندد، فرقی نمی‌کند، چه قبل از پاکی و چه بعد از پاکی می‌تواند این کار را بکند، به مسجدالحرام باز می‌گردد و بعد از پاکی و غسل طواف می‌کند⁽¹⁾.

س 15: لباس زن در حالت احرام باید چگونه باشد؟

ج: زن لباس خاصی ندارد، اگر با همان لباس عادی که بر تن دارد احرام ببندد درست است، ولی شایسته است که لباسی را بپوشد که جلب توجه ننماید، باعث شهرت نشود در آن زینتی که جلب توجه نماید به کار برده نشده، باید یک لباس ساده باشد⁽²⁾.

س 16: آیا زن اجازه دارد در حالت احرام از برقع استفاده کند؟ آیا زن اجازه دارد در حالت احرام از بو خوشی استفاده کند، آیا پوشیدن طلا برای زنی که احرام بسته است جایز هست؟

ج: پوشیدن برقع برای زنی که احرام بسته جایز نیست، چون رسول الله ﷺ فرموده: «ولا تنتقب المرأة، ولا تلبس القفازین» (به روایت بخاری).

«و زن نقاب نمی‌زند و دست کش نمی‌زند» اگر کسی از روی ناآگاهی از برقع استفاده کرد و نمی‌داند که حرام هست هیچ گناهی ندارد و حجتش صحیح می‌باشد. شخصی که احرام بسته اجازه ندارد بعد از احرام از بوخوشی استفاده کند، فرقی نمی‌کند که مرد باشد یا زن، رسول الله ﷺ فرموده: «ولا تلبسوا شیئاً من الثياب مسه الزعفران

1- فتاواى مفتى (صفحة 24).

2- فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 257).

أَوِ الْوَرَسِ»⁽¹⁾ «لباسی که به آن زعفران و رنگ زرد گیاه ورس زده شده را نپوشید» ام المومنین عایشه رضی الله عنها فرموده: «به رسول الله صلی الله علیه و آله به خاطر احرام بستنش بو خوشی زدم و به خاطر بیرون آمدن از احرام قبل از اینکه طواف کند بو خوشی زدم»⁽²⁾، و رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد شخصی که در حالت احرام وفات کرده بود فرمود: «لا تمسوه طیباً»⁽³⁾. «به او بو خوشی نزنید».

- زن اجازه دارد که احرام ببندد در حالی که دستبند طلا یا انگشتر طلا و مانند این را پوشیده، ولی از نظر شرعی باید آنها را از دید نامحرم پنهان نگه دارد، تا فتنه بوجود نیاید⁽⁴⁾.

1- صحیح بخاری باب ما ينهى من الطيب للمحرم والمحرمة 15/3.

2- قبلاً تخريج شد.

3- متفق علیه صحته.

4- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 191).

فصل چهارم:

سوال‌های مربوط به نماز و روزه

س 1: کسی که به خاطر ناتوانی روی کرسی می‌نشیند و نماز می‌خواند آیا باید بین رکوع و سجودش از لحاظ گذاشتن دو دست و کج شدن فرق وجود داشته باشد یا در این مورد راحتی وجود دارد، لطفاً ما را راهنمایی کنید جزاکم الله خیراً؟

ج: برای کسی که بر روی زمین نماز می‌خواند یا بر روی کرسی واجب است که سجودش را پایین‌تر از رکوعش قرار دهد، سنت است که در حال رکوع دو دستش را روی زانو بگذارد و در حال سجود واجب است که دستش را روی زمین قرار دهد اما اگر نتوانست آنها را روی زانو می‌گذارد، چون از رسول الله ﷺ روایت شده است که فرمود: «أمرت أن أسجد على سبعة أعظم: الجبهة، وأشار إلى أنفه، واليدين والركبتين وأطراف القدمين» «به من امر شده است که بر هفت استخوان سجده کنم: پیشانی، و به بینی‌اش اشاره نمود، و دو دست و دو زانو و گوشه پا». اما اگر کسی نتوانست و روی کرسی نماز خواند اشکال ندارد، خداوند متعال فرموده است: ﴿فَأَتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ [التغابن: 16]. «تا جایی که می‌توانید تقوای خداوند را پیشه کنید»، و رسول الله فرموده: «إذا أمرتكم بأمر فأتوا منه ما استطعتم»⁽¹⁾ «وقتی شما را به کاری امر کردم هر چه که می‌توانید آن را انجام دهید». این حدیث متفق علیه است.

س 2: من به بیماری خود ادرای یا سلس البول دچارم؛ گاهی وقتها از من به اندازه یک قطره یا دو قطره می‌ریزد، بعضی وقتها پیشنماز مردم نیز می‌شوم آیا من اجازه این کار را دارم یا نه؟

ج: اگر سلس البول، همیشگی است یعنی آبی مانند ادرار از تو خارج می‌شود پس وضو نگیر مگر زمانی که وقت نماز داخل شد، وقت که داخل شد وضو بگیر، وقتی که وضو گرفتی با این وضو نماز بخوان تا زمانی که وقت نماز هست، مانند زنی که دچار بیماری استحاضه شده است، چون رسول الله به آن زن دستور داد که برای هر نمازی وضو بگیرد، چون بی‌وضویی اش دائمی هست و خون بند نمی‌شود، وضع کسی که ادراس نیز همیشه می‌آید به همین صورت است، باید برای هر نمازی وضو بگیرد، یعنی زمانی که وقت نماز عصر شد برای نماز عصر وضو می‌گیرد، نماز می‌خواند تا وقت عصر به پایان برسد، و قرآن می‌خواند، برای نماز مغرب وقتی که وقت نماز مغرب داخل شد وضو می‌گیرد، و نماز می‌خواند تا هوا تاریک شود و شفق از بین برود، وقتی که نماز عشا شد وضو می‌گیرد، منظور این است که برای هر وقتی از نمازها وضوی جداگانه باید بگیرد، این برای کسی است که دچار سلس البول هست، بهتر است که پیشنماز مردم نشوی، چون گروهی از علما نظرشان بر این است که اگر کسی دچار بیماری سلس البول هست نباید امام شود، اما اگر این کار را کرده‌ای ان شاء الله که درست بوده صحیح هم این است، اما اگر این کار را ترک کنی اولی‌تر است⁽¹⁾.

س 3: حکم عبور کردن جلو نماز گذاران در حرم مکی و مسجد نبوی چیست؟
ج: در حرم مکی چیزی که نزد اهل علم معروف است این است که اشکال ندارد و کسی مانع نشود تا زمانی که نماز در داخل مسجد الحرام باشد، اما در بقیه اماکن و مساجد مکه باید مانع از عبور شود، باید شخصی که نماز می‌خواند برای خود یک ستره قرار دهد، رسول الله در منطقه ابطح وقتی که نماز خواند برای خود یک ستره قرار داد،

می‌توانید تقوای خداوند را پیشه کنید» حکم مسجدالحرام نیز همین است، در بیشتر اوقات احتمال شلوغی هست که نتوان جلو عابری را گرفت، و علماء در مسجدالحرام آسان گرفته‌اند، بخصوص در ایام حج که بیشتر اوقات نمی‌توان جلو عابری را گرفت، و ان شاء الله که معاف هستند، و اما در مسجد النبی هم احتمال شلوغی هست و هم احتمال اینکه شلوغ نباشد وجود دارد، وقتی که مسجد النبی نیز شلوغ باشد حکم مسجد الحرام را می‌گیرد، این حکم آسان گرفته می‌شود چون باید به کسی ضرر نرساند و دیگران را ناتوان نکرد و کاری که قادر به آن نیستند را نباید انجام دهند⁽¹⁾.

س 4: آیا نماز خواندن در محوطه، قسمت توسعه مسجد النبی زیر چترها حکمش مانند نماز خواندن داخل مسجد النبی می‌باشد؟

ج: اماکنی که بعد از توسعه دادن مسجد النبی جزوی از مسجد النبی می‌شود بعد از ملحق شدن به مسجد حکم خود مسجد را می‌گیرد، بر همین اساس هر آنچه که به مسجد النبی اضافه شود و وارد مسجد النبی شود حکم آن را می‌گیرد که اجر نماز خواندن در آن چند برابر می‌شود و امور دیگر، اگر چه که اجر نماز خواندن متفاوت است بر اساس خواندن نماز در صف اول یا در صف دوم و به این صورت⁽²⁾.

س 5: اوقاتی که نماز سنت خواندن درست نیست چه اوقاتی است؟

ج: اوقاتی که نماز خواندن در آن نهی شده عبارت است: از زمان طلوع صبح تا بالا آمدن خورشید، زمانی که خورشید وسط آسمان است تا اینکه به وقت زوال برسد، از بعد از نماز عصر تا غروب خورشید، اما در این اوقات نمازهایی که برای خواندن آن سببی وجود دارد اجازه هست که بخوانیم، مانند نماز کسوف و دو رکعت طواف و نماز تحیت مسجد⁽³⁾.

1- فتاوی‌ای شیخ ابن باز (جزء: 29، صفحه: 326).

2- فتاوی‌ای اللجنة الدائمة (جزء: 6، صفحه: 229).

3- فتاوی‌ای اللجنة الدائمة (جزء: 6، صفحه: 172).

س6: نظر شما درباره دستگاه جدید (موبایل) چیست که در آن برنامه قرآن قرار می دهند، و وقتی که موبایل را باز می کنی دست روی علامت خاصی میزنی و صفحه قرآن باز می شود، آیا در این حالت اجازه هست که بدون وضو به موبایل دست زد، بعد از قفل کردن موبایل آیا می شود در حالی که آن همراهان هست وارد حمام شویم؟ می دانیم که چند لحظه قبل آیه قرآن بر آن ظاهر بوده و الآن بعد از بیرون آمدن از برنامه و قفل کردن موبایل مخفی شده، لطفا جواب دهید، جزاکم الله خیرا؟

ج: زمانی که قرآن بر روی صفحه ظاهر است حرام است وارد حمام شد، چون قرآن بر صفحه نمایان می باشد، اما اگر از برنامه قرآن خارج شده و موبایل را بسته، موبایل در این صورت حکم یک وسیله را می گیرد که حرام نیست آن را با خود به حمام و دستشویی ببریم، اما خواندن قرآن بدون وضو از روی برنامه موبایل جایز هست، البته قاری نباید جُنُب باشد، چون خواندن قرآن برای جنب ممنوع هست، اشکال ندارد که به آن دست کشید چون جزو دست زدن مستقیم به قرآن نیست بلکه یک مانع و صفحه ای وجود دارد، موبایل حکم کتاب قرآن را به خود نمی گیرد، واللہ اعلم⁽¹⁾.

س7: حکم زیارت قبر در ایام عید و روزهای دیگر چیست، من در یک روستا زندگی می کنم که مردم در روز اول عید به قبرستان می روند، آنجا می خورند و می نوشند و مشغول بازی می شوند، چون من شنیده ام که قبرستان محلی است برای پند گرفتن و شناخت خداوند سبحانه و تعالی که انسان را به یاد بعد از مرگ می اندازد؟

ج: زیارت قبور برای دو چیز جایز است: اولاً: برای یاد آوری آخرت؛ رسول الله ﷺ فرموده: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها، فإنها تذكركم بالآخرة»⁽¹⁾ «شما را از زیارت قبور منع کرده بودم، آن را زیارت کنید چون شما را به یاد آخرت میاندازد». دوماً: دعا برای مرده، از رسول الله ﷺ روایت شده که: «كان يقول إذا زار قبور المسلمين في البقيع: السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين والمسلمين، وإنا إن شاء الله بكم لاحقون، أنتم فرطنا ونحن لكم تبع، نسأل الله لنا ولكم العافية، اللهم اغفر لهم اللهم ارحمهم»⁽²⁾. «زمانی که به زیارت قبورستان مسلمانها در بقیع می رفت می فرمود: سلام بر شما اهل دیار از مومنین و مسلمین، و ما ان شاء الله به شما ملحق می شویم، شما از ما زودتر رفتید و ما بعد از شما مییم، برای خود و شما عافیت را خواستاریم، خدایا آنها را بیامرز پروردگارا به آنها رحم بفرما». اما نشستن سر قبر و خوردن در آنجا و شادی و سرور راه انداختن جایز نیست، همچنین جایز نیست که از مرده طلب دعا کنیم چون خودش به دعا نیازمند است⁽³⁾.

س8: چه وقت باید نیت روزه گرفتن بکنیم؟ آیا شرط هست که هر شب نیت بکنیم؟

1- مسلم در «صحيحش» (1975) كتاب الأضاحي - باب ادخار لحوم الأضاحي فوق ثلاث، وأصحاب «السنن»، از حديث بریده ﷺ.

2- إسنادش صحيح است بر شرط مسلم، رجالش ثقة هستند رجال الشيخين به جز سليمان ابن بریده ومعاوية بن هشام - و او القصار الكوفي است - از رجال مسلم. أبو أحمد: که اسمش محمد بن عبد الله الأسدي الزُّبيري است، وسفيان: که ابن سعيد الثوري است. و أبو بكر الخلال في كتاب «السنة» آورده (1080) از طريق أحمد بن حنبل، با این إسناد.

3- فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 7، صفحه: 441).

ج: نیت از شب شروع می‌شود، اگرچه که آخر شب باشد، ولی باید نیت کرد، رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»⁽¹⁾. «اعمال انسان بر اساس نیت محاسبه می‌شود». قول صحیح این است که باید هر شب نیت کرد، مگر این که روزه سنت باشد، که در سنت شرط نیست که شب نیت کند و اگر در روز شروع به روزه گرفتن نمود یعنی صبح از خواب بیدار شد و شب نیت نکرده بود اما چیزی در صبح نخورد نه خوردنی و نه نوشیدنی و نه هم کاری که باعث باطل شدن روز باشد انجام داد، سپس خواست که آن روز را روزه بگیرد، درست است و اشکالی ندارد، از ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: «رسول الله ﷺ نزد من آمد و پرسید: چیزی برای خوردن هست؟ گفتم: نه، فرمود: پس من روزه هستم»⁽²⁾ پس رسول الله علیه الصلاة والسلام در وسط روز روزه گرفت⁽³⁾.

س 9: اگر انسان در ماه رمضان صدای اذان را از طریق رادیو شنید و گمان کرد که اذان به افق شهر خودش است اما بعد مشخص شد که به افق شهری که قبل از شهرش هست می‌باشد، آیا باید قضای آن روز را به جا بیاورد؟

1- بخاری 1 / 7 - 15 در بدء الوحي، و در الإیمان، باب ما جاء أن الأعمال بالنية والحسبة ولكل امرئ ما نوى، و در العتق، باب الخطأ والنسيان في العتاقة والطلاق ونحوه، ودر فضائل أصحاب النبي ﷺ، باب هجرة النبي ﷺ وأصحابه إلى المدينة، و در النكاح، باب من هاجر أو عمل خيراً لتزويج امرأة فله ما نوى، و در الإیمان والتذور، باب النية في الإیمان، و در الحيل، باب في ترك الحيل وأن لكل امرئ ما نوى، و مسلم (1907) در الإمامة، باب قوله ﷺ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ»، وأبو داود (2201) در الطلاق، باب فيما عني به الطلاق والنيات، و ترمذي (1647) در فضائل الجهاد، باب ما جاء فيمن يقاتل رياء وللدنيا، و نسائي 1 / 59 و 60 در الطهارة، باب النية في الوضوء.

2- مسلم 809/2.

3- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 16، صفحه: 184).

ج: اگر می‌داند که قبل از غروب خورشید افطار کرده است باید قضا بجا بیاورد⁽¹⁾.
 س 10: حکم شرعی روزه کسی که صدای اذان صبح را شنیده ولی به خوردن و نوشیدن ادامه داده چیست؟

ج: واجب است که انسان مؤمن از خوردن و نوشیدن و کارهای افطار کننده دیگر وقتی که فهمید وقت صبح داخل شده دست بردارد و خودداری کند، بخصوص اگر روزه‌های فرض مانند روزه رمضان و روزه نذری یا روزه کفارات باشد خداوند فرموده است: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ [البقرة: 187]. «و بخورید و بیاشامید، تا رشته‌ی سفید صبح از رشته‌ی سیاه (شب) برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان رسانید»، اگر صدای اذان را شنید و دانست که صدای اذان صبح هست، واجب است که از خوردن و نوشیدن دست بردارد، اما اگر مؤذن قبل از داخل شدن وقت صبح اذان می‌گفت واجب نیست که امساک کند و از خوردن و نوش دست بکشد، جایز هست که بخورد و بنوشد تا برایش آشکار شود که صبح شده است، اما اگر نفهمید که مؤذن برای صبح اذان می‌گوید یا برای قبل از صبح، اولی و احتیاط این است که امساک کند و دست از خوردن بردارد، اما اگر در وقت اذان گفتن چیزی خورد یا نوشید اشکال ندارد، چون ندانسته که وقت صبح داخل شده است، در زمان کنونی بخاطر وجود برق و نور که در شهرها نصب شده انسان نمی‌تواند خودش وقت دخول صبح را ببیند، ولی باید احتیاط کند و به اذان توجه نماید و به تقویم‌هایی که وقت صبح را با ساعت و دقیقه مشخص می‌کند، توجه کند تا به قول پیامبر که فرموده: «دع ما یریبک إلی ما لا

یریبیک»⁽¹⁾ «رها کن چیزی که تو را به شک می اندازد و بگیر چیزی که تو را به شک نمی اندازد». و رسول الله ﷺ فرموده: «من اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه وعرضه»⁽²⁾⁽³⁾. «کسی که خود را از شبهات نگه داشت دین و ناموس خود را از گناه حفظ کرده است».

س 11: من بخاطر اینکه بیماری آسم دارم از اسپری مخصوص استفاده می کنم، روزه دار هستم و یک طعم تلخی را در دهانم احساس می کنم، آیا باید افطار کنم؟
ج: اگر به خاطر ضرورت هست ان شاء الله روزه را باطل نمی کند، چون جزو نوشیدنی و خوردنی نیست، بلکه هوا و تنفسی است که وقتی دچار مشکل می شوی از آن استفاده می کنی، صحیح این است که روزه را باطل نمی کند ولی باید فقط در مواقع ضرورت از آن استفاده کرد⁽⁴⁾.

س 12: حکم روزه کسی که در یک کشوری روزه گرفته و به کشوری دیگر که از لحاظ زمانی با وقت کشور اول متفاوت هست چگونه هست؟

ج: از شیخ رحمة الله علیه سوال شده: حکم روزه کسی که از یک کشور اسلامی سفر کرده و به کشوری دیگر که مردم آنجا یک روز دیرتر روزه گرفته اند چیست، آیا باید خود را همراه و تابع آنها قرار دهد، اگر چه که سی روز بیشتر روزه بگیرند، یا برعکس؟ شیخ جواب دادند: اگر شخصی از یک کشور اسلامی به کشور اسلامی دیگر مسافرت کند که مردم آنجا دیرتر روزه شان تمام می شود، باید با مردم آن کشور و شهر روزه را تمام کند، چون باید روزی که مردم روزه هستند او نیز روزه باشد و روزی که مردم روزه را تمام می کند او

1- ترمذی (2520) در صفة القيامة، باب شماره (61)، و نسائی 8/ 327 و 328 در الأشربة، باب

الحث على ترك الشبهات، و إسناده صحيح است، و همچنین أحمد و غیره روایت کرده اند.

2- بخاری (52)، و مسلم (1599).

3- البحوث الإسلامية (جزء: 30، صفحه: 116).

4- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 16، صفحه: 224).

نیز افطار کند، و روز عید قربان روزی است که مردم عید می کنند، اگرچه که یک روز یا بیشتر از سی روز را روزه بگیرد، همچنین اگر به یک کشور و شهری سفر کرد که غروب خورشید دیرتر از شهر خودش هست باید صبر کند و روزه باشد تا خورشید غروب کند، اگرچه که از روز عادی دو ساعت یا سه ساعت یا بیشتر تا غروب طول بکشد، چونکه وقتی به کشور دیگری می رود هلال در آنجا رویت نشده است و پیامبر دستور داده است که روزه نگیریم و روزه را تمام نکنیم مگر بعد از رویت ماه، فرموده: «صوموا لرؤیته، وأفطروا لرؤیته»⁽¹⁾ «با دیدن ماه روزه بگیرید و با دیدن ماه روزه را تمام کنید».

اما اگر مسأله بر عکس رخ داد یعنی از کشوری سفر کرد به کشوری دیگر که در آن کشور دوم روزه را زودتر گرفته اند، باید با آنها روزه را تمام کند و قضای روزی را که افطار کرده را به جا بیاورد، اگر یکروز را افطار کرد قضای یکروز را به جا می آورد و اگر دو روز را افطار کرد قضای دو روز را به جا می آورد، اگر بعد از بیست و هشت روز از رمضان که روزه رفته بود افطار کرد، دورا قضا می گیرد، اگر روزهای ماه رمضان در هر دو کشور کامل بوده باشد، و اگر در هر دو کشور یا یکی از کشورها رمضان بیشتر از سی روز بود فقط یک روز را قضا می گیرد⁽²⁾.

س 13: آیا روزه دار اجاز دارد که همسر خود را ببوسد؟

ج: روزه دار اگر می داند که انزال منی رخ نمی دهد اجازه دارد که ببوسد، اما اگر می ترسد که انزال منی رخ دهد مکروه هست که این کار را انجام دهد، اگر بوسید یا با همسرش بازی کرد و انزال منی رخ داد روزه اش بر اساس قول صحیح علماء فاسد شده است، باید روزه را قضا بگیرد ولی كفاره ندارد، عایشه رضی الله عنها می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله

1- صحیح بخاری باب قول النبی صلی الله علیه و آله إذا رأیتم الهلال 27/3.

2- فتاوی ابن عثیمین (جزء: 19 صفحه: 44).

«در حالت روزه می‌بوسید و مباشرت می‌کرد، ولی کدام یک از شما می‌تواند مانند او خود را نگه دارد»، به روایت مسلم⁽¹⁾.

س 14: آیا تزریق کردن از طریق عضلات یا از طریق رگ حکمش یکسان هست؟
ج: در هیچ صورت روزه را باطل نمی‌کند، صحیح این است، مگر اینکه بخاطر رساندن غذا و خوراک باشد⁽²⁾.

س 15: آیا روزه دارد اجازه دارد در ماه رمضان با آب و صابون غسل بزنند؟ و آیا کسی که جنب شد باید روزه خود را بخورد؟ آیا بوخوشی روزه را باطل می‌کند؟
ج: اولاً: روزه دار اجازه دارد که در روز رمضان با آب و صابون غسل بزند.
دوماً: اگر کسی که روزه هست در روز رمضان جُنُب شد روزه‌اش فاسد نمی‌شود بلکه باید غسل برند اگر انزال منی رخ داد.

سوماً: اگر کسی که روزه هست در روز رمضان از هر نوع بوخوشی در رمضان استفاده کرد، روزه‌اش باطل نمی‌شود، اما از بخور استفاده نکند و بخور را بو نکند همچنین بوخوشی‌های که پودر می‌کنند و روی آتش می‌گذارند مانند مسک⁽³⁾.

س 16: در مورد مسواک زدن در ماه مبارک رمضان سوال دارد، آیا جایز هست در وسط روز رمضان از مسواک استفاده کنیم یا نه؟

ج: روزه دار اجازه دارد در تمام روزهای رمضان از مسواک استفاده کند، به خاطر عام بودن احادیثی که در مورد مسواک آمده است، و در حدیثی که امام ترمذی از عامر بن ربیعہ⁽⁴⁾ روایت کرده است آمده که او گفت: «پیامبر را چندین بار که از شمارش

1- اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 308).

2- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 16، صفحه: 225).

3- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 272).

خارج است دیده‌ام که در حالی که روزه بود مسواک می‌زد»، و ترمذی گفته: این حدیث حسن است⁽¹⁾.

س 17: آیا روزه دار اجازه دارد که در حال روزه از خمیر دندان استفاده کند؟ بیاد داشته باشید که روزه دار می‌تواند فقط از مسواک چوبی استفاده کند، و حکم داروهایی که برای شستشوی دهان است (با آن مضمضه می‌کنند) چیست؟

ج: هیچ اشکالی وجود ندارد که در روز رمضان هنگام روزه از خمیر دندان استفاده کرد، اما باید تمام آنچیزهایی که در دهانش مانده را باید بیرون بریزد، و اگر چیزی بدون تقصیر او به حلقش وارد شد به روزه‌اش ضرری وارد نمی‌کند، همچنین هیچ اشکالی ندارد که از دهان شوی استفاده شود بشرط اینکه مضمضه کند و به عمد چیزی را فرو نبرد، و چشیدن غذا نیز همین حکم را دارد یعنی می‌تواند آن را به دهان بزند ولی آن را نخورد⁽²⁾.

س 18: حکم خوردن آب دهن برای روزه دار چیست؟

ج: خوردن آب دهن برای روزه دار اشکال ندارد، و فکر نکنم که بین علما در این مورد اختلاف باشد، چون در آن سختی وجود دارد و نمیتوان آن را بیرون ریخت، اما آب بینی و بلغم، اگر به دهان وارد شد باید بیرون ریخت، و روزه دار اجازه ندارد آن را بلعد چون می‌تواند از آن دوری کرد و همیشگی نیست، اما آب دهان همیشگی می‌باشد⁽³⁾.

س 19: حکم جماع کردن در روز رمضان چیست؟ هم زن و هم شوهر از حکم آن بی‌خبر بودند، و جماع در روز رمضان و با رضایت هر دو صورت گرفته است، چون شوهر مسافر بود و به خاطر سفر اجازه افطار کردن را داشت، اما زن مسافر نبود؟

1- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 5، صفحه: 130).

2- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 9، صفحه: 199).

3- فتاوی شیخ عبد العزیز بن باز (جزء: 15، صفحه: 313).

ج: هم زن و هم شوهر باید قضای آن روز را به جا بیاورند و هر دو باید کفاره بدهند، کفاره این است که باید یک برده را آزاد کند، اگر نیافت باید دو ماه پشت سرهم، هر روز را روزه بگیرد، اگر توان آن را نداشت باید به شصت مسکین غذا بدهد، و علاوه بر این باید توبه کنند، چونکه شوهر وقتی که از سفر برگشت باید بقیه روز را چیزی نمی خورد و کاری نمی کرد و در حالت امساک قرار می گرفت چون سفرش تمام شده بود⁽¹⁾.

س 20: حکم انجام دادن عادت سری (استمنا) در روز رمضان چیست؟

ج: انجام دادن عادت سری (استمنا با دست) حرام است، و در روز رمضان حرمتش بیشتر می باشد، روزه اش باطل است و باید قضای روزی که در آن روز استمنا انجام داده را به جا بیاورد، چون روزه را فاسد می کند⁽²⁾.

1- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 1 صفحه: 642).

2- فتاوی اللجنۃ الدائمة (جزء: 10 صفحه: 259).

فصل پنجم:

زیارت مدینه و احکام آن

س 1: بعضی از برادران که به عربستان می آیند می گویند: همه زیارت گاه ها در مدینه یا در مکه - می گویند - مقدس هست. و همچنین غار حرا و غار ثور و جبل الرحمه را زیارت می کنند، می گویند جزو اماکن مقدس هستند؟

ج: این غلط است، اینها جزو اماکن مقدسه نیستند، به غار ثور و غار حرا و خانه فلانی نمی توان گفت اماکن مقدسه، چون رسول الله ﷺ آن را مقدس قرار نداده است، چون از زمانی که بر رسول الله در غار حرا وحی نازل شد، پیامبر دوباره به زیارت غار حرا نرفت، بعد از آن در غار حرا به عبادت مشغول نشد، و مردم را به زیارت آن دعوت نکرد، صحابه نیز به زیارت آن نرفته اند، این نشان دهنده این است که مقدس نیست، زیارت نشده و مستحب نیست که زیارت شود در مدینه نیز به همین صورت، فقط به زیارت مسجدالنبی ﷺ می رود آنجا نماز می خواند، به مسجد قبا می رود و نماز می خواند، به زیارت قبرستان بقیع می رود و بر مردگان سلام می دهد که فقط مخصوص مردان است و همچنین مستحب است که به قبرستان شهدای احد برود و بر آنها سلام دهد، برای مردگان دعا کند که مخصوص مردان است، اما نباید گفت که این قبرستان ها: مقدس هستند، چون این حرف هیچ دلیلی ندارد، بلکه فقط برای اینکه بر مردگان این قبرستان دعا کند و ترحم کند بر آنها و خودش عبرت و درسی بگیرد به زیارت قبرستان می رود، قبرستان برای عبرت گرفتن و به یاد مرگ افتادن است، مسلمان به زیارت قبر می رود تا بر مردگان سلام دهد و برایشان دعا کند، با این کار از رسول الله ﷺ و صحابه کرام ﷺ پیروی کرده است، اما مسلمان به زیارت قبر نمی رود که از مرده

طلب دعا کند یا آنجا نماز بخواند این کار منکری است، برای خواندن قرآن بر سر قبر نیز نمی‌رود، این کار مشروع نمی‌باشد، بلکه در قبرستان بقیع و قبرستان شهدای احد و قبرستان معلا در مدینه و سایر قبرستان‌ها که مسلمان‌ها به آنجا می‌روند باید فقط برای سلام کردن بر اموات و دعا کردن بر آنها برود اما نباید قصد سفرش خاص برای این قبرستان‌ها باشد، و نباید نیتش فقط این قبرستان‌ها باشد، اما از نظر شرعی اگر در جایی بود و به زیارت قبرستان آنجا رفت اشکالی ندارد؛ اما زنها به زیارت قبر نمی‌روند، چون از رسول الله ﷺ ثابت شده است که زنانی که به زیارت قبر می‌روند را مورد نفرین قرار داده است، چونکه باعث فتنه می‌شوند، صبرشان کم است، پس از حکمت الهی این است که آنها را از زیارت قبر نهی کرده است، و بر آنها حرام قرار داده است، در مدینه چیزی به غیر از اینها که ذکر شد زیارت نمی‌شود، اما چاه‌ها و کوه و مساجد دیگر مشروع نیست که زیارت شود، در زیارتشان عبادت نیست، در مدینه منوره فقط چهار اماکن زیارت می‌شود: مسجد النبی ﷺ برای نماز خواندن در آن، قرآن خواندن و دعا کردن، و مسجد قبا برای نماز خواندن در آن همانطور که رسول الله انجام داده است، و قبرستان بقیع برای سلام کردن بر اموات و دعا بر آنها، و قبرستان شهدای احد، برای دعا کردن و سلام دادن بر آنها، و اگر در هر جایی قبرستانی بود در آنجا نیز همین کار را انجام می‌دهد، اما قصد سفر برای زیارت قبر نمی‌کند، فقط برای پند و اندرز گرفتن به زیارت قبر می‌رود، اما موالد را زیارت نمی‌کند، و مقدس نیست، و مولد جایی است که یک شخص در آنجا به دنیا آمده است؛ مانند محل ولادت رسول الله ﷺ یا محل ولادت علی ﷺ یا اشخاص دیگر زیارت این اماکن مشروع نیست، نه محل تولد این بزرگان و نه محل تولد افراد دیگر یعنی چنین اماکنی از نظر شرعی هیچ جایگاهی ندارند که به چنین محلی برای زیارت رفت، نه محل تولد پیامبر ﷺ و نه محل تولد علی یا عباس یا فاطمه و یا اشخاص دیگر ﷺ، چون پیامبر ﷺ و صحابه ﷺ چنین کاری را انجام نداده‌اند، این کار بدعت است، و رسول الله ﷺ فرموده است، «من عمل عملاً

لیس علیه أمرنا فهو رد»⁽¹⁾ «اگر کسی کاری را انجام دهد که دستور ما بر انجام آن کار نیست، آن کار مردود است». و همچنین فرموده است: «من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد»⁽²⁾ «اگر کسی در دین ما چیزی جدیدی به وجود بیاورد که از آن نیست آن چیز مردود است» پس شایسته است یک شخص مسلمان در هر کاری که به قصد عبادت می خواهد انجام دهد ابتدا نظر و دیدگاه شریعت را در مورد آن کار بررسی کند، اگر موافق با دستورات دین بود آن را انجام دهد اما اگر مخالف شرع و دستورات اسلامی بود در هر جایی که آن مسئله باشد، آن را رها کند، راه نجات و خوشبختی همین است، علما و اهل بصیرت نظرشان بر این است⁽³⁾.

س 2: من میخواهم مسجد رسول الله ﷺ در مدینه منوره را زیارت کنم، روش سلام دادن بر رسول الله چگونه است؟ آیا زیارت مسجد النبی واجب است؟

ج: زیارت مسجد النبی ﷺ واجب نیست، اما سنت است که به مدینه منوره بروی و در مسجد النبی نماز بخوانی، وقتی به مسجد رفتی ابتدا نماز بخوان سپس به قبر رسول الله ﷺ برو و بگو: «السلام عليك أيها النبي صلى الله عليه وسلم ورحمة الله وبركاته، صلى الله عليك وعلى آلك وأصحابك»، زیاد سلام و درود بفرست، چون از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمود: «وصلوا علي فإن صلاتكم تبلغني حيث كنتم»⁽⁴⁾ «بر من درود بفرستید چون در هر جایی که باشید درود شما به من رسانده می شود» سپس بر ابوبکر و عمر سلام می دهد و از آنها اعلام رضایت می کند، قبر را لمس نمی کند، در آنجا دعا نمی کند، و در هر جایی از مسجد که خواست دعا می کند، از رسول الله ﷺ

1- قبلاً تخریج شد.

2- قبلاً تخریج شد.

3- فتاوی نور علی الدرب (جزء: 17، صفحه: 309).

4- سنن أبي داود . شيخ ألباني گفته: صحیح است.

روایت شده که فرمود: «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام ، ومسجدي هذا، والمسجد الأقصى» (به قصد عبادت) سفر نکنید مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام و این مسجد من (مسجد النبی) و مسجد الأقصى» بخاری و مسلم و احمد و ابوداود و نسائی این حدیث را رعایت کرده‌اند⁽¹⁾.

س 3: جواب ما را بدهید - جزاکم الله خیرا- آیا این حدیث صحیح است: «من صلی فی مسجدی هذا أربعین صلاة لا تقوته صلاة دخل الجنة» «اگر کسی که در مسجد من چهل نماز بخواند و هیچ نمازی از او فوت نشود وارد بهشت می شود» ج: این حدیث ضعیف می باشد و در آن آمده است: «من صلی فی مسجدی أربعین صلاة لا تقوته التكبيرة الأولى كتب له براءة من النار وبراءة من العذاب وبراءة من النفاق»⁽²⁾ «اگر کسی در مسجد من چهل نماز بخواند، تکبیره الاولی از او فوت نشود برایش نجات از آتش جهنم و نجات از عذاب و نجات از نفاق نوشته می شود»، این حدیث صحیح نمی باشد، اگرچه که بعضی آن را صحیح می دانند اما حدیث ضعیف است، اما نماز خواندن در مسجد النبی خیر و ثواب بزرگی دارد، رسول الله ﷺ می فرماید: «صلاة فی مسجدی هذا خیر من ألف صلاة فیما سواه إلا المسجد الحرام»⁽³⁾. «نماز خواندن در مسجد من (مسجد النبی) بهتر از هزار نماز در مسجدی دیگر است بجز مسجد الحرام». پس ثواب نماز خواندن در مسجد النبی بسیار زیاد

1- فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 9، صفحہ: 117).

2- إسناده ضعیف است به خاطر مجهول بودن نبیط بن عمر، تنها عبد الرحمن بن ابي الرجال از او روایت کرده است، و ابن حبان او را در کتاب «ثقاته» 483/5 ذکر کرده است.

3- بخاری 3 / 54 در التطوع، باب فضل الصلاة في مسجد مكة والمدينة، و مسلم (1394) در الحج، باب فضل الصلاة بمسجدي مكة والمدينة، و الموطأ 1 / 196 في القبلة، باب ما جاء في مسجد النبي ﷺ، و ترمذی (325) در الصلاة، باب ما جاء في أي المساجد أفضل، و نسائی 2 / 35 در المساجد، باب فضل مسجد النبي صلى الله عليه وسلم والصلاة فيه.

است، اما حدیثی که لفظ نجات از آتش جهنم و عذاب و نفاق در آن آمده است صحیح نیست⁽¹⁾.

1- فتاوی شیخ ابن باز (جزء: 26، صفحه: 286).

مآخذ

- 1- صحيح الإمام البخاري.
- 2- صحيح الإمام مسلم.
- 3- المعجم الاوسط.
- 4- صحيح ابن خزيمة.
- 5- سنن أبي داود.
- 6- سنن الترمذي.
- 7- سنن النسائي.
- 8- سنن ابن ماجه.
- 9- الأذكار للنووي.
- 10- شرح الإمام النووي (على صحيح مسلم).
- 11- مختصر السنة لعبدالعزیز بن جعفر بن أحمد بن یزاد بن معروف الحنبلي.
- 12- فتاوى سماحة مفتي عام المملكة الشيخ عبد العزيز بن عبد الله آل الشيخ.
- 13- البحوث الاسلامية لهيئة كبار العلماء.
- 14- برنامج نور على الدرب.
- 15- فتاوى الشيخ عبد العزيز بن باز رحمته الله.
- 16- فتاوى الشيخ ابن عثيمين رحمته الله.
- 17- فتاوى هيئة كبار العلماء .